

سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احکام نماز (وقت شناسی، قبله شناسی، و پوشش)

نویسنده:

محمد وحیدی

ناشر چاپی:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
احکام نماز (وقت شناسی، قبله شناسی، و پوشش)	۹
مشخصات کتاب	۹
فصل اول : وضو، غسل و تیمم	۹
اشاره	۹
مسائل مخصوص وضوی ترتیبی	۹
دستور وضوی ارتماسی	۱۰
مسائل مخصوص وضوی ارتماسی	۱۰
مسائل مشترک وضوی ترتیبی و ارتماسی	۱۰
شرایط وضو	۱۲
شرایط واقعی	۱۵
شرایط توجهی	۱۵
بعضی از مستحبات وضو	۱۵
بعضی از مکروهات وضو	۱۶
وضوی جبیره	۱۶
اشاره	۱۶
جبیره چیست ؟	۱۶
موارد وضوی جبیره	۱۶
دستور وضوی جبیره	۱۶
اگر جبیره در محل مسح باشد	۱۷
مواردی که هم باید وضوی جبیره گرفته و هم باید تیمم نماید	۱۷
مواردی که فقط بایستی تیمم کرد	۱۸
مواردی که باید وضو گرفته و بهتر است تیمم هم نکند	۱۸

۱۸	مواردی که باید تیمم کرده و بهتر است وضو هم بگیرد
۱۹	اشاره
۱۹	تذکرات مربوط به وضوی جبیره
۲۲	پنج چیز بر جنب حرام است
۲۳	چیزهایی که بر جنب مکروه است
۲۳	غسل مس میت
۲۵	بعضی از غسلهای مستحب
۲۶	مستحبات غسل جنابت
۲۶	فرقهای غسل ارتماسی و ترتیبی
۲۶	حکام مشترک غسل ترتیبی و ارتماسی
۲۷	تیمم
۳۰	فصل دوم : وقت شناسی
۳۰	توضیح
۳۱	وقت فضیلت نماز ظهر و عصر
۳۱	وقت مخصوص نماز مغرب و عشا
۳۱	وقت مشترک نماز مغرب و عشا
۳۱	وقت فضیلت نماز مغرب و عشا
۳۲	یادآوری های اوقات مخصوص و مشترک نماز
۳۳	احکام وقت نماز
۳۴	مواردی که باید ما فی الذمه نیت نمود
۳۵	وقت ادای نافله ظهر
۳۵	وقت ادای نافله عصر
۳۵	وقت نافله روز جمعه
۳۵	وقت ادای نافله مغرب

وقت ادای نافله عشا	۳۵
وقت ادای نماز شب	۳۵
وقت ادای نافله صبح	۳۶
فصل سوم : قبله شناسی	۳۶
اشاره	۳۶
راههای تشخیص جهت قبله	۳۷
کسی که فهمیده نمازش رو به قبله نبوده	۳۸
مکان نمازگزار	۳۹
اشاره	۳۹
شرط اول : غصبی نباشد	۳۹
شرط دوم : مکان نمازگزار در حال اختیار بی حرکت باشد	۴۰
شرط سوم : در جایی نماز خوانده شود که نمازگزار بتواند افعال نماز را درست به جا آورد	۴۱
شرط چهارم : مکان نمازگزار پاک باشد	۴۱
شرط پنجم : مکان نمازگزار پست و بلند نباشد	۴۱
بعضی از مکانهایی که نماز خواندن در آنها مکروه است	۴۲
بعضی از مکانهایی که نماز خواندن در آنها مستحب است	۴۲
احکام مساجد	۴۳
احکام استجبایی	۴۳
احکام حرام	۴۵
۱- زینت کردن مسجد:	۴۵
۲- فروختن یا از بین بردن مسجد و یا لوازم آن .	۴۵
۳- نجس کردن مسجد.	۴۵
۴- بیرون بردن سنگریزه های آن .	۴۵
۵- دفن میت در مسجد:	۴۵

۴۶	۶- بردن عین نجس یا چیزی که نجس شده ، به مسجد.
۴۶	۷- کارهایی که مانع نماز خواندن بشود.
۴۷	مقدمات رکنی و غیر رکنی (توجهی و غیر توجهی)
۴۸	پی نوشتها
۴۸	فصل چهارم : پوشش
۴۸	مقدار پوشش
۴۹	چه بپوشیم ؟
۴۹	شرایط لباس در غیر حال نماز
۵۰	مستحبات لباس در غیر حال نماز
۵۰	شرایط لباس نمازگزار
۵۲	توجه به نجاست لباس در بین نماز
۵۳	مواردی که می شود با لباس نجس نماز خواند
۵۳	اشاره
۵۳	اول :خون قروح و جروح (زخم)
۵۴	دوم : خون کمتر از درهم
۵۴	سوم : چیزهایی که به خاطر کوچکی نمی شود از آنها به عنوان پوشش واجب استفاده کرد
۵۵	چهارم : با محمول متنجس
۵۵	پنجم :لباس پرستار بچه
۵۵	ششم : در حالااضطرار
۵۶	بعضی از چیزهایی که در لباس نمازگزار مستحب است
۵۶	بعضی از چیزهایی که در لباس نمازگزار مکروه است
۵۶	خلاصه مطالب
۵۷	پی نوشتها
۵۷	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

احکام نماز (وقت شناسی، قبله شناسی، و پوشش)

مشخصات کتاب

سرشناسه: وحیدی محمد گردآورنده عنوان و نام پدیدآور: احکام نماز، وقت شناسی قبله شناسی پوشش گردآورنده محمد وحیدی مشخصات نشر: قم حوزه علمیه دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۶۶. مشخصات ظاهری: ۱ ج شماره گذاری گوناگون فروست: (روشی در دسته بندی و بیان احکام ۱؛ ۲؛ ۳۴) شابک: بها: ۴۰۰ ریال یادداشت: عنوان از روی جلد. موضوع: نماز رده بندی کنگره: BP۱۸۶/و۳الف ۳ ۱۳۶۶ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۳ شماره کتابشناسی ملی: م ۶۶-۲۷۸

فصل اول: وضو، غسل و تیمم

اشاره

تمام وضوها را به یکی از دو صورت می توان انجام داد: ۱. وضوی ترتیبی؛ ۲. وضوی اترتماسی دستور وضوی ترتیبی در وضوی ترتیبی چهار چیز واجب است: واجب اول شستن صورت از رستنگاه مو، یعنی از جایی که موی سر بیرون می آید تا آخر چانه از طرف طول و عرض آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می گیرد که اگر مختصری از این مقدار را نشوید، وضو باطل است و برای آنکه یقین کند این مقدار کاملاً شسته شده، باید کمی اطراف آن را هم بشوید و البته باید توجه داشت که این مقدار بایستی از بالا به پایین شسته شود. واجب دوم شستن دست راست و بعد از آن دست چپ، از آرنج تا سرانگشتها، و برای آنکه یقین کند آرنج را کاملاً شسته، باید کمی بالاتر از آرنج را هم بشوید؛ البته باید توجه داشت که این قسمت را هم بایستی از بالا به پایین بشوید. واجب سوم مسح کردن یک قسمت از چهار قسمت سر - که همان مقابل پیشانی است با دست راست و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند کافی است؛ حضرت امام (ره) می فرمایند: بنابر احتیاط واجب جای مسح شده از عرض یک انگشت کمتر نباشد؛ اگر چه احتیاط مستحب آن است که از درازا به اندازه درازی یک انگشت و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت بسته مسح نماید. البته باید توجه داشت که مسح سر لازم نیست بر پوست آن باشد، بلکه بر موی جلو سر هم صحیح است و اما کسانی که موی سرشان به حدی بلند است که اگر شانه کنند از حد مسح خارج می شود باید بیخ موها یا پوست سر را مسح نمایند. واجب چهارم مسح کردن روی پاها، اول پای راست با دست راست و بعد پای چپ با دست چپ، از سر یکی از انگشتها تا مفصل، ولی حضرت امام (ره) تا برآمدگی پاها را هم اجازه می دهند، این از نظر طول و اما از جهت عرض به هر اندازه باشد، کفایت می کند، اگر چه به اندازه عرض انگشت کوچک باشد؛ ولی بهتر است به اندازه سه انگشت بسته و بهتر از آن مسح تمام روی پاست. عروۃ الوثقی، فی افعال الوضوء، مساله ۴۹؛ تحریر الوسیله ج ۱، ص ۲۳؛ توضیح المسائل، مساله ۷۲۳. ۳۲۴. ۵۲۴. ۶۲۴. ۲۴۹ تا ۲۵۳

مسائل مخصوص وضوی ترتیبی

۱- اگر دست را تر کند و به صورت و دستها بکشد، چنانچه تری دست به قدری باشد که بواسطه کشیدن دست، آب کمی بر آنها جاری شود، کافی است. توضیح المسائل، مساله ۲۴۴-۲ اینک گفته شد که شستن صورت و دستها از بالا به پایین باشد، مراد آب ریختن نیست که حتماً بایستی آب را هم مثلاً از رستنگاه مو بریزد، بنابراین اگر کسی آب را پایین تر از رستنگاه مو بریزد - ولی با دست تر شستن را از رستنگاه مو شروع کند مانعی ندارد. عروۃ الوثقی، احکام وضو، مساله ۴۴-۳ شستن صورت در وضو لازم نیست که حتماً با دست راست صورت گیرد.

دستور وضوی ارتماسی

وضوی ارتماسی هم مانند وضوی ترتیبی چهار چیز واجب دارد متنها فرقی با وضوی ترتیبی در صورت و دستهاست که در وضوی ترتیبی صورت و دستها به نیت وضو شسته می شد، ولی در وضوی ارتماسی صورت و دستها بایستی از بالا به پایین به نیت وضو در آب فرو برده شده و یا به نیت وضو از بالا- به پایین از آب بیرون آورده شود. توضیح المسائل، مساله ۲۶۱ مشکلی در وضوی ارتماسی و راه حل آن در وضوی ارتماسی بعضی از آقایان قائلند که حتما بایستی در هنگام فرو بردن اعضا در آب نیت وضو شود، چون اگر فقط در هنگام بیرون آوردن نیت شود، این صدق شستن نمی کند؛ چون شستن چیزی است که باید ایجاد شود و این با فرو بردن اعضا قبل از آب ایجاد شده و فرض هم این است که در وقت فرو بردن در آب این شخص نیت وضو نداشته و در وقت بیرون آوردن چون ابقای همان ایجاد قبلی است، لذا صدق شستن نمی کند، لذا می فرمایند: بایستی حتما در هنگام فرو بردن اعضا در آب نیت وضوی ارتماسی بشود و چون با فرو بردن در آب و فرا گرفتن آب تمام عضو را، شستن تمام می شود، هنگام بیرون آوردن آبهایی که به دست می رسد آب خارج محسوب می شود. این دسته از آقایان برای مسحها می فرمایند بایستی تمام دست چپ یا بعضی از آن را حتما وضوی ترتیبی داد تا مسحها با آب خارج تحقق پیدا نکند، اما حضرت امام (ره) می فرمایند: هم در هنگام فرو بردن اعضا در آب می شود نیت وضو کرد و هم در هنگام بیرون آوردن، حالا طبق فرمایش ایشان اگر در هنگام بیرون آوردن نیت وضو شود، برای مسحها اشکال پیش نمی آید، اما اگر در هنگام فرو بردن نیت وضو شود و بخواهیم مسحها هم با آب خارج صورت نگیرد راه حلش این است که تمام دست چپ یا بعضی از آن را وضوی ترتیبی بدهیم - همان گونه که آن دسته از آقایان فرموده بودند و مرحوم آقای حکیم در شرح عروۃ الوثقی (مستمسک) در شرح وضوی ارتماسی راه حل دیگری هم ارائه می دهند که در هنگام فرو بردن نیت شستن اول و در هنگام بیرون آوردن نیت شستن دوم داشته باشد؛ چون خواهیم گفت که در وضو شستن اول واجب، و شستن دوم طبق فرمایش حضرت امام (ره) جایز، و طبق فتوای دیگران مستحب، و شستن سوم حرام است و این فرمایش ایشان طبق مبنای حضرت امام (ره) هم که هنگام بیرون آوردن هم جایز می دانند تطبیق می کند. عروۃ الوثقی، افعال وضو، مساله ۲۱؛ التفتیح ج ۵، ص ۱۱۹؛ مستمسک، ج ۲، ص ۳۵۷

مسائل مخصوص وضوی ارتماسی

۱- اگر وضوی بعضی از اعضا را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد، اشکال ندارد و حتی یک عضو را هم می تواند ترتیبی و ارتماسی وضو دهد؛ مثلاً، از آرنج تا بند دست را ارتماسی و بقیه را ترتیبی وضو دهد. توضیح المسائل، مساله ۲۶۳-۲ در وضوی ارتماسی هم باید صورت و دستها از بالا به پایین شسته شود؛ پس اگر وقتی که صورت و دستها را در آب فرو می برد، قصد وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج در آب فرو برد و اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج بیرون آورد. توضیح المسائل، مساله ۲۶۲

مسائل مشترک وضوی ترتیبی و ارتماسی

۱- در وضو، شستن صورت و دستها برای بار اول واجب و برای بار دوم جایز و در مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام می باشد و اگر با یک مشت آب تمام عضو شسته شود و به قصد وضو بریزد، یک مرتبه حساب می شود چه قصد بکند یک مرتبه را یا قصد نکند. توضیح المسائل، مساله ۲۴۸ توضیح الف) مراد از شستن چیست؟ آیا مراد آب ریختن است یا دست کشیدن؟ شستن یعنی رساندن آب به تمام عضو وضو و مراد دست کشیدن و یا آب ریختن نیست و حتی دست کشیدن در وضو واجب نیست. بنابراین

اگر با آفتابه یا وسیله دیگر از بالا- به پایین روی دستها آب بریزد و یقین کند که آب همه جای دستش را گرفته است، دست کشیدن لازم نیست. ب) حضرت امام در این مسأله فرموده اند: ((اگر با یک مشت آب تمام عضو شسته شود و به قصد وضو بریزد یک مرتبه حساب می شود چه یک مرتبه را قصد بکند یا قصد نکند)). اما دیگران در همین مسأله فرموده اند: ((اینکه کدام شستن اول یا دوم یا سوم است مربوط به قصد کسی است که وضو می گیرد؛ پس اگر به قصد شستن مرتبه اول مثلاً- ده مرتبه آب به صورت بریزد، اشکال ندارد و همه آنها شستن اول حساب می شود و اگر به قصد اینکه سه مرتبه بشوید سه مرتبه آب بریزد، مرتبه سوم آن حرام است)). فرق این دو مسأله چیست؟ این دو مسأله فرق بسیار دقیقی دارند و برای بهتر واضح شدن این مسأله این چنین می گوئیم که دیگران در شستن در وضو دو تاقصد و نیت را شرط می دانند یکی اینکه این آب را به نیت وضو بریزد، نه برای چیز دیگر و دیگر اینکه این آب را به نیت شستن چندم می ریزد، ولی حضرت امام همان نیت اول را کافی دانسته و می فرمایند: نیت دوم خود به خود محقق می شود و این فرق اثر عملی هم دارد به این صورت که اگر کسی تصمیم داشته باشد به نیت شستن اول پنج مشت آب روی صورتش بریزد و با ریختن مشت سوم تمام صورتش را آب بگیرد، در اینجا به فتوای دیگران می تواند دو مشت دیگر را هم به همان نیت شستن اول بریزد، ولی به فرمایش حضرت امام شستن اول تمام شده و آن دو مشت خود به خود سراغ شستن دوم می رود. ج) حضرت امام درباره شستن دوم فرموده اند: ((مرتبه دوم جایز)) ولی آقایان دیگر فرموده اند: ((مرتبه دوم مستحب)) است، فرق این دو با هم چیست؟ در باره شستن دوم سه قول است: ۱- حرمت؛ ۲- استحباب؛ ۳- جواز؛ با اینکه ترکش بهتر است و اینکه حضرت امام فرموده اند: جایز است یعنی حرام نیست و اما چون دلیل استحباب بر ایشان روشن نبوده، فتوای به استحباب نداده اند و ایشان می فرمایند: بعید نیست که صورت و دستها یک مرتبه شسته شود بهتر باشد، بلکه حتی یک مرتبه آب ریخته شود و اینکه شستن دوم تشریع و جایز شمرده شده، به خاطر ضعف مردم بوده است. عروة الوثقی، مستحبات الوضوء (التاسع)، جواهر الکلام، ج ۲، ص ۲۶۶ د) اینکه فرموده اند: ((مرتبه سوم حرام)) است، آیا این حرمت وضو را هم باطل می کند؟ در بعضی از موارد موجب بطلان وضو می شود، مثلاً- در صورتی که به این قصد سه بار بشوید که دین گفته و حال آنکه دین چنین چیزی را نفرموده است که در این صورت تشریع و بدعت است که هم حرام و هم موجب بطلان وضو می گردد. - اینکه دست چپ را سه مرتبه بشوید که چون آب دفعه سوم جزء آب وضو نیست، آن وقت برای مسح پاهایش اشکال پیدا می شود که با آب خارج مسح می گردد. ۲- فرق وضوی زن و مرد فقط در یک عمل استحبابی است، آن هم مربوط به همین شستن اول و دوم که در مسأله قبل گفته شد به این بیان که بر مردها مستحب است در شستن دستها آب اول را از پشت دست ریخته و دستها را از روی آن بشوید ولی شستن دوم را از داخل دست شروع کنند و اما زنها به عکس مردها. عروة الوثقی، فی مستحبات الوضوء. ۳- در شستن صورت اگر پوست صورت از لای مو پیدا باشد بایستی آب را به پوست برساند و اگر پیدا نباشد شستن مو کافی است و رساندن آب به زیر آن لازم نیست و اما اگر شک کند که پوست صورت از لای مو پیدا است یا نه، بنابر احتیاط واجب باید مو را شسته و آب را به پوست هم برساند. توضیح المسائل، مسأله ۲۴۱-۴- شستن داخل بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی شود، واجب نیست؛ ولی برای آنکه یقین کند از جاهایی که باید شسته شود، چیزی باقی نمانده، واجب است مقداری از آنها را هم بشوید و کسی که نمی دانسته باید این مقدار را بشوید، اگر نداند در وضوهایی که گرفته این مقدار را شسته یا نه، نمازهایی که خوانده صحیح است و اگر جایی را شک دارد که جزء ظاهر بدن است که باید شسته شود یا جزء باطن است، بایستی بشوید. عروة الوثقی، احکام وضو، مسأله ۳۲، توضیح المسائل، مسأله ۳۴۲-۵- کسی که پیش از شستن صورت دستهای خود را تا مچ شسته در موقع وضو باید تا سرانگشتها را بشوید و اگر فقط تا مچ را بشوید، وضوی او باطل است. توضیح المسائل، مسأله ۲۴۷-۶- در هنگام وضو لازم نیست که صورت و دستها قبل از وضو گرفتن خشک باشند، ولی باید آبی که برای وضو استفاده می شود بر آن تری غلبه پیدا کند، بلکه اگر تر باشند، وضو صحیح است و اما جای مسح سر بایستی خشک باشد، ولی رطوبت کم به حدی

که اگر کسی بعد از مسح دید بگوید این رطوبت از مسح است، اشکال ندارد. توضیح المسائل، مساله ۲۵۶-۷- وضو گرفتن در هنگام باریدن باران اشکال ندارد، به شرطی که آنچه روی صورت و دستهایش می ریزد، نیت کند که آنها هم آب وضو باشد و در وقت مسحها مواظب باشد آن آب کف دستهایش را نگیرد -البته همان مقداری که می خواهد مسح کندو جای مسحش هم تر نشده باشد. ۸- در مسح سر و روی پاها، باید دست را روی آن بکشد و اگر دست را نگهدارد و سر یا پا را به آن بکشد، وضو باطل است؛ ولی اگر موقعی که دست را می کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد. توضیح المسائل، مساله ۲۵۵-۹- اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی تواند دست را به آب خارج تر کند، بلکه باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید و اگر رطوبت کف دست فقط به اندازه مسح سر باشد، می تواند سر را با همان رطوبت مسح کند و برای مسح پاها از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد. توضیح المسائل، مساله ۲۵۸ تذکر: در حال اضطرار گرفتن آب از اعضای دیگر و وضو برای مسحها مسلماً اشکال ندارد، مانند گرمی هوا و تب شدید و باد شدید؛ اما در حال اختیار ولو بعضی اجازه نمی دهند، ولی حضرت امام می فرمایند جایز است، منتها در هر دو صورت به شرطی که آن آب از جایی باشد که از حد اعضای وضو خارج نباشد. عروۃ الوثقی، احکام وضو، مساله ۲۵-۱۰- کسی که در کارهای وضو و شرایط آن مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن خیلی شک می کند، باید به شک خود اعتنا نکند، وظن در اینجا هم حکم شک را دارد. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۳، مساله ۱، توضیح المسائل، مساله ۲۹۹

شرایط وضو

شرایط صحیح بودن وضو سیزده چیز است که ما از این سیزده شرط آنهایی را که نیاز به توضیح دارد در اینجا ذکر می نمایم:

شرط دوم آب وضو بایستی مطلق باشد به طور کلی مایعات بر دو دسته اند: یک دسته از آنها اصلاً اسم آب بر آنها اطلاق نمی شود مانند شیر، نفت، شیره، و... و دسته دیگر مایعاتی است که آب به آنها اطلاق می شود که این دسته خود به دو قسم تقسیم می شود: الف) قسمی که در نام گذاری بر آن فقط اطلاق ((آب)) تنها کافی نیست بلکه بایستی چیز دیگری هم به آن اضافه کرد؛ مانند آب هندوانه و گلاب که از چیزی گرفته شده اند و یا آب گل که با چیزی مخلوط شده است. ب) قسم دومش آن است که در نام گذاری فقط اطلاق نام آب بر آن کافی است، که اگر به چیزی هم نسبت داده شود طوری است که بدون آن هم اطلاق آب بر آن صادق است؛ مانند آب دریا، آب چاه و... حال می فرمایند شرط مایعی که انسان با او وضو می گیرد آن است که از قسم دوم (آب مطلق) باشد؛ یعنی آبی که نه از چیزی گرفته شده و نه با چیزی مخلوط شده باشد که عرفاً به او آب نگویند. التفتیح، ج ۲، ص ۱۱ توضیح المسائل، مساله ۱۵ معیار مضاف بودن آبی که با چیزی مخلوط شده معیار مضاف بودن آبی که با چیزی مخلوط شده، عرف است که اگر آبی را مضاف بدانند، مضاف است و اما اینکه بعضی می گویند: اگر در آب گل آلود کف دست دیده شود مضاف نیست و اگر دیده نشود مضاف است، معیار صحیحی نیست. یادآوری ۱- آبی که معلوم نیست مطلق است یا مضاف، اگر قبلاً مطلق بوده، حکم آب مطلق را دارد و اگر مضاف بوده، حکم آب مضاف را دارد و اما اگر حالت سابقش روشن نیست و غیر از این آب، آب دیگری هم ندارد، بایستی برای نماز با این آب وضو گرفته و تیمم هم بنماید. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۲ مساله ۳-۲- به مساله ۲۶۶ توضیح المسائل مراجعه شود. شرط سوم آب وضو و فضایی که در آن وضو می گیرد مباح باشد. درباره آب وضو غصبی نبودن را حضرت امام شرط می دانند، ولی درباره مباح بودن مکان وضو و یا فضایی که در او وضو گرفته می شود، ایشان احتیاط مستحب دارند ولو در تصرفش در غصب کار حرامی کرده است و اما درباره آب وضو، بایستی انسان اگر آب وضو مال کس دیگری است علم به رضایت او داشته باشد و در صورت شک نمی شود وضو گرفته و تصرفات دیگر نمود، الا در نهادهای بزرگ و قناتها که تا مادامی که صاحبانشان نهی نکرده اند، می شود وضو گرفته ولو در میان آنها صغیر و دیوانه

باشد. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۵۲، ۶۲ مساله ۷ و عروۃ الوثقی، فی شرائط الوضوء، مساله ۱۳ یادآوری: ۱- کلمه مباح در اینجا در مقابل غصبی بودن استعمال شده، یعنی غصبی نبودن، و گاهی هم مباح گفته می شود و از آن اراده عدم حکم وجوب یا حرمت یا استحباب یا کراهت می شود؛ مانند کلمه ((شیر)) در فارسی که استعمالاتش فرق می کند. ۲- مکان غصبی با فضای غصبی فرق دارند؛ زیرا گاهی ممکن است هم مکان و هم فضا غصبی باشد و گاهی ممکن است فقط فضا غصبی باشد. ۳- به توضیح المسائل مساله ۲۶۸ و ۲۷۰ مراجعه شود. شرط چهارم و پنجم ظرف آب وضو مباح باشد و همچنین از طلا و نقره نباشد. اگر آب دیگری جز همان آبی که در ظرف غصبی و یا طلا- و نقره است ندارد، وضو با آن آب باطل است، چون در اینجا مأمور به وضو نیست و چون وضویش امر ندارد، لذا چه ارتماسی وضو بگیرد و یا ترتیبی، به وسیله آن ظرف آب بریزد یا با مشت آب بردارد، وضو باطل است؛ چون در تمام صورت تصرف در ظرف غصبی است و در اینجا اصلاً امر به وضو مطلقاً ندارد؛ مگر اینکه آب را در ظرف دیگری بریزد که آن ظرف مانع شرعی نداشته باشد که در اینجا ولو در این تصرفش کار حرام انجام داده، ولی حالا که آب بدون مانع پیدا کرد، امر به وضو می آید و اما در صورت دوم که غیر از این آب، آب دیگر بدون مانع دارد، در آنجا امر به وضو ساقط نشده و لذا در این مورد اگر بخواهد در این ظرف غصبی وضوی ارتماسی بگیرد، وضویش باطل است، چون وضو در چنین ظرفی نهی شده است. اما اگر بخواهد به وسیله مشت آب بردارد، ولو در وقتی که آب را بر می دارد به خاطر تصرف در غضب معصیت کرده، ولی وضویش صحیح است؛ چون با آوردن آب به بیرون از ظرف مانع از آب برداشته می شود و نهی به وضویش نمی خورد.

تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۲ مساله ۸ یادآوری به مسائل ۲۴۷ و ۲۷۵ توضیح المسائل مراجعه شود. شرط ششم اعضای وضو موقع شستن و مسح کردن پاک باشد. قبل از وضو لازم نیست تمام اعضای بدن پاک باشد، بلکه می شود هر عضو را قبل از وضو دادن پاک کرد، ولی یک شستن هم به قصد ازاله نجاست و هم به قصد پاک کردن کفایت نمی کند و لو به فرو بردن در آب کر و جاری باشد، ولی اگر در هنگام فرو بردن قصد طهارت آن عضو را داشته باشد و در هنگام بیرون آوردن نیت وضو نماید کافی است -البته این نوع وضو وضوی ارتماسی است و اما نجس شدن عضوی بعد از وضو گرفتن آن اشکال ندارد، اگر چه وضو تمام نشده باشد. عروۃ الوثقی، فی شرائط الوضوء (الثانی). = یادآوری ۱- اگر یکی از اعضای وضو قبلاً نجس بوده بعد از وضو شک می کند که آیا آنجا را آب کشیده و وضو گرفته یا نه؟ در اینجا سه صورت دارد: یا می داند که در حال وضو گرفتن ملتفت نبوده و توجه نداشته که آنجا نجس است که در این صورت وضو باطل است یا می داند که در حال وضو توجه داشته و یا شک دارد که توجه داشته یا نه، که در این دو صورت وضو صحیح است، ولی در عین حال در تمام سه صورت آن عضو به حال نجاست خود باقی است و بایستی آن عضو را آب بکشد و به هر جای بدن یا لباس هم که یقین دارد از آن رطوبت نجس رسیده است، بایستی آنجا را هم آب بکشد. عروۃ الوثقی، فی شرائط الوضوء، مساله ۵۲ و توضیح المسائل، مساله ۲۷۸ ۲- به مساله ۲۷۹ توضیح المسائل مراجعه شود. شرط هفتم وقت برای وضو و نماز کافی باشد. آری، در صورتی وظیفه اش وضو گرفتن است که اگر وضو بگیرد تمام نماز در وقت خوانده می شود و اما اگر بخواهد وضو بگیرد و مقداری ولو کمتر از یک رکعت خارج وقت خوانده شود، وظیفه اش تیمم است، مگر آن که تیمم هم همین مقدار وقت (به مقدار وضو گرفتن) لازم داشته باشد و اما در همان صورت اول هم که وظیفه اش تیمم است، اگر وضو بگیرد، معصیت کرده، ولی وضویش صحیح است. عروۃ الوثقی، فی شرائط الوضوء ((الثامن)) و توضیح المسائل، مساله ۲۸۰ شرط هشتم در وضو نیت و در نیتش هم اخلاص داشته باشد؛ یعنی برای انجام دادن فرمان خداوند متعال و برای تقرب به او انجام دهد؛ البته در عروۃ الوثقی این را دو شرط حساب کرده اند؛ یکی نیت داشتن و دیگری خلوص. نیت چیست؟ نیت، در تمام اعمالی که نیاز به نیت دارد، توجه به دو چیز است: ۱- توجه به اینکه چه می کند؛ ۲- توجه به اینکه برای چه انجام می دهد. به طوری که اگر کسی از او سؤال کرد که چه می کنی و برای چه انجام می دهی متحیر نمانده و بتواند جواب دهد، بنابراین در نیت، تلفظ کردن و به زبان گفتن و یا در قلب خطور دادن آن لازم نیست و اما راجع به اخلاص (برای

چه کسی انجام می دهد) باید اعمال را فقط برای انجام فرمان خداوند متعال و تقرب به او انجام داد، نه برای ((ریا)) و خوشایند دیگران و الا باطل است؛ چه ریا در اصل عمل باشد، مثل اینکه از ترس پدر یا بخاطر اینکه نگویند نماز نمی خواند نماز بخواند، و چه ریا در کیفیت عمل باشد؛ مثل اینکه نماز را در اول وقت یا در مسجد یا در صف جلو یا پشت سر آقای فلان و یا با تحت الحنک و عبا و یا با خشوع و گریه و... بخواند و چه ریا در اجزای نماز باشد و لو اجزای مستحبی -مثالهایی که زده شده برای نماز بود و می شود برای وضو هم مشابه اینها را در نظر گرفت اما اگر هدفش از عمل و محرک او تقرب به پروردگار متعال است، ولی در ضمن می خواهد به دیگری هم تعلیم بدهد اشکالی ندارد و همچنین ریا بعد از عمل موجب بطلان عمل نمی شود -ولو ممکن است از ثواب عمل کم نماید و اما درباره اخلاص و مراحل آن به کتاب ((اسرار الصلوة)) حضرت امام و دیگران مراجعه شود. عروة الوثقی، فی شرائط الوضوء، مساله ۱۲، ۱۳ و مساله ۲۹ یادآوری وضو گرفتن زن در جایی که نامحرم او را می بیند، باطل نیست، اگر چه معصیت کرده است. عروة الوثقی، فی شرائط الوضوء، مساله ۳۰ شرط دهم در وضو موالات داشته باشد، یعنی کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد. معیار موالات داشتن یکی از دو چیز است: ۱- اعضای قبلی هنوز خشک نشده باشند؛ البته مراد اعضایی نیست که دارای مو هستند؛ مانند ریش، زیرا آنها چون خیلی دیرتر خشک می شوند معیار نیستند. ۲- پشت سر هم بودن عرفی. که هر کدام از این دو باشد کافی است. عروة الوثقی، فی شرائط الوضوء، مساله ۲۷ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۸ مساله ۱۵، ۱۷. شرط یازدهم شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها را در حال اختیار، خود انسان انجام دهد. آنچه در این فرض وضو را باطل می کند این است که در اصل شستن، یعنی رساندن آب به صورت یا دستها یا مسحها، اگر کسی دیگری را کمک کند، وضو باطل است؛ اما اگر در کمکهای دیگر که قبل از شستن و مسح کردن است، اگر کسی وضو گیرنده را کمک کند، وضو باطل نیست و اما کمکهای قبلی را آقایان سه دسته کرده اند: ۱- کمکهای دور، مانند آب آوردن برای وضو گیرنده و یا گرم کردن برای وضوی او، که مسلماً هیچ اشکالی ندارد. ۲- کمکهای نزدیک تر مانند آب ریختن در کف دست کسی که خود او آب را به صورت و دستهایش بریزد که در این صورت ولو کراهت دارد؛ یعنی ثواب وضو را کم می کند ولی باز هم وضو باطل نیست. ۳- کمکهای خیلی نزدیک مثل اینکه کسی آب را به صورت یا دستهای کسی بریزد، ولی خود او نیت وضو کرده و آب را به تمام عضو وضو برساند، که در این صورت هم می فرمایند وضوی او صحیح است. پس، وضو در جایی باطل است که در حال اختیار دیگری صورت یا دستهای او را شسته و یا سر و پاها را به وسیله دستهای خود یا دستهای وضو گیرنده مسح نماید و اما در حال اضطرار که خود نمی تواند صورت یا دستهای خود را شسته و یا مسح سر و پاها را بکشد، باید نایب بگیرد و لو به مزد دادن باشد - در حد توان و قدرت البته باید توجه داشت که هر مقدار از کارهای وضو را که خودش می تواند انجام دهد، نایبیتی نایب انجام دهد و اگر نشود با دستهای خودش مسح داد بایستی بنابر احتیاط واجب تیمم هم بنماید. عروة الوثقی، فی شرائط الوضوء، (التاسع) و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۷ و توضیح المسائل، مساله ۲۸۷-۲۸۵ شرط سیزدهم در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد. اگر در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب باشد، وضو باطل است و قبل از وضو اگر احتمال می دهد در اعضایش مانعی باشد باید آن قدر واریسی کند که اطمینان پیدا کند که چیزی نیست، البته در صورتی که احتمال او در نظر مردم به جا باشد؛ مثل اینکه بعد از گل کاری یا رنگ کاری یا خمیر کردن شک کند چیزی از آنها به دستش چسبیده یا نه و همچنین اگر چیزی به اعضای وضو چسبیده، ولی نمی داند آیا این مانع است یا نه، بایستی برطرف نماید. توضیح المسائل، مساله ۲۹۳، ۲۹۰، ۲۳۹. یادآوری ۱- اگر پیش از وضو بداند که در بعضی از اعضای وضویش مانعی از رسیدن آب هست -مانند انگشت و بعد از وضو شک کند که آیا در موقع وضو آب را به آنجا رسانده یا نه، سه صورت دارد: الف) یا می داند که در حال وضو گرفتن متوجه آن مانع نبوده، که در این صورت باید دوباره وضو بگیرد؛ ب) و یا می داند ملتفت بوده؛ ج) و یا شک دارد، که در این دو صورت وضویش صحیح است. توضیح المسائل، مساله ۲۹۵-۲ اگر بعد از وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است در اعضای وضو ببیند و نداند که موقع وضو بوده یا

بعد پیدا شده، در اینجا هم سه صورت دارد: الف) اگر می داند در حال وضو توجه نداشته که مانعی نباشد، وضو باطل است؛ ب) و اگر می داند ملتفت بوده، ج) یا شک دارد ملتفت بوده یا نه، در دو صورت فوق وضو صحیح است. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۷ مساله ۲۱، توضیح المسائل، مساله ۲۹۷ شرایط واقعی و شرایط توجهی از این سیزده شرطی که برای وضو گفته شده، بعضی از آنها شرایط ((واقعی)) و بعضی شرایط ((توجهی)) هستند و اما شرایط واقعی آن شرایطی است که حتماً بایستی وضو آنها را داشته باشد که وضو گیرنده چه عمداً و چه از روی جهل یا فراموشی آنها را به جا نیاورد، وضو باطل است و اما شرایط توجهی آنهایی هستند که وضو گیرنده اگر از روی جهل یا فراموشی به جا نیاورد، اشکال ندارد.

شرایط واقعی

۱- پاک بودن آب وضو (شرط اول)؛ توضیح المسائل، مساله ۲۶۵. ۲- مضاف نبودن آب وضو (شرط دوم)؛ توضیح المسائل، مساله ۲۶۵. ۳- پاک بودن اعضای وضو هنگام شستن و مسح کردن (شرط ششم)؛ توضیح المسائل، مساله ۲۷۸ عروۃ الوثقی، فی شرائط الوضوء، مساله ۴۵۲- نیت و خلوص در نیت داشتن (شرط هشتم)؛ عروۃ الوثقی، شرط سیزدهم، تحریر الوسیله ج ۱، ص ۲۹ مساله ۱۸- ترتیب (شرط نهم)؛ عروۃ الوثقی، فی شرائط الوضوء، الشرط العاشر. ۶- موالاة (شرط دهم)؛ عروۃ الوثقی، فی شرائط الوضوء، الشرط الحادی عشر. ۷- استعمال آب برایش مانعی نداشته باشد (شرط دوازدهم)؛ اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد ضرر داشته، احتیاط واجب آن است که تیمم کند و با آن وضو نماز نخواند و اگر با آن وضو نماز به جا آورده، دوباره آن را انجام دهد و اما کسی که می داند آب برایش ضرر ندارد، چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد که آب برای او ضرر داشته، وضو و غسل او صحیح است. توضیح المسائل، مساله ۲۸۸-۸ در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد (شرط سیزدهم). توضیح المسائل، مساله ۲۹۷

شرایط توجهی

۱- غصبی نبودن آب وضو و مکان وضو، که ولو خودش غصب کرده و فراموش کرده باشد، صحیح است. و حضرت امام درباره جهل در غصبی بودن می فرماید: چه جهل، جهل به حکم باشد - که نمی دانسته وضو با آب غصبی حرام است یا جهل به موضوع باشد، بدین معنا که حکم را می دانسته، ولی نمی دانسته این آب غصبی است و جاهل هم چه قاصر باشد چه مقصر، (شرط سوم)؛ عروۃ الوثقی، فی شرائط الوضوء؛ مساله ۴ و توضیح المسائل، مساله ۲۷۲- غصبی نبودن ظرف آب وضو (شرط چهارم)؛ عروۃ الوثقی، فی شرائط الوضوء، مساله ۲۰-۳ از طلا- و نقره نبودن ظرف آب (شرط پنجم)؛ ۴- کافی بودن وقت برای وضو و نماز که حتی حضرت امام می فرمایند: کسی که باید در تنگی وقت تیمم کند، اگر به جای تیمم، وضو بگیرد، صحیح است، چه برای آن نماز وضو بگیرد یا برای کار دیگر (شرط هفتم). توضیح المسائل، مساله ۲۸۱

بعضی از مستحبات وضو

۱- مسواک کردن ولو با انگشت باشد و بهتر مسواک کردن با چوب اراک است؛ ۲- شستن دستها تا بند دست؛ عروۃ الوثقی، فی شرائط الوضوء، مساله ۱۳- مضمضه کردن (آب در دهان گرداندن) و استنشاق نمودن (آب در بینی کردن) هر کدام سه مرتبه؛ ۴- برداشتن آب با دست راست، هر چند که برای شستن دست راست، بعد از برداشتن آب با دست راست آن را به داخل کف دست چپ می ریزد و دست راست را شستشو می دهد؛ ۵- ریختن آب وضو از بالای صورت و دستها؛ ۶- مردها آب شستن اول را در دستها از پشت دستها و آب شستن دوم را از داخل دستها بریزند، به خلاف زنها؛ ۷- دست کشیدن برای رساندن آب به اعضای

وضو، ولو بدون دست کشیدن هم آب برسد؛ ۸- خواندن سوره قدر در حال وضو؛ ۹- خواندن ((آیه الکرسی)) بعد از وضو؛ ۱۰- خواندن دعاها و وارد شده از ائمه -علیهم السلام در هنگام وضو، که در مساله ۲۶۴ توضیح المسائل بیان شده است. عروۃ الوثقی، مستحبات وضو.

بعضی از مکروهات وضو

۱- کمک گرفتن در وضو، البته در غیر شستن و مسح کردنها و غیر حال ضرورت، مثل آب ریختن دیگری در کف دست وضو گیرنده؛ ۲- وضو گرفتن در مکان استنجا؛ ۳- وضو گرفتن با آبی که به وسیله گرمای خورشید گرم شده باشد؛ و اما خشک کردن آب وضو را هم عده ای مکروه می دانند، ولی حضرت امام مکروه نمی داند. عروۃ الوثقی، مکروهات وضو.

وضوی جبیره

اشاره

در بحث وضوی جبیره این مباحث قابل بررسی است: ۱- جبیره چیست؟ ۲- موارد وضوی جبیره؛ ۳- دستور وضوی جبیره؛ ۴- مواردی که علاوه بر وضوی جبیره، تیمم هم لازم است؛ ۵- مواردی که فقط بایستی تیمم کرد؛ ۶- مواردی که باید وضو گرفته و بهتر است تیمم هم بکند؛ ۷- مواردی که باید تیمم کرده و بهتر است وضو هم بگیرد؛ ۸- تذکرات.

جبیره چیست؟

چیزی که با آن زخم و شکسته را می بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می گذارند ((جبیره)) نامیده می شود. توضیح المسائل، قبل از مساله ۳۲۴

موارد وضوی جبیره

۱- جایی که در یکی از اعضای وضو زخم باشد، چه زخمهایی که علت درونی دارند، مانند دملها (قروح) و چه زخمهایی که لت بیرونی دارند، مانند بریدگیها (جروح)؛ ۲- در صورتی که در یکی از اعضای وضو شکستگی باشد؛ ۳- کسی که به خاطر چشم درد روی چشم را بسته و رساندن آب هم به چشمش ضرر دارد. توضیح المسائل، مساله ۳۴۲-۴ در صورتی که آب برای بخشی از اعضای وضویش (غیر از سه علت گذشته) ضرر داشته باشد، مثل اینکه دستش از بند دست تا سرانگشتان رماتیسم دارد و پزشک گفته است که آب برای او ضرر دارد و اما اگر آب برای تمام یک عضو ضرر داشته باشد، وظیفه تیمم است؛ البته می شود صورت سوم را هم یکی از مصادیق قسم چهارم دانست. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۵۳، مساله ۵۷- در مواردی که به اعضای وضو یا غسل چیزی چسبیده باشد که برداشتن آن ممکن نبوده و یا به قدری مشقت دارد که نمی شود آن را تحمل کرد. توضیح المسائل، مساله ۳۳۸-۶ در جایی که در یکی از اعضای وضو نجاستی چسبیده باشد که جدا کردن و تطهیر آن امکان نداشته باشد (مانند مساله ۱۰۱ توضیح المسائل). عروۃ الوثقی، احکام جبائر، مساله ۲۳

دستور وضوی جبیره

قبل از بیان دستور وضوی جبیره یادآوری این نکته لازم است که در مواردی که وضو گرفتن برای شخص، ضرر نداشته

باشد، بایستی طبق معمول وضو بگیرد؛ ولو به برداشتن جبیره باشد. و یا اگر امکان برداشتن نیست، ولی به فرو بردن در آب می توان آب را به پوست بدن رساند، بایستی این کار را بکند، البته به شرطی که عضو یا جبیره نجس نباشد. توضیح المسائل، مساله ۳۲۴، ۳۲۷ عروۃ الوثقی، احکام جبائر. و اما در مواردی که وظیفه گرفتن وضوی جبیره است، دستور وضوی جبیره این است که جبیره یا در محل شستن است و یا در محل مسح کردن که احکام هر کدام ذیلا بیان می گردد. اگر جبیره در محل شستن باشد اگر جبیره در محل شستن باشد، بایستی اعضا و اجزای قبل از آن را شسته تا به جایی که وظیفه او جبیره گرفتن است برسد که در اینجا دو صورت دارد: ۱- روی زخم یا دمل یا شکستگی، باز است: که در این صورت که آب ریختن روی او ضرر دارد، اگر دست تر کشیدن ضرر ندارد، بهتر است روی زخم یا دمل یا شکستگی را اگر پاک است با دست تر کشیده و بعد پارچه یا پلاستیک پاکی روی آن گذاشته و دوباره با دست تر روی پارچه و پلاستیک را مسح نماید و اما اگر روی زخم یا دمل باز است و گذاشتن پارچه چه ممکن نیست، در این صورت شستن اطراف زخم کافی است. توضیح المسائل، مساله ۳۲۵ ۲- روی زخم یا دمل یا شکستگی بسته است: در اینجا دو صورت دارد یا می توان آن را باز کرده و روی آن را با دست تر کشید و یا نمی توان؛ اگر باز کردن و دست تر کشیدن امکان دارد بایستی باز کرده و بنابر احتیاط واجب با دست تر روی آن کشیده و بعد دوباره روی جبیره را با دست تر بکشد. و اما اگر روی آن باز نمی شود، بایستی روی همان جبیره را با دست تر بکشد، به شرطی که روی جبیره نجس نباشد و الا بایستی روی آن به طوری که جزء جبیره حساب شود، پارچه یا پلاستیک پاکی گذاشته و روی آن را با دست تر کشیده شود. توضیح المسائل، مساله ۳۲۸، ۳۲۹

اگر جبیره در محل مسح باشد

اگر جبیره در محل مسح باشد، یا به اندازه واجب مسح جای بدون جبیره هست یا نیست، اگر به اندازه واجب مسح جا برای مسح داشته باشد، بایستی همان جا را مسح نماید و اما اگر جبیره تمام جاهای مسح را گرفته باشد، یا باز کردن آن امکان دارد یا ندارد، اگر امکان دارد بایستی آن را باز کرده و به طور معمول مسح بکشد و اگر امکان نداشته باشد، بایستی روی همان جبیره را مسح نماید؛ البته باید توجه داشت که هر مقدار از جای مسح بدون جبیره باشد و امکان کشیدن دست هم بر روی آن باشد، نباید از جبیره استفاده کرد، و همچنین اگر روی زخم یا دمل یا شکستگی باز باشد و کشیدن دست تر به عنوان مسح هم امکان نداشته باشد، بایستی پارچه یا پلاستیکی روی آن گذارده و روی آن را مسح نماید و اگر گذاشتن پارچه امکان نداشته باشد، باید به جای وضو، تیمم کند و بهتر است یک وضوی بدون مسح هم بگیرد. عروۃ الوثقی، احکام جبائر، مساله ۴، توضیح المسائل، مساله ۳۲۷

مواردی که هم باید وضوی جبیره گرفته و هم باید تیمم نماید

(۱) اگر زخم یا شکستگی یا دمل در جلوی سر یا روی پاها باشد و روی آن باز باشد، چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده است، مسح کند و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بکند. توضیح المسائل، مساله ۳۲۶ ۲) در صورتی که آب برای زخم ضرر دارد یا رساندن آب ممکن نیست و یا زخم نجس است و نمی شود آن را آب کشید و گذاشتن پارچه و دست تر کشیدن هم امکان ندارد، احتیاط واجب آن است که وضو گرفته و تیمم هم بکند. توضیح المسائل، مساله ۳۲۹ ۳) اگر جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دستها یا تمام هر دو دست را گرفته باشد، باید وضوی جبیره ای بگیرد و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بکند. توضیح المسائل، مساله ۳۳۰ ۴) اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نباشد باید به دستور جبیره عمل کرده و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بکند. توضیح المسائل، مساله ۳۳۵ ۵) در صورتی که در جای وضو زخم و شکستگی نیست، ولی به جهت دیگری آب برای مقداری از دست و یا صورت ضرر دارد، در این

صورت علاوه بر وضوی جبیره بایستی بنابر احتیاط واجب تیمم هم بکند. توضیح المسائل، مساله ۳۳۶ (۶) اگر کسی برای مرضی که در چشم اوست موی چشم خود را بچسباند، باید وضو و غسل را جبیره ای انجام دهد و احتیاط آن است که تیمم هم بنماید (در تحریرالوسیله ج ۱، ص ۳۵ مساله ۸ حضرت امام این احتیاط را صریحا احتیاط واجب بیان فرموده اند). توضیح المسائل، مساله ۳۴۲ (۷) کسی که نمی داند وظیفه اش تیمم است یا وضوی جبیره، بنابر احتیاط واجب باید هر دو را به جا آورد. توضیح المسائل، مساله ۳۴۳ (۸) خونی که به واسطه کوبیده شدن زیر ناخن یا زیر پوست می میرد، اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند، پاک است و اگر به آن خون بگویند در صورتی که ناخن یا پوست سوراخ شود، اگر مشقت ندارد باید برای وضو یا غسل خون را بیرون آورند و اگر مشقت دارد باید اطراف آن را به طوری که نجاست زیاد نشود، بشویند و پارچه یا چیزی مثل پارچه بر آن بگذارند و روی پارچه دست تر بکشند و تیمم هم بکنند. توضیح المسائل، مساله ۱۰۱. ۹) هر گاه در اطراف جراحت زیاده از قدر متعارف را هم به خاطر ضرر رساندن آب به آن نتوان شست، بایستی بنابر احتیاط واجب مقدار ممکن را شسته و بعد روی جبیره را مسح نموده و تیمم هم بکند. عروۃ الوثقی، احکام جبائر، مساله ۸. ۱۰) جبیره ای که روی زخم گذاشته می شود اگر با خون به طوری مخلوط شود که مانند یک شیء واحد شوند که برداشتن آن موجب جراحت پیدا کردن محل و جریان خون بشود، در اینجا صاحب عروه می فرماید دو صورت دارد: یا خون استحاله شده و دیگر به آن خون گفته نمی شود جکه حضرت امام می فرمایند این حرف مجرد فرضی بیش نیست و همچنین دوايي که نجس شده آن هم بخواهد استحاله شده باشد، این هم فرض دوم است ج یا استحاله نشده و به همان حالت خودش باقی است. درباره صورت اول می فرمایند: بایستی وضوی جبیره بگیرد و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بنماید و بهتر است در هنگام وضو پارچه پاکی روی زخم نهاده و روی آن را هم مسح نماید و اما اگر استحاله نشده باشد، بایستی به دستور وضوی جبیره عمل نموده و پارچه ای روی آن انداخته و روی آن را مسح نماید. عروۃ الوثقی، احکام جبائر، مساله ۲۰

مواردی که فقط بایستی تیمم کرد

۱) اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد، باید تیمم نمود؛ ولی در عروۃ الوثقی می فرمایند: اگر بیشتر اعضای وضو را هم گرفته باشد، باز هم بایستی تیمم نماید، مثل اینکه جبیره تمام صورت و دستهای او را گرفته و فقط سر و پاهای او سالم باشد. عروۃ الوثقی، احکام جبائر، مساله ۲۲) هر گاه یکی از اعضای وضو نجس باشد و امکان تطهیر آن هم نباشد، در اینجا حکم جبیره بر او صادق نیست و فقط بایستی تیمم نماید (البته باید توجه داشت این غیر از جایی است که عین نجاست چسبیده و کندن آن امکان ندارد که در مواردی که باید وضوی جبیره گرفت، حکم آن را بیان کردیم). عروۃ الوثقی، احکام جبائر، مساله ۲۳ (۳) اگر زخم یا شکستگی در غیر مواضع وضو باشد، ولی استعمال آب برای آن ضرر داشته باشد، بایستی تیمم نماید. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۵ مساله ۴۷) اگر به خاطر چشم درد و ضرر داشتن آب برای او حتی شستن اطراف چشم هم امکان نداشته باشد، بایستی فقط تیمم نماید. تحریرالوسیله، ج ۱ ص ۳۵ مساله ۸۸

مواردی که باید وضو گرفته و بهتر است تیمم هم بکند

۱) اگر به صورت و دستها چیزی مانند قیر چسبیده که کندن آن ممکن نیست، مسح کردن روی آن کافی است و بهتر است تیمم هم بنماید. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۵۳ مساله ۹

مواردی که باید تیمم کرده و بهتر است وضو هم بگیرد

اشاره

۱) اگر زخم یا دمل یا شکستگی در جلو سر یا روی پاها باشد و روی آن باز باشد و گذاشتن پارچه برای مسح کردن روی آن هم امکان نداشته باشد، باید به جای وضو تیمم کرده و بهتر است یک وضوی بدون مسح هم بگیرد. توضیح المسائل، مساله ۳۲۶ (۲) اگر در جای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست، ولی به جهت دیگری آب برای تمام دست و صورت ضرر دارد، باید تیمم کند و احتیاط مستحب آن است که وضوی جبیره هم بگیرد. توضیح المسائل، مساله ۳۳۶

تذکرات مربوط به وضوی جبیره

۱- کسی که وظیفه او تیمم است، اگر در بعضی از اعضای تیمم او زخم یا دمل یا شکستگی باشد، باید به دستور وضوی جبیره تیمم جیره ای نماید و همچنین اگر چیزی چسبیده است که امکان برداشتنش نیست. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۶ مساله ۱۲ و توضیح المسائل، مساله ۳۴۰-۲ در جبیره فرقی بین وضوهای واجب و مستحب نیست. عروۃ الوثقی، احکام جبائر، مساله ۳۲۷-۳ به مسائل ۳۳۲ تا ۳۳۴ ۳۳۹ ۴۳۱ ۴۳۴، توضیح المسائل مراجعه شود. چیزهایی که برای آنها باید وضو گرفت برای شش چیز وضو گرفتن واجب است: اول: برای نمازهای واجب غیر از نماز میت. یادآوری ۱- اگر پیش از وقت نماز به قصد اینکه با طهارت باشد وضو بگیرد و یا غسل کند صحیح است. توضیح المسائل، مساله ۳۲۰-۲ س: اگر قبل از وقت نماز برای آن وضو بگیرد، وضوی او صحیح است یا خیر؟ و در صورتی که صحیح باشد، آیا بین اینکه وقت نماز نزدیک باشد یا نه، فرقی هست یا خیر؟ ج: وضویش صحیح است و وضو قبل از وقت و بعد از وقت مستحب است. توضیح المسائل، مساله ۳۲۱ دوم: برای قضای سجده و تشهد فراموش شده، اگر بین آنها و نماز حدثی از او سرزده باشد؛ مثلاً بول کرده باشد. توضیح الف (حدث به چیزی گفته می شود که اگر برای انسان پیش آید برای نمازش بایستی وضو گرفته و یا غسل نماید، که اگر حدث اصغر باشد برای نماز وضو می گیرد و اگر حدث اکبر باشد بایستی برای نمازش غسل کند؛ حدث اصغر آن است که سبب می شود انسان برای نمازش وضو بگیرد؛ مانند بول کردن و... و حدث اکبر آن است که موجب غسل می گردد؛ مانند جنابت و... ب) اگر انسان سجده و یا تشهد را در نماز فراموش کند، دو صورت دارد: یا شک دارد که به جا آورده یا نه و یاقین دارد که انجام نداده است، اگر صورت شک باشد یا در محل است یا از محل گذشته، اگر شک کند و در محل باشد، بایستی به جا آورد و اما اگر شک کند و از محل آن گذشته باشد به شک خود اعتنایی نمی کند و اما اگر یقین داشته باشد که به جا نیاورده، چه در محل باشد و چه از محل گذشته باشد، بایستی برگردد و انجام دهد؛ مگر اینکه وارد رکن بعدی شده باشد؛ مثل اینکه وارد رکوع رکعت بعد شده باشد، که اگر وارد رکوع شده و یا بعد از آن یقین پیدا کند، در اینجا حق برگشتن ندارد و باید بعد از سلام نماز آن سجده یا تشهد را قضا نموده و بعد از آن هم دو سجده سهو بنماید. از مواردی که وضو گرفتن واجب است، جایی است که سجده و یا تشهد را فراموش کرده و بعد از نماز هم از قضا کردن آن غفلت کرده و سپس وضوی او باطل شده و حدثی هم که وضوی او را باطل کرده حدث اصغر بوده که در این صورت وقتی یادش آمد، بایستی وضو گرفته و رو به قبله نشسته و یک سجده یا تشهد را قضا نموده و بعد از آن دو سجده سهو هم به جا آورد. سوم: برای طواف واجب خانه کعبه؛ چهارم: اگر نذر کرده یا عهد کرده یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد؛ پنجم: اگر نذر کرده باشد که جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند؛ ششم: برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از مستراح و مانند آن در صورتی که مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند، ولی اگر معطل شدن به مقدار وضو بی احترامی به قرآن باشد، باید بدون اینکه وضو بگیرد، قرآن را از مستراح و مانند آن بیرون آورد، یا اگر نجس شده آن را آب بکشد و تا ممکن است از زدن دست به خط قرآن خودداری کند و اما اگر ورق قرآن یا چیزی که احترام آن لازم است، مثل کاغذی که اسم خدا یا پیغمبر یا امام بر آن نوشته شده و یاربت حضرت سیدالشهدا علیه السلام در مستراح افتاده و بیرون

آوردن آن - حتی با خرج کردن مبلغی امکان نداشته باشد، باید به آن مستراح نروند تا یقین کنند که آنها به کلی از بین رفته اند.

=یادآوری (۱) رساندن جایی از بدن، بدون طهارت (وضو، غسل یا تیمم) به خط قرآن یا اسم خداوند متعال، به هر زبانی نوشته شده باشد، حرام است و همچنین مس نام مبارک پیامبر و امام و حضرت زهرا -علیهم السلام اگر هتک و بی احترامی باشد، حرام است. توضیح المسائل، مساله ۳۱۷، ۳۱۹ (۲) در مورد آنچه که در یادآوری اول گفتیم فرقی نیست که آنچه مس می شود جاز اسامی مقدس ج در قرآن باشد یا در جای دیگر مانند بدن، روزنامه، الله جبه صورت ج طلا، و یا آرم جمهوری اسلامی و.... عروۃ الوثقی، فی غایات الوضوء، مساله ۸.۳) در کلماتی که بین قرآن و چیزهای دیگر مشترکند، ملاک قصد نویسنده است. عروۃ الوثقی، فی غایات الوضوء، مساله ۹۴) اگر روی چیزی که مس آن بدون طهارت حرام است، شیشه یا پلاستیک بکشند، مس آن اشکال ندارد. عروۃ الوثقی، فی غایات الوضوء، مساله ۱۲۵) مس غیر از خطوط قرآن، مانند حاشیه و جلد آن برای کسی که طهارت (وضو، غسل یا تیمم) ندارد، حرام نیست، اگر چه کراهت دارد و نه تنها مس حاشیه کراهت دارد، بلکه همراه داشتن آن هم بدون طهارت مکروه است و همچنین مس ترجمه قرآن به هر زبانی باشد، اشکالی ندارد به شرطی که اسمی از اسامی خداوند در آن نباشد؛ چون مس اسم خداوند متعال به هر زبانی که باشد، بدون طهارت حرام است. عروۃ الوثقی، فی غایات الوضوء، مساله ۱۶، ۱۷ (۶) جلوگیری بچه و دیوانه از مس خط قرآن واجب نیست، ولی اگر مس نمودن آنان بی احترامی به قرآن باشد، باید از کار آنان جلوگیری کنند. توضیح المسائل، مساله ۳۱۸ (۷) به مسائل ۳۰۱ ۳۰۳ ۳۰۴ ۳۰۵ توضیح المسائل مراجعه شود. ۸) اگر یقین دارد که شروع به وضو گرفتن کرده است، ولی نمی داند که آیا آن را تمام کرده است یا نه، بایستی دوباره وضو بگیرد. عروۃ الوثقی، فی شرائط الوضوء مساله ۴۹ بعضی از وضوهای مستحبی ۱- برای نماز میت؛ ۲- برای زیارت اهل قبور؛ ۳- برای رفتن به مسجد؛ ۴- برای رفتن به حرم امامان -علیهم السلام؛ ۵- برای همراه داشتن قرآن؛ ۶- برای خواندن و نوشتن قرآن؛ ۷- برای مس حاشیه قرآن؛ ۸- برای خوابیدن؛ ۹- برای دعا و طلب حاجت از خداوند متعال؛ ۱۰- برای سجده شکر. ۱۱- شب عروسی برای عروس و داماد؛ ۱۲- برای آمیزش شوهر با زن در حال حاملگی؛ ۱۳- برای زن حائض مستحب است در اوقات نماز وضو گرفته و در جایگاهش به اندازه نماز خواندن بنشیند و مشغول ذکر و دعا و قرآن شود؛ ۱۴- برای کسی که وضو دارد، مستحب است دوباره وضو بگیرد؛ ۱۵- برای شخص جنب اگر می خواهد چیزی بخورد. عروۃ الوثقی، فی وضوئات المستحبۃ، مساله ۲ و توضیح المسائل، مساله ۳۲۳ چیزهایی که وضو را باطل می کند هفت چیز وضو را باطل می کند: اول: بول ولو قطره ای باشد، الا کسی که بول او قطره قطره بی اختیار از او بیرون می آید (مسلوس) که حکم آن از مساله ۳۰۶ توضیح المسائل به بعد بیان شده است. یادآوری ۱- آبی که گاهی بعد از ملاعبه و بازی کردن از انسان خارج می شود و به آن ((مذی)) می گویند، پاک است و نیز آبی که گاهی بعد از منی بیرون می آید و به آن ((وذی)) می گویند و آبی که بعد از بول بیرون می آید و به آن ((ودی)) گفته می شود اگر بول به آن نرسیده باشد، پاک است و چنان که انسان بعد از بول استبرا کند و بعد آبی از او خارج شود و شک کند که بول است یا یکی از اینها، پاک می باشد و هیچ کدام از این آبها وضو را هم باطل نمی کند. عروۃ الوثقی، فی نواقض الوضوء، مساله ۳ و توضیح المسائل، مساله ۷۳-۲ اگر شک کند استبرا کرده یا نه و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاک است یا نه، نجس می باشد و چنانچه وضو گرفته باشد، باطل می شود و اگر شک کند که استبرایی که کرده، درست بوده یا نه و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاک است یا نه، پاک می باشد و وضو را هم باطل نمی کند. توضیح المسائل، مساله ۷۴-۳ کسی که استبرا نکرده اگر به واسطه آنکه مدتی از بول کردن او گذشته، یقین کند بول در مجرای ادرار نمانده است و رطوبتی ببیند و شک کند پاک است یا نه، آن رطوبت پاک می باشد و وضو را هم باطل نمی کند. توضیح المسائل، مساله ۷۵-۴ برای زن استبرای از بول جمطرح ج نیست و اگر رطوبتی ببیند و شک کند که پاک است یا نه، پاک می باشد و وضو و غسل او را هم باطل نمی کند. توضیح المسائل، مساله ۷۷ دوم: غائط ولو ذره ای باشد، الا کسی که غائط او مرتب و بی اختیار از او بیرون می آید (مبطون) که

احکام آن در مساله ۳۰۸ توضیح المسائل و بعد از آن بیان شده است. سوم: باد معده و روده که از مخرج غائط خارج می شود، مگر کسی که به خاطر مرضی که دارد باد معده بی اختیار از او خارج می شود. توضیح المسائل، مساله ۳۱۷ چهارم: خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود، اما اگر چشم نبیند، ولی گوش بشنود، وضو باطل نمی شود؛ پنجم: چیزهایی که عقل را از بین می برد، مانند: دیوانگی و مستی و بیهوشی؛ ششم: استحاضه زنان؛ هفتم: کاری که برای آن بایستی غسل کرد، مانند: جنابت و مس میت. عروۃ الوثقی، فی غسل مس المیت، مساله ۱۴ و توضیح المسائل، مساله ۳۲۳ = یادآوری ۱- اگر شک کند که وضوی او باطل شده یا نه، بنا می گذارد که وضوی او باقی است، مگر آنکه سبب شکش خارج شدن رطوبتی باشد که نمی داند بول است یا غیر بول و استبرا هم نکرده باشد. عروۃ الوثقی، فی شرائط الوضوء، مساله ۳۷ و توضیح المسائل، مساله ۳۰۰-۲- به مساله ۳۰۲ توضیح المسائل مراجعه شود. غسل غسلهای واجب غسلهای واجب هفت تاست: ۱- غسل جنابت؛ ۲- غسل میت؛ ۳- غسل مس میت؛ ۴- غسل نذر و عهد و قسم؛ ۵- غسل حیض؛ ۶- غسل نفاس؛ ۷- غسل استحاضه. توضیح المسائل، بعد از مساله ۳۴۴ یادآوری تمام این هفت غسل بر زنها با توجه به شرایطش واجب می گردد؛ ولی بر مردها فقط چهار غسل اول واجب می شود؛ بنابراین در چهار غسل اول زنها و مردها شریکند؛ ولی سه غسل آخر مخصوص زنهاست که ما به شرح سه غسل اول می پردازیم؛ اما سه غسل آخر (حیض، نفاس و استحاضه) را در جزوه جداگانه ای مطرح خواهیم کرد. غسل جنابت علل جنابت به یکی از دو چیز انسان جنب می شود: ۱- جماع (آمیزش) که اگر انسان جماع کند و به اندازه ختنه گاه و یا بیشتر داخل شود، در زن باشد یا در مرد، در قبل (جلو) باشد یا در دبر (عقب)، بالغ باشند یا نابالغ، اگر چه منی بیرون نیاید، هر دو جنب می شوند و همچنین اگر کسی -نعوذ بالله حیوانی را وطی کند، جنب می شود و در هر صورت اگر شک کند که به مقدار ختنه گاه داخل شده یا نه، غسل بر او واجب نیست. توضیح المسائل، مساله ۳۴۵ ۳۴۹ ۳۵۰ ۳۵۱. ۲- بیرون آمدن منی چه در خواب باشد (احتلام)، یا بیداری، کم باشد یا زیاد، با شهوت باشد یا بی شهوت، با اختیار باشد یا بی اختیار، البته اینها در صورتی است که یقین دارد آبی که خارج شده منی باشد و اما رطوبت یا آبی که از انسان بیرون می آید، ولی نمی داند منی است یا رطوبت دیگر، اگر این شخص مرد و سالم است بایستی آن آبی که بیرون آمده دارای سه علامت باشد که حکم به منی بودن آن بشود (البته در صورت شک). الف) با شهوت بیرون آمده باشد؛ ب) هنگام بیرون آمدن جهندگی داشته باشد؛ ج) بعد از بیرون آمدن، بدن سست شده باشد. اما اگر شخص، مردی مریض و یا زن باشد، همین مقدار که آن آب با شهوت بیرون آمده باشد، در جنابت او کافی است و بودن آن دو علامت دیگر لازم نیست، اگر چه شایسته است که زن و مریض -به خصوص زن علاوه بر غسل، وضو هم بگیرد (اگر قبلا وضو نداشته) و بلکه به طور کلی اگر سه علامت جمع نبود، بهتر است علاوه بر غسل، وضو هم گرفته شود، اگر قبلا وضو نداشته است و وظیفه اش هم وضو گرفتن بوده است، منتها در مواردی که گفته شد علاوه بر غسل، بهتر است وضو هم بگیرد. خوب است که اول طهارت غسلی خودش را از بین ببرد، بعد وضو بگیرد؛ چون خواهیم گفت که با غسل جنابت نباید وضو گرفت. عروۃ الوثقی، فی غسل الجنابه، مساله ۱۱ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷ توضیح المسائل، مساله ۳۴۵ و ۳۴۶ یادآوری ۱- اگر منی از جای خود حرکت کند و بیرون نیاید یا انسان شک کند که منی از او بیرون آمده یا نه، غسل بر او واجب نیست. توضیح المسائل، مساله ۳۵۲-۲- مستحب است که انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند (استبرا به بول) و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون بیاید که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی را دارد؛ ولی باید توجه داشت که استبرا به خراطات نمی تواند جایگزین استبراه بول شود؛ بنابراین اگر بعد از خروج منی بجای استبرای به بول استبرای به خراطات نماید، رطوبت بعدی، اگر مشکوک بین بول و منی باشد، محکوم به منی بودن است و برای توضیح استبرای از بول و یا استبرای به خراطات، به توضیح المسائل، مساله ۷۲ مراجعه شود. عروۃ الوثقی، مستحبات غسل جنابت، مساله ۷ و توضیح المسائل، مساله ۳۴۸ گاهی استبرای به بول بنابر احتیاط واجب قبل از غسل لازم می شود و آن در صورتی است که در روز ماه مبارک رمضان محتمل شده و می داند منی در مجرا مانده

که اگر قبل از غسل، استبرا نکند بعد از غسل بیرون می آید و اگر استبرا نکند استبرای بعد از غسل جایز نیست. توضیح المسائل، مساله ۱۵۹۳ حکم رطوبتهای مشکوک رطوبتهای مشکوکی که از انسان خارج می شود، دو قسمند: قسم اول: رطوبتهایی که مشکوک بین مذی و بول و منی است و یا بین مذی و بول، و یا مذی و منی است که شخص نمی داند این رطوبت پاک است یا نه، که در این صورت این رطوبت غسل ندارد و پاک هم هست -البته در صورتی که استبرا کرده و طهارت گرفته باشد و اگر قبلاً وضو نداشته، فقط برای نمازش وضو می گیرد، زن باشد یا مرد، الا در صورتی که این رطوبت بعد از خروج منی و قبل از استبرای به بول باشد که محکوم به منی است و لو احتمال رطوبتهای پاک را هم بدهد. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴ مساله ۱۶ عروۃ الوثقی، مستحبات غسل جنابت، مساله ۳. قسم دوم: رطوبتهای مردد بین بول و منی که می داند این رطوبت یا بول است یا منی و خلاصه به نجس بودن آن یقین دارد، ولی نمی داند کدام یک است، که حکم این قسم و صورتهای مختلف آن را در صفحه بعد ملاحظه می فرمایید. یادآوری ۱- اگر در لباس خود منی ببیند و بداند از خود اوست و برای آن غسل نکرده، باید غسل کند و نمازهایی را که یقین دارد بعد از بیرون آمدن منی خوانده، قضا کند، ولی نمازهایی را که احتمال می دهد بعد از بیرون آمدن آن منی خوانده لازم نیست قضا نماید و اما اگر بداند منی از خود اوست، ولی نمی داند از جنابت سابق است و یا تازه جنب شده در این صورت غسل لازم نیست، اگر چه خوب است که احتیاطاً غسل کند. توضیح المسائل، مساله ۴۴۵ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۷۳ مساله ۲.۲- در صورتی بیرون آمدن منی سبب جنابت می شود که منی از خود شخص باشد، اما اگر منی مرد از زن خارج شود، غسل بر او واجب نیست، مگر در صورتی که یقین داشته باشد که منی خودش هم با آن مخلوط شده است. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۳ مساله، ((احدیها)). ۳- زن هم مانند مرد در خواب جنب (محتلم) می شود، اگر در خواب منی از او بیرون آمده باشد، غسل بر او واجب است. عروۃ الوثقی، احکام غسل جنابت، مساله ۶ چیزهایی که بر جنب حرام است

پنج چیز بر جنب حرام است

- ۱- رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خداوند متعال و پیامبران و امامان -علیهم السلام به طوری که در وضو گفته شد.
- ۲- رفتن به مسجدالحرام و مسجد پیامبر -صلی الله علیه وآله وسلم اگر چه از یک در داخل و از دیگر خارج شود. ۳- توقف در مساجد دیگر -چه مسجدش آباد و چه خراب باشد و چه کسی در آن نماز بخواند یا نخواند ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود، مانعی ندارد و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان -علیهم السلام هم توقف نکند و بهتر است که حرم ائمه -علیهم السلام در این حکم به مسجدالحرام و مسجد پیامبر -صلی الله علیه وآله وسلم ملحق شود و بهتر است که رواقهای آنان هم به حرم مطهر ملحق شود. ۴- گذاشتن چیزی در مسجد، چه داخل شود به قصد گذاشتن آن و چه در حال رفتن چیزی را بگذارد و یا از بیرون مسجد چیزی را داخل آن بگذارد. ۵- خواندن سوره هایی که سجده واجب دارند، حتی اگر یک حرف از آنها را هم بخواند، حرام است، و آن چهار سوره است: ۱- سوره ۳۲ (الم تنزیل)؛ ۲- سوره ۴۱ (حم سجده)؛ ۳- سوره ۵۳ (والنجم)؛ ۴- سوره ۹۶ (اقرا). عروۃ الوثقی، مایحرم علی الجنب، و مساله ۲ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۸ توضیح المسائل، مساله ۳۵۵ یادآوری ۱- کسی که در خانه اش جایی را به عنوان مسجد و نمازخانه اختصاص داده، این حکم را ندارد. عروۃ الوثقی، ما یحرم علی الجنب، مساله ۲۳- داخل شدن با حال جنابت به صحن، ایوان، مناره و خانه های اطراف صحن مسجد -اگر انسان یقین دارد که زمینش را وقف مسجد کرده اند همان حکم سابق را دارد و اما اگر شک دارد که آیا جزء مسجد است و یا اینکه زمینش را برای ایوان یا صحن مسجد داده اند، نه برای مسجد، در این صورت حکم مسجد را ندارد؛ ولی بهتر است که انسان در مورد تمام جاهایش حکم مسجد را به آن جاری کند تا اینکه یقین کند که آنجا را برای مسجد بودن وقف نکرده اند. عروۃ الوثقی، مایحرم علی الجنب، مساله ۳۴- اگر شخص جنب یا زن حائض بخواهد دعای کمیل بخواند باید جمله افمن کان مؤمناً کمین

کان فاسقا لایستون را نخواند؛ چون این جمله جزئی از سوره ((الم سجده)) است و این سوره یکی از سوره هایی است که سجده واجب دارد. عروۃ الوثقی، مایحرم علی الجنب، مساله ۴۵- رفتن شخص جنب در حرم امام زاده ها مانعی ندارد، ولی اولی و بهتر است که در حرم امام زاده های مشهور مثل حضرت معصومه علیها السلام با حال جنابت نرود. مجمع المسائل، ج ۱، سؤال ۲۰۴

چیزهایی که بر جنب مکروه است

۱- خوردن و آشامیدن، ولی اگر وضو بگیرد مکروه نیست، و اما در صورت شستن دست یا مضمضه و یا استنشاق کردن، حضرت امام می فرمایند: کراهت برداشته نمی شود، هر چند تخفیف داده می شود، ولی بعضی می فرمایند: کراهت برداشته می شود. ۲- خواندن بیش از هفت آیه از سوره هایی که سجده واجب ندارد و از هفتاد آیه بیشتر، کراهتش بیشتر می شود (یعنی ثوابش کم می شود). ۳- رساندن جایی از بدن به جلد و حاشیه و بین خطهای قرآن؛ ۴- همراه داشتن قرآن؛ ۵- خضاب کردن به حنا و مانند آن؛ ۶- مالیدن روغن به بدن؛ ۷- خوابیدن؛ ولی اگر وضو بگیرد یا اگر آب ندارد به جای وضو یا غسل تیمم کند، مکروه نیست ۸- جماع کردن بعد از آنکه محتلم شده، یعنی در خواب منی از او بیرون آمده. عروۃ الوثقی، مایکره علی الجنب، و توضیح المسائل، مساله ۳۵۶ تکالیفی که صحت آنها منوط به غسل کردن از جنابت است ۱- نمازهای واجب - چه ادا و چه قضا و نمازهای مستحب و قضای اجزای فراموش شده و نماز احتیاط؛ ولی نماز میت و سجده شکر و سجده واجب در هنگام شنیدن آیه سجده بر غسل کردن از جنابت متوقف نیست. ۲- طواف واجب، و بلکه بعید نیست که طواف مستحب هم چنین باشد. ۳- روزه ماه مبارک رمضان و قضای آن، یعنی اگر با حالت جنابت صبح کند، عمدا باشد یا از روی فراموشی، روزه اش صحیح نیست و اما سایر روزه ها غیر از روزه ماه مبارک رمضان و قضای آن با صبح کردن در حال جنابت باطل نمی شود؛ ولی حضرت امام می فرمایند: بنابر احتیاط واجب در روزه های واجب - غیر از ماه مبارک رمضان و قضای آن عمدا با حالت جنابت وارد صبح نشوند. بلی جنابت عمدی در میان روزی که روزه است، همه نوع روزه را باطل می کند؛ حتی روزه های مستحبی را، ولی احتلام در روز (خروج منی در خواب) ضرری به روزه ندارد. عروۃ الوثقی، غسل الجنابة، بعد از مساله ۱۱ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۸ غسل میت اگر کسی بمیرد، بر بقیه لازم است که آن مرده را غسل بدهند؛ البته با دارا بودن چند شرط که ذیلا به آنها اشاره می شود. ۱- انسان مرده مسلمان باشد. عروۃ الوثقی، فی تغسیل المیت. ۲- اگر میت، بچه سقط شده است، باید چهار ماهش تمام شده باشد. بنابر این غسل بچه سقط شده ای که چهار ماهش تمام نشده، لازم نیست. عروۃ الوثقی، فی تغسیل المیت. ۳- شهید نباشد؛ البته شهیدی که در میدان جنگ زخمی شده و همان جا هم روحش به ملا اعلی پیوسته است. و اما بقیه شهدا ثواب شهید را دارند؛ ولی حکم شهید را ندارند. عروۃ الوثقی، فی حکم الشهید. ۴- کسی که کشتن او به خاطر رجم (سنگسار کردن) یا قصاص واجب نشده باشد، که در این صورت امام یا نایبش به او دستور می دهند که قبلا غسل نماید. عروۃ الوثقی، احکام غسل میت.

غسل مس میت

اگر بدن شخص زنده ای به بدن انسان مرده ای برخورد کند، با چند شرط بر او غسل مس میت لازم می شود، این شرایط عبارتند از: ۱- آن جسد، جسد شهید نباشد (شهیدی که غسل ندارد). عروۃ الوثقی، فی حکم الشهید، مساله ۱۱-۲- کسی که کشتن او به خاطر رجم یا قصاص واجب شده و قبلا خودش غسل کرده نباشد. عروۃ الوثقی، فی حکم الشهید، مساله ۱۱-۳- بچه سقط شده ای نباشد که هنوز چهار ماهش تمام نشده است. عروۃ الوثقی، فی غسل مس میت. ۴- بدن میت سرد شده باشد. عروۃ الوثقی، فی غسل مس میت. ۵- بدن میت را غسل نداده باشند؛ یعنی سه غسلش تمام نشده باشد. عروۃ الوثقی، فی غسل مس میت. ۶- موی خود را به بدن میت و همچنین بدن یا موی خود را به موی میت نرسانده باشد و الا غسل لازم ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب آن

است که غسل نمایند. ۷- اگر از انسان عضوی جدا شده، بایستی هم گوشت و هم استخوان با هم باشد، اگر قسمتی از بدن کسی از او جدا شود یا خود او مرده است یا زنده، اگر مرده باشد یا بدنش را غسل داده اند یا نداده اند، اگر مرده باشد و بدنش را غسل داده باشند، که مس آن عضو غسل ندارد، و اگر از مرده ای باشد که هنوز بدنش را غسل نداده اند، یا آن عضو از اعضایی است که اگر متصل هم بود و مسح می شد، غسل مس میت لازم نبود (مانند موها)، یا از اعضای دیگر است، اگر صورت اول باشد (موها) غسل لازم نیست و اگر صورت دوم باشد، غسل مس میت لازم است و اگر قسمت جدا شده، از انسانی باشد که خود زنده است، سه صورت دارد: یا گوشت تنهاست و یا استخوان تنها (مانند دندان) و یا گوشت و استخوان هر دو با هم است که در صورت سوم مس آن غسل دارد و اما دو صورت قبل غسل مس میت ندارد. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۳ مساله ۱ فلسفه غسل مس میت س: می گویند اگر کسی دست به بدن حیوان مرده ای بزند، فقط باید دستش را آب بکشد - اگر رطوبت در بین بوده و غسل لازم نیست؛ اما اگر کسی دستش را به بدن انسان مرده ای بزند، باید غسل کند و اگر رطوبتی در بین بوده، علاوه بر غسل، باید دستش را آب بکشد. آیا مرده انسان از مرده حیوانات هم نجس تر است؟ ج: در پاسخ این سؤال باید بگوییم که: اولاً: فلسفه واقعی احکام الهی برای ما در تمام موارد روشن نیست (برای روشن شدن این موضوع به بحث مقدمه احکام بحث فلسفه احکام مراجعه شود). ثانیاً: شاید یکی از حکمتهای آن این باشد که دین مقدس اسلام در قانون گذاری خود گاهی به مسائلی برخورد می کند که اگر یک مساله را بخواهد به طور کلی آزاد بگذارد، مفسده پیش می آید و اگر بخواهد به طور کلی منع کند، باز هم دچار مفاسدی می گردد در اینجا برای سلامت جامعه و صحیح اجرا شدن قانون این چنین برنامه ریزی می کند که روی آن چیز مالیات می بندد؛ به عنوان مثال در اوایل بعثت پیامبر اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم ثروتمندان عرب عادتشان بر این بود که می آمدند اطراف پیامبر اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم جمع می شدند و هر کس با پیامبر کاری داشت با حضرت در گوشی صحبت می کرد و حاضر نبودند، مسائلشان را علناً با پیامبر در میان بگذارند، آن وقت در گوش پیامبر هر داستانی را که می خواستند چون کسی نمی شنید تعریف می کردند که با این کار هم خود را مقرب پیامبر جلوه داده و هم وقت پیامبر را می گرفتند و هم فقرا اندوهگین می شدند. خوب در اینجا اسلام چه بکند؟ اگر در گوشی صحبت کردن با پیامبر را مطلقاً آزاد بگذارد، دارای چنین مفاسدی است و اگر مطلقاً منع کند، باز هم صحیح نیست؛ زیرا گاهی بعضی از مسائل است که نمی شود در جمع مطرح گردد و باید به صورت در گوشی با پیامبر در میان گذاشته شود؛ در اینجا دین مقدس اسلام برای دفع مفاسد و صحیح اجرا شدن این مساله، برای آن پرداخت مبلغی را الزامی کرد؛ در این مورد آیه یازدهم سوره مجادله می فرماید: یا ایها الذین امنوا اذا ناجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجوئکم صدقه؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگاه خواستید با پیامبر در گوشی صحبت کنید، جلوتر باید صدقه بدهید.)) که این صدقه اجباری سبب شد عادت بد در گوشی صحبت کردن با پیامبر از میان رفت و تنها کسی که به این آیه عمل کرد، امیرالمؤمنین -علیه السلام بود که در بعضی از موارد با دادن صدقه راهنماییهای سری را از پیامبر اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم دریافت می نمود و بعد از مدتی هم این حکم -صدقه دادن قبل از نجوا با پیامبر نسخ گردید. تفسیر المیزان، ج ۱۹ ص ۲۱۵ حالا در مساله مس میت هم شاید همین مساله مطرح باشد که گاهی انسانهایی بر اثر مبتلا بودن به یک سری امراض مسری و خطرناک می میرند؛ بعد اقوام و بستگان آنها دور جسد جمع می شوند و افرادی که علاقه بیشتری به میت داشته و عواطفشان قوی تر است او را بوسیده و دیگران را هم به این کار تشویق می کنند و ممکن است عده فراوانی در جامعه مبتلا به آن مرض گردند؛ در اینجا اسلام چه بکند؟ چه این امر را کاملاً آزاد بگذارد و چه مطلقاً منع کند، مفسده دارد چون آزادی سبب سرایت امراض گوناگون می شود و منع آن سبب اتهام اسلام به خشونت می گردد؛ در اینجا اسلام برای جلوگیری از مفسده و صحیح اجرا شدن این مساله، احکام خاصی وضع کرده، بدین صورت که اگر کسی میتی را مس کرد باید حتماً برای نمازش غسل کند و الا نمازش باطل است و درباره مرده انسان، چون مردم بعد از مردنش هم به او رغبت نشان می دهند، اسلام قید و بندهایی در این راه به وجود آورده است؛ اما درباره مرده حیوانات که

چنین مساله ای نیست که بعد از مردنشان مردم اطرافشان جمع شوند، یا احیاناً آنها را بوسیده و دیگران را تشویق به بوسیدن کنند، لذا اسلام آنجا این حکم را ندارد و این نهایت درجه احترام اسلام به انسان است که معتقد است انسان را بعد از مردن غسل داده و کفن نموده و با تشریفات خاص به خاک بسپارند، اما حیوانات این چنین نیستند.

بعضی از غسلهای مستحب

غسلهای مستحبی در اسلام زیاد است که ما تعدادی از آنها را نام می بریم: ۱- غسل جمعه: البته غسل جمعه اهمیت فراوانی دارد که حتی بعضی از علما فتوا به وجوب آن داده اند و در بعضی از روایات دارد که ((لایترکه الا فاسق))، یعنی، غسل جمعه را ترک نمی کند، مگر شخص فاسق، و وقت غسل جمعه از اول اذان صبح روز جمعه است تا اول ظهر و بهتر است نزدیک ظهر به جا آورده شود و اگر تا ظهر انجام ندهد، بهتر است بدون نیت ادا و قضا (ما فی الذمه) تا عصر جمعه به جا آورد و اگر در روز جمعه غسل نکند، مستحب است از صبح شنبه تا غروب قضای آن را به جا آورد و کسی که می ترسد در روز جمعه آب پیدا نکند، می تواند روز پنج شنبه غسل را انجام دهد، بلکه اگر در شب جمعه غسل را به امید آنکه مطلوب خداوند است، به جا آورد صحیح است و غسل جمعه برای شخص مسافر و غیر مسافر و زن و مرد و حتی بچه های ممیز و زن حائض مستحب است. عروۃ الوثقی، فی اغسال المندوبه، توضیح المسائل، مساله ۶۴۴، ۲- غسل دادن بچه ای که تازه به دنیا آمده است. ۳- غسل زنی که برای غیر شوهرش بوی خوش استعمال کرده است. ۴- غسل کسی که جایی از بدنش را به بدن میتی که غسل داده اند رسانده است. ۵- غسل برای زیارت پیامبر -صلی الله علیه و آله وسلم و امامان -علیهم السلام از دور یا نزدیک. ۶- غسل برای حاجت خواستن از خداوند متعال و برای توبه و نشاط به جهت عبادت. توضیح المسائل، مساله ۶۴۴، ۶۴۵ یادآوری برای اطلاع بیشتر از اغسال مستحبی به توضیح المسائل، مساله ۶۴۴، ۶۴۵ و در عروۃ الوثقی به بحث اغسال مستحب مراجعه شود. دستور غسل کردن تمام غسلها را چه واجب و چه مستحب به یکی از دو شکل می توان انجام داد: ۱- غسل ارتماسی؛ ۲- غسل ترتیبی. دستور غسل ارتماسی غسل ارتماسی آن است که انسان به نیت غسل یکباره در آب فرو رود، به طوری که آب یکدفعه یا به تدریج تمام بدن را فرا بگیرد و اگر تمام بدن زیر آب باشد و بعد از نیت غسل بدن را حرکت دهد، غسل او صحیح است و برای انجام این غسل حتما باید جایی باشد که بتواند تمام بدن را آب فرا بگیرد و زیر دوش و مانند آن نمی شود غسل ارتماسی نمود. توضیح المسائل، مساله ۳۶۷، ۳۶۸ دستور غسل ترتیبی در غسل ترتیبی باید به نیت غسل اول سر و گردن و بعد طرف راست و بعد طرف چپ بدن را بشوید و برای آنکه یقین کند، هر قسمت را کاملاً شسته، باید مقداری از قسمت دیگر را هم ضمیمه کرده و بشوید و بلکه احتیاط مستحب آن است که تمام طرف راست گردن را با طرف راست بدن و تمام طرف چپ گردن را با طرف چپ بشوید و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به واسطه ندانستن مساله به این ترتیب (سرو گردن، راست و چپ) عمل نکند، غسل او باطل است. توضیح المسائل، مساله ۳۶۱، ۳۶۳ یادآوری ۱- غسل جبیره هم مانند وضوی جبیره است، ولی باید آن را ترتیبی به جا آورد. توضیح المسائل، مساله ۳۳۹، ۲- در بعضی از موارد باید غسل را به صورت ارتماسی و در بعضی از موارد باید حتماً به صورت ترتیبی انجام داد و در غیر این موارد اختیار با خود غسل کننده است که به هر یک از دو طریق می خواهد غسل نماید و اما بعضی از مواردی که باید حتماً به صورت ترتیبی غسل نمود: الف) در صورتی که کسی روزه واجب گرفته یا برای حج یا عمره احرام بسته که اگر بخواهد غسل کند حتماً باید به صورت ترتیبی غسل کند و اگر عمداً به صورت ارتماسی غسل کند، غسلش باطل است و اما اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند، صحیح است. توضیح المسائل، مساله ۳۷۱ ب) در صورتی که در یکی از اعضا غسلش جبیره است، باید به صورت ترتیبی غسل نماید و اگر به صورت ارتماسی غسل کند، غسلش باطل است. توضیح المسائل، مساله ۳۳۹ و گاهی هم غسل ارتماسی متعین می شود؛ مثل اینکه آخر وقت است و اگر بخواهد غسل ترتیبی کند، نمازش قضا می شود و غسل ارتماسی زودتر

انجام می شود. عروۀ الوثقی ، فی کیفیۀ الغسل ، مساله ۲

مستحبات غسل جنابت

۱- استبرا به بول قبل از غسل ، البته در صورتی که جنابتش به خاطر خروج منی باشد. ۲- شستن دو دست تا مرفق یا نصف ذراع یا تا بند دست سه مرتبه و در این جهت فرقی بین غسل ترتیبی و ارتماسی نیست . ۳- مضمضه (آب در دهان گرداندن) و استنشاق کردن (آب در بینی نمودن) بعد از شستن دو دست سه مرتبه و یک مرتبه هم کفایت می کند. ۴- دست کشیدن برای اینکه یقین کند که آب به همه جا رسیده . ۵- هر کدام از اعضا را سه بار غسل دادن . ۶- بردن نام خداوند متعال ((بسم الله)) یا ((بسم الله الرحمن الرحیم)) و دومی بهتر است . ۷- خواندن دعاهایی که در حال غسل کردن رسیده ، به اینکه بگوید: اللهم طهر قلبی و تقبل سعیی واجعل ماعندک خیرا لی و اشرح صدری و اجر علی لسانی مدحتک و الثناء علیک اللهم اجعله لی طهورا و شفاء و نورا انک علی کل شیء قدير. ولی اگر این دعا را بعد از تمام شدن غسل بخواند، بهتر است . ۸- رعایت کردن موالات و شستن از بالا به پایین در غسل ترتیبی . عروۀ الوثقی ، مستحبات غسل جنابت .

فرقهای غسل ارتماسی و ترتیبی

۱- در غسل ارتماسی باید قبل از غسل کردن تمام بدن پاک باشد، مگر آنکه با رفتن در آب نجاست برطرف شود؛ به خلاف غسل ترتیبی که لازم نیست تمام بدن قبل از غسل پاک باشد، بلکه جایز است هر عضوی را قبل از غسل دادنش تطهیر کند. عروۀ الوثقی ، فی احکام الغسل ، مساله ۵ و توضیح المسائل ، مساله ۳۷۲-۲ اگر بعد از غسل ، مانعی در یکی از اعضای غسل دیده شود، در ارتماسی غسل باطل است و اما اگر ترتیبی غسل کرده ، باید ملاحظه کند مانع در کجای بدن است ، اگر در طرف چپ باشد، بعد از برطرف کردن ، همان جا را به نیت غسل بشوید، غسلش صحیح است و اگر مانع در طرف راست باشد، بعد از برطرف کردن مانع و غسل آن موضع دوباره طرف چپ را غسل می دهد، غسلش صحیح است و اگر در سروگردن هم باشد، همین طور بعد از برطرف کردن و غسل دادن آن موضع ، دوباره طرف راست و چپ را غسل می دهد، غسلش صحیح است و اما اگر بعد از غسل ترتیبی بفهمد جایی از بدن را نشسته و نداند کجای بدن است ، باید دوباره غسل کند. توضیح المسائل ، مساله ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۹

احکام مشترک غسل ترتیبی و ارتماسی

۱- در غسل اگر به اندازه سر مویی از بدن نشسته بماند، غسل او باطل است ، ولی شستن جاهایی از بدن که دیده نمی شود، مثل توی گوش و بینی واجب نیست و اگر جایی را شک دارد که از ظاهر بدن است یا از باطن آن ، شستن آن لازم نیست ، ولی احتیاط در شستن است ؛ بنابراین اگر سوراخ جای گوشواره و مانند آن به قدری گشاد باشد که داخل آن دیده شود، باید آن را شست و اگر دیده نشود، شستن داخل آن لازم نیست . توضیح المسائل ، مساله ۳۷۶۵۳۷۴۳۷-۲ در غسل باید موهای کوتاهی را که جزء بدن حساب می شود بشوید و بنابر احتیاط، شستن موهای بلند هم لازم می باشد. (البته در کتاب عروۀ الوثقی در احکام غسل ، این احتیاط واجب دانسته شده است). توضیح المسائل ، مساله ۳۷۹-۳ کسی که قصد دارد پول حمامی را نهد، یا بخواهد از پول حرام و یا خمس نداده بدهد یا بدون اینکه بداند حمامی راضی است ، بخواهد نسیه بگذارد - اگر چه بعد حمام را راضی کند غسل او باطل است . توضیح المسائل ، مساله ۳۸۱، ۳۸۳-۴ اگر حمامی راضی باشد که پول حمام نسیه بماند، ولی کسی که غسل می کند، قصدش این باشد که طلب او را نهد، غسل او اشکال دارد. توضیح المسائل ، مساله ، مساله ۳۸۲ همچنین به مسائل ۵۳۸ ۳۸۷ و ۳۸۹ توضیح المسائل مراجعه شود. شرایط صحیح بودن غسل تمام سیزده شرطی که درباره صحت وضو گفته شد، درباره غسل

جاری است، به جز موالات که در غسل ترتیبی شرط نیست -الا در افرادی که به خاطر مریضی بول آنها قطره قطره بی اختیار بیرون می آید (مسلوس) و یا افرادی که به خاطر مریضی از آنها باد و غائط بی اختیار خارج می شود (مبطون) و همچنین زن مستحاضه. شرایط واقعی و شرایط توجهی تمام شرایط غسل شروطی واقعی هستند، الا: ۱- غصبی نبودن آب غسل؛ ۲- از طلا و نقره نبودن ظرف آب غسل؛ ۳- عدم حرمت ارتماسی. (معنی شرایط واقعی و توجهی در بحث وضو بیان گردید). عروۀ الوثقی، احکام غسل، مساله ۱۲ فرقه های وضو و غسل ۱- در وضو، حتما باید از بالا به پایین شسته شود به خلاف غسل. توضیح المسائل، مساله ۳۸۰ و ۲۴۳- در غسل، باید آب به پوست بدن برسد، به خلاف وضو که اگر پوست صورت از لای موها پیدا نباشد، لازم نیست. توضیح المسائل، مساله ۳۷۴، ۲۴۰- در وضو، موالات شرط است، به خلاف غسل ترتیبی الا غسل مستحاضه و مسلوس و مبطن. عروۀ الوثقی، احکام غسل جنابت، مساله ۸ و توضیح المسائل، مساله ۲۸۳-۴ اگر در وضو در شستن مقداری از عضو قبلی شک کند و وارد عضو بعدی هم شده باشد، باید برگردد -البته تا وقتی که کثیرالشک نشده باشد و الا اعتنا نکند به خلاف غسل ترتیبی که اگر داخل عضو بعدی نشده، باید برگردد و اگر وارد شد لازم نیست برگردد، مگر شکش در طرف چپ باشد که باید ولو بعد از زمانی شک کند، آنجا را به نیت غسل بشوید. عروۀ الوثقی، فی احکام غسل الجنابۀ، مساله ۱۱-۵ با تمام وضوها می شود نماز خواند، به خلاف غسل که فقط با غسل جنابت می شود نماز خواند و با بقیه غسلها باید وضو هم بگیرد، ولی با غسل جنابت نباید وضو گرفت. توضیح المسائل، مساله ۳۲۲، ۳۹۱-۶ اگر بعد از وضو مانعی در یکی از اعضای وضویش بیند و یقین کند که در وقت وضو بوده و موالات هم به هم خورده، وضو باطل است، به خلاف غسل که در غسل ارتماسی باطل است، ولی در غسل ترتیبی باطل نیست و باید به طوری که در فرقه های غسلها گفتیم عمل نماید. توضیح المسائل، مساله ۳۶۵، ۲۹۰، ۳۹۶ کسی که در وسط غسل حدث از او سرزده است :- حدث اصغر بوده که در این صورت غسلش باطل نیست، چه غسلش جنابت باشد یا بقیه اغسال، ولی باید بعدش برای نماز حتما وضو بگیرد و احتیاط مستحب آن است که بعد از تمام شدن غسل، دوباره غسل را اعاده کرده و وضو هم بگیرد و یا از همان جا غسل را رها کرده و دوباره از سر شروع کند و وضو هم بگیرد، ولی حضرت امام می فرمایند: اگر می خواهد آن را رها کرده و دوباره شروع کند، موافق احتیاط آن است که اگر غسل قبلی به صورت ارتماسی بوده این را هم به صورت ارتماسی، و اگر به صورت ترتیبی بوده، این را هم به صورت ترتیبی انجام دهد. عروۀ الوثقی، مستحبات غسل جنابت، مساله ۱۸ - حدث اکبر بوده :- مانند حدث سابقی است که برای آن غسل می کرده، که در این صورت استباید غسل را دوباره انجام دهد. عروۀ الوثقی، مستحبات غسل جنابت، مساله - غیر حدث سابق است که در این صورت غسل قبلی باطل نشده و تمامش می کند و دوباره به نیت حدث جدید غسل می کند و جایز هم هست که غسل قبلی را از همان جا رها کرده و دوباره به نیت هر دو، یک غسل انجام می دهد و بعد برای نمازش وضو هم می گیرد، اگر دو حدث جنابت نبوده و یا اولی جنابت نبوده و اما اگر حدث دومی جنابت بوده، وضو لازم نیست، چه آن غسل را تمام کرده و دوباره غسل جنابت را مستقلا انجام دهد یا از همان جا رها کرده و به نیت هر دو یک غسل نماید. ولی حضرت امام همان گونه که در حدث اصغر گفته شده می فرمایند: موافق احتیاط آن است که اگر می خواهد آن غسل را دوباره انجام دهد، توجه داشته باشد که اگر غسل قبلی را به صورت ارتماسی انجام می داده این را هم ارتماسی انجام دهد و اگر ترتیبی بوده، ترتیبی انجام دهد. عروۀ الوثقی، مستحبات غسل جنابت، مساله ۱۹ یادآوری ۱- باید توجه داشت که این مساله (رخ دادن حدث در بین غسل) درباره غسل ترتیبی متصور است؛ اما در باره غسل ارتماسی که به صورت دفعی انجام می شود، تصور ندارد. عروۀ الوثقی، مستحبات غسل جنابت، مساله ۸-۲ حدث اصغر در غسلهای ارتماسی موجب بطلان آنها نمی شود، مگر غسلهای مستحبی که برای انجام دادن کاری مستحب شده اند؛ مانند: غسل زیارت و غسل احرام که بعید نیست در این گونه موارد موجب بطلان آنان بشود. عروۀ الوثقی، مستحبات غسل جنابت، مساله ۱۰

دستور تیمم تیمم - چه بدل از وضو باشد و چه بدل از غسل سه چیز واجب دارد که به آن اشاره می کنیم: واجب اول: زدن دو کف دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است؛ البته حضرت امام گذاشتن دستها را هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است کافی می دانند، ولی زدن دستها را احتیاط مستحب می دانند، و اما تکاندن دستها را بعد از زدن مستحب است. واجب دوم: کشیدن تمام دو کف دست بر تمامی پیشانی، از رستگاه مو تا بالای بینی و روی ابروها و دو طرف پیشانی؛ البته امام خمینی (ره) کشیدن روی ابروها را احتیاط واجب می دانند. واجب سوم: کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست، از بند دست تا سر انگشتها و بعدا کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ، از بند دست تا سر انگشتان و برای آنکه یقین کند که تمام پشت دست را مسح کرده، باید مقداری بالاتر از بند را هم مسح نماید. البته لازم به تذکر است که تیمم چه بدل از غسل و چه بدل از وضو باشد، حضرت امام همین مقدار را کافی می دانند، ولی می فرمایند: بهتر است یک بار دیگر دستها را زمین زده، به پشت دستها بکشد. عروة الوثقی، فی کیفیت التیمم و توضیح المسائل، مساله ۷۰۱ و ۶۸۹، تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۱۱، مساله ۳ یادآوری به مسائل ۷۰۲ و ۷۰۳ توضیح المسائل مراجعه شود. دستور تیمم برای افراد معلول کسی که نمی تواند تیمم کند، باید نایب بگیرد تا او را تیمم دهد و نایب باید اگر امکان دارد اولاً با دستهای خود او، او را تیمم دهد و اگر امکان ندارد، دستهای خودش را به زمین بزند و به صورت و پشت دستهای او بکشد و اگر نایب، مزد هم بخواهد - حتی به چند برابر اجرة المثل باید اگر به حالش ضرر ندارد آن را پردازد و نایب بگیرد و اما کسی که یک دستش قطع شده یا ذراع دارد یا ندارد (یعنی از بالاتر از ذراع دستش قطع شده) اگر ذراع داشته باشد، باید یک دست سالمش را با ذراع دست دیگری به زمین بزند و به صورتش بکشد و بنابر احتیاط مستحب دوباره با کف دست سالمش تمام پیشانی و دو طرف آن را مسح نماید و بعد با دست سالمش پشت ذراع و با ذراعش پشت دست سالم را مسح کند. و اما اگر یک دستش سالم باشد و دیگری هم ذراع نداشته باشد، همان کف دست سالم را به زمین بزند و به پیشانی بکشد و بعد پشت دستش را به زمین بکشد و بنابر احتیاط واجب علاوه بر این کار نایب هم بگیرد، به این صورت که دو دستش را با هم به چیزی که تیمم بر آن صحیح است بزند و به صورت بکشد و بعد نایب کف دستش را به پشت دست او بکشد. و اما کسی که هر دو دستش قطع شده است، این هم دو صورت دارد: یا ذراعهای او باقی است یا نیست و اگر ذراعها باشد، به وسیله دو ذراع مانند دو کف دست تیمم می کند - چون دو ذراع حکم دو کف دست را دارند و اگر ذراع ندارد آن وقت پیشانی خود را به زمین کشیده و بنابر احتیاط واجب نایب هم می گیرد. تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۱۱، مساله ۳ و ۴ شرایط تیمم ۱- نیت: یعنی توجه به اینکه این تیمم بدل از وضو است یا بدل از غسل؛ همراه با زدن دستها بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است. ۲- مباشرت در حال اختیار: یعنی در حال اختیار کارهای تیمم را خود شخص انجام دهد؛ ولی در حال اضطرار می تواند نایب بگیرد. ۳- موالات: یعنی پشت سرهم انجام دادن کارهای تیمم. ۴- ترتیب. ۵- کشیدن کف دستها به صورت و پشت دستها از بالا به پایین. ۶- نبودن مانع بین کف دستها و پیشانی و بین کف دست و پشت دست؛ مگر در جایی که وظیفه اش تیمم جیره ای است. ۷- پاک بودن کف دستها و پیشانی و پشت دستها، در حال اختیار. عروة الوثقی، فی کیفیت التیمم و توضیح المسائل، مساله ۷۰۴ یادآوری به مسائل ۷۰۷ و ۷۰۸ و ۷۰۹ توضیح المسائل مراجعه شود. چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است، سه مرحله دارند که با بودن مرحله اول، نوبت به دوم، و با بودن مرحله دوم، نوبت به مرحله سوم نمی رسد. مرحله اول: عبارت است از همه زمین غیر از رویدنیها و معادن آن؛ مثل: طلا، نقره، نمک و... بنابراین در مرحله اول می توان با خاک یا ریگ یا کلوخ یا سنگ تیمم کرد، ولی اگر خاک باشد، بهتر است. چیزی که بر آن تیمم می شود، مستحب است گردی داشته باشد که در دست بماند و اگر هیچ کدام از اینها نبود، نوبت به مرحله دوم می رسد. مرحله دوم: عبارت است از گرد و غبار چیزی که تیمم بر آن صحیح است؛ مانند: خاک (نه مانند آرد و...). البته باید دانست که وقتی انسان می تواند به گرد و غبار تیمم کند که

نتواند از مجموع آنها خاک تهیه کند والا باید خاک تهیه کرده و بر خاک تیمم نماید، چون به مرحله اول بر می گردد ولی اگر نتواند به صورت خاک درآورد، باید بنابر احتیاط واجب، جایی را که گرد و غبارش بیشتر است، مقدم بدارد. مرحله سوم: عبارت است از گل، و باید دانست که وقتی می توان بر گل تیمم کرد که نتوان آن را خشک کرده و از آن، خاک تهیه کرد والا- به مرحله اول بر می گردد؛ البته لازم به تذکر است که تمام این سه مرحله ای که گفته شد، دارای سه شرط هستند، که با دارا بودن تمامی این سه شرط در هر مرحله می توان بر آن تیمم کرد و اما آن سه شرط: ۱- پاک باشد. ۲- با چیزی که تیمم بر آن صحیح نیست مخلوط نباشد؛ مانند: کاه خاک، خاک و خاکستر، مگر اینکه آنچه که مخلوط شده، خیلی کم باشد. ۳- بنابر احتیاط واجب چیزی که بر آن تیمم می شود، غصبی نباشد. و اگر هیچ کدام از این سه مرحله را با این شرایط ندارد، احتیاط مستحب آن است که نماز را بدون وضو و تیمم بخواند و بنابر احتیاط واجب بعدا دوباره آن را به جا بیاورد. عروة الوثقی، فی مایصح التیمم به، مساله ۱۰ و توضیح المسائل، مساله ۶۹۴، ۶۸۹، ۶۸۴-۶۹۲، ۶۸۶، یادآوری ۱- به مسائل ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۸، ۶۹۰، ۶۹۲ و ۶۹۵، ۶۹۹ مراجعه شود.

۲- اگر بر چیزی تیمم کند، با اعتقاد به اینکه آن از چیزهایی است که تیمم بر آن صحیح است، ولی بعد بفهمد تیمم بر آن صحیح نبوده و یا بر مرحله بعدی تیمم کند و بعد بفهمد وظیفه اش تیمم بر مرحله قبلی بوده، تیمم او باطل است و نمازی که خوانده، اگر در وقت است آن را اعاده و اگر وقت آن گذشته، قضا نماید. عروة الوثقی، فیما یصح التیمم به، مساله ۱۲- تیمم کردن بر شن و زمین شوره زار، هرگاه نمک روی آن را نگرفته باشد (والا جایز نیست) و همچنین بر گودالها و خاکی که روی آن، راه رفته اند و خاک جاده مکروه است و مستحب است که انسان بر زمین بلند غالبا از معرض آلودگی و نجاست مصون است، تیمم نماید. عروة الوثقی، فی ما یصح التیمم به، مساله ۹، ۱۰ مواردی که به جای وضو و غسل، باید تیمم کرد در هفت مورد به جای وضو و غسل باید تیمم کرد که در توضیح المسائل از مساله ۶۴۸ به بعد مشروحا بیان شده است. یادآوری ۱- کسی که حدث اکبر از او سرزده است، اگر حدثش جنابت باشد، اگر برای نمازش فقط یک تیمم بکند، کافی است -اگر نمی تواند غسل کند و اما اگر حدث اکبرش غیر از جنابت باشد، باید علاوه بر تیمم وضو هم بگیرد و اگر نمی تواند وضو بگیرد، باید دو تیمم بنماید: یکی بدل از غسل و یکی بدل از وضو. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۱۱، مساله ۲۳- آنچه وضو را باطل می کند، تیمم بدل از وضو را هم باطل می کند و آنچه غسل را باطل می کند، تیمم بدل از غسل را هم باطل می کند، بحثی که هست این است که آیا آنچه وضو را باطل می کند تیمم بدل از غسل را باطل می کند یا نه؟ مثلا کسی که به خاطر جنابت، تیمم بدل از غسل کرده و بعد حدث اصغری از او سرزده، آیا باید دوباره تیمم کند یا نه، همان تیمم اول کافی است و فقط برای نماز باید وضو بگیرد؟ حضرت امام می فرمایند: در این مساله دو قول است ۱- تیمم بدل از غسل را باطل می کند؛ ۲- باطل نمی کند؛ ولی طهارت او را از بین می برد. که قول اول مشهورتر است، ولی قول دوم قوی تر است. بنابراین به فرمایش ایشان، شخص جنب اگر بعد از تیمم بدل از غسل حدث اصغر از او سریزند، مثل کسی است که بعد از غسل حدث اصغر از او سرزده باشد و فقط باید برای نماز وضو بگیرد و همچنین زن حائضی که غسل حیض کرده، اگر حدث اصغر از او سر بزند، فقط وضو یا تیمم بدل از وضوی او را از بین می برد؛ ولی احتیاط مستحب آن است که در جنب جمع کند بین تیمم بدل از غسل و وضو اگر امکان دارد -البته در صورتی که نمی تواند وضو بگیرد و اگر امکان ندارد یک تیمم به نیت مافی الذمه انجام دهد و اما غیر جنب احتیاطا دو تا تیمم کند: یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۱۲ مساله ۳۵- کسی که بجای غسل یا وضو تیمم می کند تا وقتی که تیمم و عذر او باقی است به حکم شخص طاهر است و تمام کارهایی که شرطش طهارت بود، می تواند انجام دهد، مگر اینکه تیممش به خاطر تنگی وقت یا نماز میت یا تیمم برای خوابیدن با وجود دسترسی به آب باشد که با این تیممها نمی تواند دست به خط قرآن بزند و یا اگر جنب است، نمی تواند سوره هایی را که سجده واجب دارد، بخواند و یا داخل مسجد شود؛ البته حضرت امام در مورد تیمم به خاطر تنگی وقت، احتیاط واجب دارند. عروة الوثقی، احکام تیمم، مساله ۴۹- اگر مس قرآن بر انسان واجب شود، تیمم واجب است و اما اگر

مباح (جایز) باشد، تیمم برای مس آن مشروع نیست؛ ولی اگر برای هدف دیگری تیمم کند، می تواند دست به خط قرآن بزند. عروۀ الوثقی، احکام تیمم، مساله ۳۳-۵ در مواردی که باید دو تیمم کند، یکی بدل از غسل و یکی بدل از وضو، مانند: حائض و نفساء و کسی که مس میت کرده و... بهتر است تیمم سومی هم به قصد پاک شدن بنماید، بدون توجه به بدلیت از وضو و یا غسل؛ زیرا احتمال دارد یک تیمم بیشتر مطلوب نباشد (از باب تداخل) و اگر به وسیله تیمم دو قصد مافی الذمه کند، از تیمم سومی کفایت می کند. عروۀ الوثقی، احکام تیمم، مساله ۳۶

فصل دوم: وقت شناسی

توضیح

وقت نماز صبح نزدیک اذان صبح از طرف مشرق سفیده ای رو به بالا حرکت می کند که آن را فجر اول (فجر کاذب) می گویند؛ موقعی که آن سفیده پهن شد، فجر دوم (فجر صادق) و اول وقت نماز صبح است و آخر وقت نماز صبح موقعی است که آفتاب بیرون می آید. توضیح المسائل، مساله ۷۴۱ س - شبهایی که مهتاب تا صبح هست، اگر کسی یقین کند که فجر صادق طالع شده، آیا می تواند نماز صبح را بخواند، یا باید صبر کند تا سفیدی صبح به طور محسوس آشکار شود و وظیفه او در امساک روزه ماه مبارک رمضان چگونه است و در صورتی که وقت نماز از اول آشکار شدن سفیدی باشد، در شبهای ابری یا در شهرستانهایی که روشنایی برق به حدی زیاد است که باید خیلی صبر کرد تا سفیدی آشکار شود، اگر به اندازه ده دقیقه از اول فجر صبر کند، بعد از ده دقیقه وقت نماز است یا نه؟ ج - احتیاط لازم در شبهای مهتاب آن است که صبر کند تا سفیده صبح در افق ظاهر شود و غلبه کند بر روشنایی مهتاب، بلکه خالی از وجه نیست و این حکم در روشنی برق و شبهای ابری نیست و در روزه احتیاط کند و در شبهای مهتاب اگر چه بعید نیست که لازم نباشد امساک قبل از آنچه ذکر شد. توضیح المسائل، مساله ۷۵۴ وقت فضیلت نماز صبح وقت فضیلت نماز صبح از اول طلوع صبح صادق است تا پیدا شدن سرخی طرف مشرق (حمره مشرقیه) و در غیر این وقت تا قبل از طلوع آفتاب اگر نماز صبح خوانده شود، در وقت اجزا می باشد، ولی مستحب است انسان نماز صبح را طوری بخواند که هوا هنوز خوب روشن نشده باشد. عروۀ الوثقی، اوقات الصلاة الیومیه، مساله ۱۰ اول ظهر چه زمانی است؟ اگر چوب یا چیزی مانند آن را (شاخص) راست در زمین هموار فروبرند، صبح که خورشید بیرون می آید، سایه آن به طرف غرب می افتد و هر چه آفتاب بالا می آید، این سایه کم می شود و در شهرهای ما در اول ظهر شرعی به آخرین درجه کمی می رسد و ظهر که گذشت سایه به طرف مشرق بر می گردد و هر چه خورشید رو به مغرب می رود، سایه زیادتر می شود، بنابراین وقتی که سایه به کمترین درجه خود رسید و دو مرتبه رو به زیاد شدن گذاشت، معلوم می شود ظهر شرعی شده است، ولی در بعضی از شهرها، مثل مکه که گاهی موقع ظهر سایه به کلی از بین می رود بعد از آنکه سایه دوباره پیدا شد، معلوم می شود ظهر شده است. توضیح المسائل، مساله ۷۲۹ فرق غروب و مغرب زمانی که خورشید از نظرها پنهان می شود (در آخر روز) غروب نامیده می شود و اما مغرب زمانی است که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بین برود؛ بعضی گفته اند که آن سرخی طرف مشرق از روی سر ناپدید شود، ولی حضرت امام می فرمایند: آن سرخی به سمت سر انسان نمی رسد، بلکه همان طرف مشرق مقداری که بالا می آید ناپدید می گردد. توضیح المسائل، مساله ۷۳۵ عروۀ الوثقی، اوقات الصلاة الیومیه، مساله وقت مخصوص نماز ظهر و عصر وقت مخصوص نماز ظهر، از اول ظهر است تا وقتی که از ظهر به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد و وقت مخصوص نماز عصر موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر وقت به مغرب مانده باشد که اگر کسی تا این موقع نماز ظهر را نخواند ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند؛ البته باید توجه داشت که وقت مخصوص، برای مسافر و غیر مسافر فرق دارد. توضیح المسائل، مساله ۷۳۱، ۷۳۷ وقت

مشترک نماز ظهر و عصر ما بین وقت مخصوص نماز ظهر و وقت مخصوص نماز عصر وقت مشترک نماز ظهر و عصر است و اگر کسی اشتباه نماز عصر را پیش از نماز ظهر بخواند و بعد از نماز ملتفت شود، نمازش صحیح است. توضیح المسائل، مساله ۷۳۱ یادآوری ۱- اگر پیش از خواندن نماز ظهر سهوا مشغول نماز عصر شود و در بین نماز بفهمد اشتباه کرده است، چنانچه در وقت مشترک باشد، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند؛ یعنی نیت کند که آنچه تا به حال خوانده ام و آنچه را مشغولم و آنچه بعد می خوانم همه نماز ظهر باشد و بعد از آنکه نماز را تمام کرد، نماز عصر را بخواند و اگر در وقت مخصوص به ظهر باشد، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند و بعد نماز عصر را بخواند و احتیاط آن است که بعد از نماز عصر دوباره نماز ظهر و عصر را بخواند و این احتیاط خیلی مطلوب است. توضیح المسائل، مساله ۷۳۲

وقت فضیلت نماز ظهر و عصر

وقت فضیلت نماز ظهر از اول ظهر (زوال) است تا وقتی که سایه شاخص به اندازه خودش شود -البته بعد از شروع به زیاد شدن و اما آخر وقت فضیلت نماز عصر این است که سایه شاخص دو برابر خودش شود و اما در ابتدای وقت فضیلت نماز عصر، مشهور علما فرموده اند که از ابتدای شروع سایه قسمت دوم شاخص. ولی حضرت امام می فرمایند اظهر این است که ابتدای وقت فضیلت نماز عصر از وقتی است که سایه شاخص به - خود برسد و لکن بعید نیست که از بعد از تمام شدن نماز ظهر باشد. عروۃ الوثقی، اوقات الصلاة الیومیه، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۸ یادآوری احتیاط واجب آن است که نماز جمعه را از موقعی که عرفا اول ظهر می گویند تاخیر نیندازد و اگر از اوایل ظهر تاخیر افتاد، به جای نماز جمعه نماز ظهر بخواند ولی بعضی می گویند تا وقتی که سایه شاخص مانند خودش بشود وقت دارد. عروۃ الوثقی، اوقات الصلاة الیومیه و توضیح المسائل، مساله ۷۳۴ نصف شب چه زمانی است؟ احتیاط واجب آن است که برای نماز مغرب و عشا و مانند اینها، شب را از اول غروب تا اذن صبح حساب کنند و برای نماز شب و مانند آن تا اول آفتاب حساب نمایند. توضیح المسائل، مساله ۷۳۹

وقت مخصوص نماز مغرب و عشا

وقت مخصوص نماز مغرب از اول مغرب است تا وقتی که از مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز بگذرد، که اگر کسی مثلاً مسافر باشد و تمام نماز عشا را در این وقت بخواند، احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز مغرب نماز عشا را دوباره بخواند و وقت مخصوص نماز عشا موقعی است که به اندازه خواندن نماز عشا به نصف شب مانده باشد، که اگر کسی تا این موقع نماز مغرب را نخوانده، باید اول نماز عشا و بعد از آن نماز مغرب را بخواند؛ البته وقت مخصوص نماز عشا برای مسافر و غیر مسافر فرق دارد. توضیح المسائل، مساله ۷۳۶

وقت مشترک نماز مغرب و عشا

ما بین وقت مخصوص نماز مغرب و وقت مخصوص نماز عشا وقت مشترک نماز مغرب و عشا است که اگر کسی در این وقت اشتباه نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز ملتفت شود نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را بعد از آن به جا آورد. توضیح المسائل، مساله ۷۳۶

وقت فضیلت نماز مغرب و عشا

وقت فضیلت نماز مغرب، از اول مغرب است تا بر طرف شدن سرخی طرف مغرب، که به آن حمزه مغربیه و یا شفق هم می گویند

و اما وقت فضیلت نماز عشا از بعد از بر طرف شدن آن سرخی است تا - از شب . عروۃ الوثقی ، اوقات الصلاة الیومیه .

یادآوری های اوقات مخصوص و مشترک نماز

۱- اینکه اول وقت ، اختصاص به نماز ظهر (و همچنین نماز مغرب)، و آخر وقت اختصاص به نماز عصر (و همچنین نماز عشا) دارد، مراد آن است که اگر عمدا نماز عصر در وقت مخصوص نماز ظهر و نماز عشا در وقت مخصوص نماز مغرب خوانده شود، باطل است . در اینجا چند مطلب استثنا شده است . الف) اگر گمان پیدا کرد که ظهر شده و نماز ظهر را شروع کرد -البته در مواردی که گمان به دخول وقت کافی است ولی در بین نماز وقت داخل شد، در این صورت چون نمازش صحیح است ، مانعی ندارد که نماز عصر را در وقت مخصوص ظهر بخواند و لازم نیست به اندازه چهار رکعت از اول وقت گذشته صبر کند و بعد بخواند. ب) اگر سهوا نماز عصر را قبل از نماز ظهر بخواند و از وقت فقط به مقدار چهار رکعت باقی مانده باشد، که در این صورت نماز ظهر را در وقت مخصوص عصر می خواند. ج) اگر در اول وقت که مثلا وقت مخصوص نماز ظهر است ، نماز دیگری غیر از نماز عصر آن روز را بخواند، مانند نماز قضا مانعی ندارد. عروۃ الوثقی ، اوقات الصلاة الیومیه ، مساله ۲۲- تقسیم وقت به مختص و مشترک در مواردی ثمره عملی دارد؛ مثلا اگر زنی در اول وقت بعد از گذشتن مقدار خواندن نماز ظهر حائض شود و نماز ظهر را نخوانده باشد، فقط قضای نماز ظهر بر او واجب است و اگر در نزدیک آخر وقت عذر او برطرف شود، اگر برای هر دو نماز وقت دارد، هر دو بر او واجب است ، و اگر برای دومی وقت دارد -هر چند به اندازه یک رکعتش فقط دومی واجب است و اگر برای دومی و حتی یک رکعت از اول وقت دارد، باز هم هر دو بر او واجب است . عروۃ الوثقی ، اوقات الصلاة الیومیه ، مساله ۳ و احکام الاوقات ، مساله ۱۵ تحریرالوسیله ، ج ۱، ص ۱۴۰، مساله ۱۵ ۳- کسی که به اندازه خواندن یک رکعت وقت دارد، باید نماز را به نیت ادا بخواند، ولی نباید نماز را عمدا تا این وقت تاخیر بیندازد. بنابراین اگر شخصی مسافر به اندازه سه رکعت و شخص غیر مسافر به اندازه پنج رکعت تا غروب وقت داشته باشد، باید نماز ظهر را اول بخواند، اگر چه مقداری از نماز عصر، خارج وقت خوانده می شود و همچنین در نماز مغرب و عشا، اگر شخص مسافر نباشد و تا نصف شب مقدار پنج رکعت وقت داشته باشد، باید اول نماز مغرب ، و اگر کمتر از پنج رکعت وقت داشته باشد، باید اول نماز عشا را بخواند؛ چون چهار رکعت آخر مخصوص وقت نماز عشا است ، و اما اگر مسافر باشد و تا نصف شب به اندازه چهار رکعت وقت داشته باشد، باید اول نماز عشا و بعد از آن نماز مغرب را بخواند و چون بعد از خواندن نماز مغرب ممکن است به اندازه یک رکعت یا بیشتر وقت داشته باشد، باید فوری نماز مغرب را شروع کند و نیت آن هم اداست ، اگر چه احتیاط مستحب آن است که نیت ادا و قضا نکند. تحریرالوسیله ، ج ۱، ص ۱۳۹، مساله ۹ عروۃ الوثقی ، اوقات الصلاة الیومیه ، مساله ۴۴- واجب است نماز عصر بعد از نماز ظهر، و نماز عشا بعد از نماز مغرب خوانده شود، که اگر عمدا جلوتر بخواند، باطل است ، چه در وقت مختص به اولی باشد و چه در وقت مشترک ، و اما اگر سهوا جلوتر بخواند یا در وقت مختص به اولی خوانده شده یا در وقت مشترک ، و اگر در وقت مختص باشد، دو صورت دارد: یا تمامش در وقت مختص به اولی واقع شده و یا مقداری از آن در وقت مشترک داخل گردیده ؛ اگر تمامش در وقت مختص به اولی واقع شده باشد، بنابر احتیاط واجب باطل است و اگر در مقداری از وقت مشترک هم داخل شده ، نمازش صحیح است و اما اگر سهوا در وقت مشترک جلوتر خوانده باشد، اگر بعد از نماز یادش بیاید، نمازش صحیح است و اگر در وسط نماز یادش بیاید، نیتش را به نماز قبلی بر می گرداند، به شرطی که جا برای عدول باشد؛ مثل اینکه در نماز مغرب و عشا وارد رکوع رکعت چهارم شده باشد که در این صورت ، نماز را تمام کرده و دوباره نماز مغرب و بعد از آن عشا را می خواند. عروۃ الوثقی ، اوقات الصلاة الیومیه ، مساله ۵۳- همیشه عدول از نماز بعدی به قبلی جایز است ، ولی عکسش جایز نیست ؛ بنابر این از عصر به ظهر و از عشا به مغرب می شود عدول کرد - به شرط آنکه از محل عدول نگذشته باشد و اما عکسش جایز نیست ؛ بنابراین اگر به نیت نماز ظهر مشغول نماز شود و یادش بیاید

که نماز ظهر را خوانده، عدول به نماز عصر جایز نیست و باید نماز را بشکند و نماز عصر را بخواند. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۹ مساله ۱ توضیح المسائل، مساله ۷۵۶-۶ در این زمینه به مسائل ۷۵۷ و ۷۵۹ تا ۷۹۶ مراجعه شود.

احکام وقت نماز

۱- اگر نماز قبل از وقت خوانده شود -حتی اگر مقداری از آن باشد نماز باطل است و باید انسان وقتی که می خواهد نماز بخواند به داخل شدن وقت علم داشته باشد، البته می شود به جای علم، به شهادت دو نفر عادل هم اعتماد نمود -البته در صورتی که شهادت آنها از روی حس و مشاهده باشد؛ یعنی دیده باشند که سایه شاخص رو به زیاد شدن به طرف مشرق نموده است، نه اینکه شهادت آنان نقل اذان دیگری باشد اما شهادت یک نفر عادل کافی نیست، حتی اگر او مؤذن عادلی هم باشد، بنابر احتیاط واجب کافی نیست؛ البته عده ای از فقها می فرمایند به اذان او می شود اعتماد کرد، ولی به هر حال به ظن و گمان به دخول وقت نمی شود اعتماد کرد، حتی برای کسانی که عذر خصوصی دارند؛ مانند کوری و در زندان بودن، که بنابر احتیاط واجب باید نماز را تاخیر بیندازند تا علم به دخول وقت پیدا کنند و اما کسانی که عذر عمومی دارند، مانند ابری یا غبار آلود بودن هوا، جایز است که به ظن و گمان اعتماد نمایند. عروة الوثقی، احکام الاوقات، مساله ۱ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۰ مساله ۱۶-۲ به مسائل ۷۴۴ و ۷۴۵ و ۷۴۶ توضیح المسائل مراجعه شود. ۳- مستحب است که انسان، نماز را در اول وقت آن بخواند و راجع به آن خیلی سفارش شده است و هر چه به اول وقت نزدیک تر باشد، بهتر است و اما تاخیر آن، گاهی از جهتی لازم، و گاهی بهتر است، که به بعضی از موارد هر کدام اشاره می شود. بعضی از مواردی که تاخیر نماز از اول وقت لازم است الف) مساله ۷۵۲ توضیح المسائل؛ ب) مساله ۷۵۳ توضیح المسائل؛ ج) اگر وقت نماز وسعت دارد و طلبکار هم طلب خود را مطالبه می کند، در صورتی که ممکن است، باید نماز گزار اول قرض خود را بدهد، بعد نماز بخواند و همچنین است اگر کار واجب دیگری -که باید فوراً آن را به جا آورد پیش بیاید، مثلاً ببیند مسجد نجس است و یا کسی در معرض خطر باشد و بخواند او را نجات دهد، که اول باید مسجد را تطهیر کرده و یا آن نفس محترمه را نجات دهد و بعد نماز بخواند و چنانچه اول نماز بخواند معصیت کرده، اما نماز او صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که نماز را دوباره بخواند. عروة الوثقی، اوقات الرواتب، مساله ۱۵ توضیح المسائل، مساله ۷۵۴ بعضی از مواردی که تاخیر نماز بهتر است ۱- تاخیر نماز ظهر و عصر برای خواندن نافله آنها و همچنین نماز صبح، اگر نافله اش را قبل از دخول وقت نخوانده است؛ ۲- تقدیم نماز قضا برای کسی که نماز قضا دارد؛ ۳- کسی که به واسطه عذری برای نماز تیمم می کند، هر چند می تواند در اول وقت نماز بخواند، ولی بهتر است آن را به تاخیر بیندازد تا شاید عذرش برطرف شود و اما بقیه عذرهای بنابر احتیاط واجب باید تاخیر بیندازد؛ ۴- برای کسی که حالت اقبال و توجه در اول وقت ندارد (مثل شخص خواب آلود)؛ ۵- برای تحصیل کمالی برای نماز؛ مانند: انتظار جماعت یا بیشتر شدن مامومین یا حضور در مسجد و...؛ ۶- مسافری که در اول وقت باید با عجله نماز بخواند؛ ۷- تاخیر نماز عصر و عشا به اول وقت فضیلتشان؛ ۸- به خاطر گرمی هوا در ظهر که تاخیر بیندازد تا هوا خنک شود؛ ۹- تاخیر نماز مغرب برای کسی که روزه است و گرسنگی یا تشنگی به او فشار آورده یا کسی منتظر اوست؛ ۱۰- تاخیر نماز صبح برای کسی که بعد از طلوع صبح مقداری از نافله شب او باقی باشد و می خواهد بخواند. عروة الوثقی، فی اوقات الرواتب، مساله ۱۳ قضای نمازهای روزانه کسی که نماز واجب خود را در وقت نخوانده -به خاطر خواب ماندن یا مستی یا بیهوشی یا...- و یا در وقت خوانده، ولی بعد فهمیده که نمازش باطل بوده و یا در وقت به خاطر نداشتن وضو یا غسل یا تیمم نمازش را بدون آنها (فاقد الطهورین) خوانده، باید بعد از گذشتن وقت آن، نماز یا نمازها را قضا نماید. ۱- کسانی که قضای نماز بر آنها لازم نیست: ۱- بچه وقتی که بالغ شود؛ ۲- دیوانه وقتی که عاقل گردد؛ ۳- انسان بیهوش، وقتی که به هوش آید؛ ۴- کافر وقتی که مسلمان شود؛ ۵- زن حائض و نفساء، در صورتی که بعد از وقت پاک شود. البته تمام اینها در صورتی است که در

خارج وقت این حالت بر ایشان پیش آید و یا اگر در داخل وقت هم هست، آن قدر وقت کم باشد که به مقدار خواندن حتی یک رکعت نماز هم وقت نداشته باشد و اما شخص بیهوش شده، شرط دیگری هم دارد و آن اینکه بیهوشی به دست خود و به اختیار خودش صورت نگرفته باشد والا باید بنا بر احتیاط واجب قضای نمازهایش را به جا آورد. عروۃ الوثقی، صلاة القضاء، مساله ۱-۳

۲- کسی که نمی داند چند نماز قضا دارد کسی که چند نماز از او قضا شده و شماره آنها را نمی داند، مثلاً نمی داند چهارتا بوده یا پنج تا، چنانچه مقدار کمتر را بخواند کافی است و همچنین اگر شماره آنها را می دانسته ولی آن را فراموش کرده، اگر مقدار کمتر را بخواند، کفایت می کند؛ ولی بنابر احتیاط مستحب، آن قدر بخواند که علم پیدا کند که نماز او از این بیشتر نبوده است و همچنین اگر انسان احتمال دهد نماز قضایی دارد یا نماز قضایی را که خوانده صحیح نبوده است، مستحب است احتیاطاً قضای آنها را به جا آورد. عروۃ الوثقی، صلاة القضاء، مساله ۲۶، ۳۰ توضیح المسائل، مساله ۱۳۸۳ ۱۳۷۴ ۳- آیا خواندن نماز قضا، واجب فوری است؟ کسی که نماز قضا دارد، باید در خواندن آن کوتاهی نکند، ولی واجب نیست که فوراً آن را به جا آورد؛ البته تا حدی که منجر به مسامحه و سهل انگاری و سبک شمردن دستورات دین نگردد و کسی که نماز قضا دارد، می تواند نماز مستحبی بخواند و حتی اگر نماز قضا از همین روز دارد، می تواند قبل از خواندن نمازی که قضا شده، نماز ادایی را بخواند و لازم نیست نماز قضا را جلو بیندازد -ولو بعضی از فقها در همین قسم اخیر احتیاط واجب دارند که اول نماز قضا را بخواند ولی احتیاط مستحب آن است که اول نماز قضا را بخواند، خصوصاً اگر نماز قضا از همان روز باشد. عروۃ الوثقی، صلاة القضاء، مساله ۲۷، ۲۹، ۳۱

۳۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۲۷ مساله ۱۳ ۴- آیا کس دیگری می تواند نماز قضای انسان را بخواند؟ تا انسان زنده است، دیگری نمی تواند نمازهای قضای او را بخواند، هر چند خود شخص از خواندن نمازهای قضایش عاجز باشد و اما بعد از مردنش می شود. عروۃ الوثقی، صلاة القضاء، مساله ۳۲ توضیح المسائل، مساله ۱۳۸۷ ۵- کیفیت خواندن نمازهای قضا (ترتیب، شکسته یا تمام جماعت) در نمازهایی که ترتیب در ادای آنها شرعاً معتبر است، مانند: ظهر و عصر و مغرب و عشا در یک روز، در قضای آنها هم باید ترتیب رعایت شود و در بقیه بهتر است به ترتیب خوانده شود و اما در باره شکسته و یا تمام خواندن باید گفت: نماز را همان طور که فوت شده، باید قضا نمود، یعنی اگر شکسته فوت شده، باید شکسته، و اگر تمام فوت شده، باید به صورت تمام، قضا نماید و در جاهایی که وظیفه او جمع کردن بین شکسته و تمام بوده و نمازش فوت شده، باید، هم شکسته و هم تمام، قضا نماید و نماز قضا را با جماعت هم می شود خواند، چه نماز امام جماعت قضا باشد یا ادا و لازم نیست هر دو یک نماز را بخواند؛ مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر و عصر امام بخواند، اشکال ندارد. عروۃ الوثقی، صلاة القضاء، مساله ۱۲ ۱۶

تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۲۵ مساله ۸ توضیح المسائل، مساله ۱۳۸۸ ۶- در چه زمانی می توان نماز قضا را به جا آورد؟ نمازهای قضا را می شود در تمام اوقات شبانه روز خواند، چه در سفر و چه در حضر، و اگر بخواهد در سفر، نمازهای فوت شده در غیر حال سفر را بخواند، باید آنها را تمام بخواند و اگر در حضر (غیر مسافرت) بخواهد نمازهای فوت شده در مسافرت را قضا نماید باید شکسته قضا نماید. عروۃ الوثقی، صلاة القضاء، مساله ۱۰ ۷- کسانی که عذر دارند آیا می توانند نماز قضا بخوانند؟ کسانی که با حالت عذر نماز می خوانند، مثل کسی که باید در حال نشسته نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب باید خواندن نمازهای قضای خود را تا وقتی که عذر او برطرف نشده به تاخیر بیندازند، مگر کسی که عذرش تا آخر عمر ادامه پیدا کند، یا از زود مردن خود بترسد -به خاطر ظاهر شدن نشانه های مرگ و یا به خاطر اینکه چون نمی توانسته وضو بگیرد یا غسل کند، به جای وضو و غسل تیمم کرده، که در این صورت می تواند بخواند، ولی در این صورت اخیر بهتر است به جا آوردن نماز قضا را به تاخیر بیندازد. عروۃ الوثقی، صلاة القضاء، مساله ۳۴

تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۲۲، مساله ۱۲ توضیح المسائل، مساله ۷۱۶

مواردی که باید ما فی الذمه نیت نمود

گاهی اوقات انسان باید در نیت نمازش نه نیت ادا بکند و نه نیت قضا، بلکه باید مافی الذمه (یعنی آنچه به گردن اوست) نیت داشته باشد که ما به بعضی از موارد آن اشاره می نماییم. ۱- اگر از روی معصیت یا به واسطه عذری، مانند: خواب ماندن یا فراموشی یا... نماز مغرب و عشا را تا نصف شب نخواند، بنا بر احتیاط واجب، باید تا قبل از اذان صبح بدون اینکه نیت ادا و قضا کند، به جا آورد. عروه الوثقی، اوقات الصلاة الیومیة، توضیح المسائل، مساله ۷۴۰

وقت ادای نافله ظهر

نافله ظهر پیش از نماز ظهر خوانده می شود و وقت آن از اول ظهر است تا موقعی که آن مقدار از سایه شاخص که بعد از ظهر پیدامی شود به اندازه - آن شود؛ مثلاً اگر درازای شاخص هفت وجب باشد، هر وقت مقدار سایه ای که بعد از ظهر پیدا می شود به دو وجب رسید، آخر وقت نافله ظهر است. توضیح المسائل، مساله ۷۶۸

وقت ادای نافله عصر

نافله عصر پیش از نماز عصر خوانده می شود و وقت آن تا موقعی است که آن مقدار از سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می شود، به آن برسد و چنانچه بخواهد نافله ظهر یا نافله عصر را بعد از وقت آنها بخواند، بهتر است نافله ظهر را بعد از نماز ظهر و نافله عصر را بعد از نماز عصر بخواند و بنا بر احتیاط واجب نیت ادا و قضا نکند. توضیح المسائل، مساله ۷۶۹ یادآوری بنا بر احتیاط واجب جایز است که نافله ظهر و عصر را قبل از زوال بخواند؛ البته در صورتی که بداند بعد از زوال نخواهد توانست آن را بخواند. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۷ مساله ۵

وقت نافله روز جمعه

بیست رکعت نافله روز جمعه را هم می توان قبل از زوال خواند و هم بعد از زوال. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۷ مساله ۵

وقت ادای نافله مغرب

وقت نافله مغرب، بعد از تمام شدن نماز مغرب است تا وقتی که سرخی طرف مغرب - که بعد از غروب کردن آفتاب در آسمان پیدامی شود از بین برود. توضیح المسائل، مساله ۷۷۰

وقت ادای نافله عشا

وقت نافله عشا بعد از تمام شدن نماز عشا تا نصف شب است و بهتر است بعد از نماز عشا بلافاصله خوانده شود. توضیح المسائل، مساله ۷۷۱

وقت ادای نماز شب

وقت نافله شب از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود. توضیح المسائل، مساله ۷۷۳ یادآوری ۱- مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند (مانند جوانانی که خوابشان سنگین است و یا اشخاص مریض و یا پیر و...) می تواند آن را اول شب به جا آورد، ولی شایسته است که آن را به نیت تعجیل انجام دهد، نه نیت ادا.

توضیح المسائل ، مساله ۷۷۴ عروۃ الوثقی ، فی اوقات الرواتب ، مساله ۲۹- کسی که نمی تواند نصف شب برای نماز شب بیدار شود، اگر امر دائر شود بین اینکه اول شب بخواند یا فردا قضای آن را به جا آورد، قضا کردن ترجیح دارد. عروۃ الوثقی ، فی اوقات الرواتب ، مساله ۱۰

وقت ادای نافله صبح

نافله صبح پیش از نماز صبح خوانده می شود و وقت آن بعد از گذشتن از نصف شب ، به مقدار خواندن یازده رکعت نماز شب است ؛ ولی احتیاط آن است که قبل از فجر اول نخوانند، مگر آنکه بعد از نافله شب بلافاصله بخوانند، که در این صورت مانعی ندارد. توضیح المسائل ، مساله ۷۷۲

فصل سوم : قبله شناسی

اشاره

قبله پیامبر اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم در مدت سیزده سال پس از بعثت در مکه و چند ماه بعد از هجرت در مدینه ، به امر خداوند متعال به سوی بیت المقدس عبادت می کرد (بیت المقدس زادگاه حضرت عیسی و قبله یهود و نصارا بود) در حالی که مردم آن روز مکه به کعبه اهمیت زیادی قائل بودند و آنجا را بت خانه خود قرار داده بودند. ماجرای تغییر قبله پیامبر اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم وقتی که به مدینه آمدند و به طرف بیت المقدس نماز خواندند، یهودیانی که در مدینه بودند شروع کردند به بهانه جویی و اعتراض و تبلیغ بر علیه مسلمین مبنی بر اینکه اینان از خود استقلال ندارند و این که به طرف قبله ما نماز می خوانند، دلیل حقانیت ماست و خلاصه مساله قبله ، دستاویزی برای کوییدن پیامبر اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم شده بود. پیامبر اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم از این موضوع بسیار ناراحت بود و شبها به انتظار وحی در این مورد به آسمان نگاه می کرد و ساعت شماری می کرد، و سرانجام یک روز در حالی که دو رکعت از نماز ظهر را خوانده بود، جبرئیل (ع) مامور شد که بازوی پیامبر (ص) را گرفته و روی او را به سوی کعبه بگرداند (سوره بقره آیه ۱۴۴). بعد از تغییر قبله یهود ناراحت شده و تبلیغات منفی خود را از طریق دیگری شروع کردند و گفتند: چه عاملی باعث شد که مسلمانان از قبله پیشین انبیا اعراض نمایند، پس یا کارسابقشان باطل بوده یا کار فعلی آنان . خداوند متعال در آیه یاد شده جواب آنها را چنین می دهد که همه جا مربوط به خداست و به هر کجا او دستور دهد، باید بدان سو نماز خواند و نقطه خاصی بدون دستور الهی دارای شرافت ذاتی نیست . فلسفه تغییر قبله همان گونه که در بحث فلسفه احکام در قسمت مقدمات گفتیم ، فلسفه واقعی احکام برای ما مجهول است ولی آنچه درباره حکمت این مساله با استفاده از مدارک اسلامی به نظر می رسد، عبارتند از: ۱- مستقل بودن و تحت تاثیر جو و محیط و آداب غلط قرار نگرفتن بهترین کمال است . پیامبر اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم از وقتی که در مکه بودند چون خواستند صفوف مسلمین از مشرکان که به کعبه اهتمام می ورزیدند جدا گردد، لذا به بیت المقدس متوجه شدند و همین که به مدینه آمدند، در مرحله اول به طرف بیت المقدس نماز می خواندند و در حالی که نمازشان به آن طرف صحیح بود، خواستار تغییر قبله شدند که این بر پایه عللی بود که به بعضی از آنها اشاره می شود: الف) به خاطر سوءاستفاده و دستاویز قرار دادن یهود مساله قبله را. ب) برای اینکه یهود و نصارا در کتابهای دینی خود خوانده بودند که پیامبری خواهد آمد که به دو قبله نماز می خواند، همچنان که قرآن به این مساله اشاره دارد. ۲- برای آزمایش افراد مسلمانی که هنوز رسوبات دوران شرک در آنها بود که اطاعت از این دستور برای آنهاهی که هنوز به مقام تسلیم نرسیده بودند، بسیار کار دشواری بود و در قرآن کریم در سوره بقره (آیه ۱۴۳) به این مساله اشاره شده است :

وما جعلنا القبلة التي كنت عليها الا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه وان كانت لكبيرة الا على الذين هدى الله ؛ ما قبله پیشین تو را تغییر ندادیم ، مگر برای آنکه افرادی که از پیامبر پیروی کرده از افرادی که عقب گرد می کنند، آشکار شوند، اگر چه این جمساله تغییر قبله ج بسیار جتحمش ج گران است ، مگر بر کسانی که جواقعا ج هدایت شده اند.)) اگر خداوند ما فوق زمان و مکان است ، توجه به قبله چه مفهومی دارد؟ اولاً: اسلام به مساله اتحاد بسیار اهمیت داده و هر حکمی را که موجب هماهنگی و وحدت می شود، به صورت وجوب یا استحباب بیان فرموده است ؛ بنابراین اگر نقطه معینی قبله نبود و هر کس به طرفی می ایستاد، هرج و مرج عجیبی به وجود می آمد. ثانیاً: بعضی از نقاط حالت محوری و سابقه بیشتری برای پرستش و عبادت دارند، چه بهتر که هم برای حفظ وحدت و هم برای توجه بیشتر به مراکز اصلی عبادت نقطه ای به عنوان قبله انتخاب بشود تا همه جهانیان به هنگام عبادت، افکار خود را متوجه همان نقطه کنند و در واقع دایره های متعدد متحدالمرکزی به هنگام عبادت ترسیم نمایند تا مرزی برای وحدت و اتحاد آنها باشد. مواردی که رو به قبله بودن واجب است در پنج مورد رعایت قبله لازم است که آنها عبارتند از: اول : نمازهای واجب و قضای نمازهای روزانه و نماز احتیاط و قضای اجزای فراموش شده و همچنین نمازهای مستحبی ، اگر بخواهد آنها را در حال استقرار بدن بخواند و اما در دو مورد رعایت قبله لازم نیست : ۱- در سجده سهو (البته احتیاط مستحب آن است که رو به قبله باشد). ۲- در نمازهای مستحبی در صورتی که بخواهد در حال راه رفتن یا هنگام حرکت وسیله نقلیه ، نماز بخواند. کیفیت رو به قبله بودن در نمازها کسی که نمازش را ایستاده می خواند، بایستی صورت و جلو بدنش رو به قبله باشد، و اما بهتر است انگشتان پاها و پشت دستها و سر زانوها هم در هنگام نشستن رو به قبله باشند، بخصوص آخری و اما کسی که نشسته نماز می خواند، بایستی صورت و سینه و شکم و حتی سر زانوهایش رو به قبله باشد و اگر کسی نمی تواند نشسته نماز بخواند و وظیفه اش خوابیده نماز خواندن است ، بایستی به پهلو راست بخوابد، به طوری که صورت و جلو بدنش رو به قبله باشد و اگر این طور نمی تواند، بایستی به پهلو چپ بخوابد که صورت و جلو بدنش مقابل قبله باشد و اگر این طور هم نمی تواند، بایستی به پشت بخواند، به طوری که صورتش به طرف آسمان و کف پاهایش به طرف قبله باشد. دوم : در حال احتضار و آن به صورتی است که اگر بنشیند، صورتش رو به قبله باشد. سوم : در حال نماز خواندن بر میت که بایستی میت را طوری جلو نمازگزار بگذارند که سرش به طرف راست و پاهایش طرف چپ نمازگزار قرار داشته باشد که در شهرهای ما سرش به طرف مغرب و پاهایش به طرف مشرق قرار می گیرد. چهارم : در حال دفن میت که میت را به پهلو راست طوری می خوابانند که صورت و جلو بدنش رو به قبله باشد. پنجم : در هنگام سر بردن و یا نحر کردن حیوانات به صورتی که جای ذبح و نحر حیوان و همچنین جلو بدن او رو به قبله باشد و بنابر احتیاط مستحب ، شخص ذبح کننده هم رو به قبله باشد. عروۃ الوثقی ، فیما یستقبل له . جایی که رو به قبله بودن حرام است در حال تخلی (بول و غائط کردن) رو به قبله یا پشت به قبله بودن حرام است . عروۃ الوثقی ، فیما یستقبل له ، مساله ۲ مواردی که رو به قبله بودن مستحب است ۱- در حال دعا؛ ۲- در حال قرائت قرآن ؛ ۳- در حال ذکر؛ ۴- در حال تعقیب ؛ ۵- در حال سجده شکر؛ ۶- در حال سجده واجب قرآن ؛ ۷- مطلقاً در حال نشستن . عروۃ الوثقی ، فیما یستقبل له ، مساله ۳ مواردی که رو به قبله بودن مکروه است ۱- در حال آمیزش (جماع)؛ ۲- در حال پوشیدن شلوار؛ ۳- هر حالی که با تعظیم قبله منافات داشته باشد، مانند آب دهان انداختن در مقابل قبله و... عروۃ الوثقی ، فیما یستقبل ، مساله ۴

راههای تشخیص جهت قبله

۱- علم (یقین) : که اگر کسی علم به قبله بودن یک جهت پیدا کرد، بایستی حکم به قبله بودن آن طرف نماید. ۲- شهادت دو نفر شاهد عادل : به شرطی که شهادت آنان از روی حس و مشاهده باشد که در این صورت ولو شهادت آنان یقین هم نیاورد، جایگزین یقین می شود. ۳- به گفته کسی که از روی قواعد علمی قبله را تشخیص می دهد و گفته او اطمینان آور هم باشد. ۴- ظن و گمان

: که اگر هیچ کدام از سه مرحله قبلی وجود نداشت نوبت به مرحله چهارم می رسد که عمل کردن به ظن و گمان باشد و آن هم از هر راهی به دست آید، چه از راه محراب مسجد یا قبرهای مسلمانان باشد و چه از گفته صاحب خانه و چه از راه خورشید و ستاره و قطب نما باشد؛ البته باید توجه داشت که در صورتی می تواند به گمان عمل کند که نتواند گمان قوی تری پیدا کند والا بایستی گمان قوی تر را تحصیل نماید؛ مثلاً اگر مهمان از گفته صاحب خانه گمان به قبله پیدا کند، ولی بتواند از راه دیگر گمان قوی تر به دست آورد، نباید به حرف او عمل نماید. عروۃ الوثقی، القبلة، مساله ۱ و ۲ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۱، مساله ۲ و توضیح المسائل، مساله ۷۸۳ کسی که نمی داند قبله کدام طرف است ۱- کسی که تمام اطراف در نظر او مساوی است و وقت نماز هم وسعت دارد و فقط یک نماز هم باید بخواند، مانند نماز صبح، در اینجا وظیفه اش روشن است و باید چهار نماز به چهار طرف بخواند. ۲- در صورتی که وقت نماز وسعت دارد و تمام اطراف در نظر او مساوی است و باید دو نماز بخواند؛ مانند ظهر و عصر یا مغرب و عشا، در اینجا این دو نماز را به دو صورت می تواند بخواند: الف) ابتدا نماز اول را به چهار طرف می خواند و بعد نماز دوم را شروع می نماید و در هنگام خواندن نماز دوم لازم نیست که آن را از همان طرفی که نماز اول را شروع کرده است، شروع نماید. ب) نماز اول را به هر طرف بخواند به دنبال آن، نماز دوم را به همان طرف می خواند و خواندن نماز دوم به طرف دیگر جایز نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که روش اول انتخاب شود. ۳- که در این صورت به هر چند طرف که وقت اجازه می دهد، نمازش را می خواند. ۴- باید نماز اول را به چهار طرف خوانده و کسری را به نماز دوم بدهد، یعنی به هر چند طرف که وقت دارد، نماز دوم را بخواند. ۵- در این صورت آخرین نمازی که می خواند، به نیت عصر و نمازهای قبلش را به نیت ما فی الذمه بخواند. ۶- چهار رکعت آخر را به نیت عشا و بقیه وقت قبلی را به نیت نماز مغرب به هر چند طرف که می تواند بخواند. ۷- اگر می داند که قبله در چند طرف است، باید فقط به همان اطرافی که یقین به قبله بودن یکی از آنها دارد، نماز بخواند. ۸- حضرت امام صورت گمان را هم به صورت یقین داشتن ملحق فرموده اند. یعنی به هر چند طرف که گمان به قبله بودن آنها دارد، فقط به همان اطراف نماز بخواند و لکن بنا بر احتیاط مستحب صورت گمان به صورت تحیر و شک ملحق گردد. عروۃ الوثقی، فی القبلة، مساله ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۶.

کسی که فهمیده نمازش رو به قبله نبوده

۱- در این صورت چه جاهل باشد و چه فراموش کرده باشد و چه غافل باشد -البته جهل و فراموشی و غفلت نسبت به موضوع باشد نه به حکم و چه کسی باشد که اعتماد به ظن و گمان کرده -در صورتی که وظیفه اش بوده و حالا- فهمیده اشتباه کرده است، در تمام این صورتهای نمازش صحیح است؛ منتها اگر در وسط نماز است، بدون گفتن ذکر، بدنش را به طرف قبله بر می گرداند و در صحت این نماز هم فرقی بین داشتن وقت یا نداشتن نیست، ولی می فرمایند غیر از کسی که برای پیدا کردن قبله کوشش کرده، ولی بعد فهمید اشتباه کرده، بنابر احتیاط مستحب نمازها را دوباره بخواند. عروۃ الوثقی، فی احکام الخلل فی القبلة، مساله ۸، ۹، ۲- اگر وقت وسعت داشته باشد -ولو به اندازه خواندن یک رکعت از نماز در وقت باید آن نماز را رها کرده و دوباره نماز را رو به قبله شروع نماید. همان جا. ۳- باید بدون گفتن ذکر به طرف قبله برگشته و نماز را تمام کند و احتیاط مستحب آن است که بعد از وقت قضا نماید. همان جا. ۴- باید نماز را اعاده کند. ۵- بنابر احتیاط مستحب اعاده نماید، ولو پشت به قبله خوانده باشد. همان جا. یادآوری ۱- تمام مراحل که برای تشخیص قبله گفته شد (علم - شهادت دو نفر عادل و...) همان گونه که در نمازهای واجب روزانه جاری بود در بقیه چیزهایی هم که رعایت قبله درباره آنها لازم است، جاری می باشد و اما در مواردی که حتی ظن و گمان هم به قبله بودن یک طرف در نمازهای روزانه پیدا نمی کردیم، فرمودند به چهار طرف نماز خوانده شود، در این موضوع بقیه چیزهایی که رعایت قبله در آنها لازم است، دو قسمند: یک قسم چیزهایی است که تکرارشان امکان پذیر است، مانند: نماز

آیات و نماز میت و قضای اجزای فراموش شده نماز، که در اینها هم بایستی به چهار طرف تکرار شود و یک قسم قابل تکرار نیست، مانند: سربریدن و یا نحر حیوانات و یا دفن اموات و حال احتضار، در این موارد اگر نتواند ظن به قبله بودن یک طرف پیدا کند هر طرف را خواست انتخاب کند، آزاد است. عروۃ الوثقی، فی احکام القبلة، مساله ۱۶. ۲ اگر حیوانی عمدا برخلاف قبله ذبح یا نحر شود ج خوردن آن حرام می شود و اما اگر از روی جهل به قبله یا فراموشی ذبح یا نحر شود و یا نمی شد آن حیوان را رو به قبله کرد، مانند حیوانی که داخل چاه افتاده است، اشکال ندارد. همان، مساله ۳۲- اگر میتی روبه قبله دفن نشده باشد -حالا چه عمدا و چه از روی فراموشی یا به خاطر جهل به قبله بایستی قبر او را نبش کرده و او را رو به قبله نمود؛ البته در صورتی که بدنش متلاشی نشده و موجب هتک حرمتش نگردد. همان، مساله ۳ پاورقی ۱. ر. ک: بقره (۲) آیه ۱۴۴ ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۵۰ به بعد (با تلخیص).

مکان نمازگزار

اشاره

مکان نمازگزار دارای شرایطی است و هر کدام از آنها را که نداشته باشد، نماز خواندن در آن مکان باطل است؛ این شرایط عبارتند از:

شرط اول: غصبی نباشد

در جایی انسان می تواند نماز بخواند که یا مال خودش باشد و یا اگر مال دیگری است، بداند صاحبش راضی است، بنابراین نماز خواندن در مکانهایی که گفته می شود باطل است: ۱- در جایی که ملکش از دیگری است و انسان نمی داند صاحبش راضی است یا نه، که تا علم به رضایت او پیدا نکرده است نماز در آنجا باطل است مگر در: الف) در زمین بسیار وسیعی که از ده دور و چراگاه حیوانات است، اگر چه صاحبانش راضی نباشند، نماز خواندن و نشستن و خوابیدن در آن اشکال ندارد و در زمینهای زراعتی هم که نزدیک ده است و دیوار ندارد، اگر چه در مالکان آنها افراد صغیر و دیوانه باشد، نماز و عبور و تصرفات جزئی اشکال ندارد؛ ولی اگر یکی از صاحبانش ناراضی باشند، تصرف در آن حرام و نماز باطل است. توضیح المسائل، مساله ۷۸۹ ب) در اماکن عمومی برای وارد شوندگان به آنها، مانند: مسافرخانه ها و هتلها و حمامها و... توضیح المسائل، مساله ۸۷۸ ج) در خانه هایی که آیه ۶۱ سوره نور بیان جواز خوردن از آن خانه را بدون اجازه صاحبان آنها نموده است. همین مقدار که انسان علم به کراهت و عدم رضایت آنها نداشته باشد، که در این خانه علاوه بر خوردن می فرمایند، نماز در آنها هم همین حکم را دارد که آنها عبارتند از: خانه پدر، مادر، برادر، عمو، عمه، خاله، دایی، خانه کسی که کلیدش در دست اوست و خانه دوست عروۃ الوثقی، فی مکان المصلی، مساله ۱۸. ۲ در مکانی که منافعتش از دیگری است، اگر بدون اجازه مالک منافع در آن مکان نماز بخواند، نمازش باطل است، بنابراین کسی که در خانه مستاجری بدون اجازه مستاجر نماز می خواند، اگر چه از طرف مالک واقعی اجازه داشته باشد و یا خود مالک واقعی نمازش باطل است. توضیح المسائل، مساله ۸۶۷- در مکانی که حق دیگری به او تعلق نگرفته باشد، بنابراین در مکانهایی که حقوق زیر به آنها تعلق گرفته باشد، نمی شود در آنها نماز خواند: الف) حق رهن: رهن آن است که بدهکار مقداری از مال خود را نزد طلبکار بگذارد که اگر طلب او را ندهد، طلبش را از آن مال به دست آورد و طلبکار و بدهکار نمی توانند در مالی که گرو گذاشته شده، بدون اجازه یکدیگر، ملک کسی کنند، مثلا ببخشند و یا بفروشند. توضیح المسائل، مساله ۲۳۰۷، ۲۳۱۲. ب) حق سبق: کسی که در مسجد نشسته، اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز

بخواند، بنابر احتیاط واجب باید دوباره نمازش را در محل دیگری بخواند. ج) حق شریک: کسی که در ملکی با دیگری شریک است، اگر سهم او جدا نباشد، بدون اجازه شریکش نمی تواند در آن ملک تصرف کند و نماز بخواند. توضیح المسائل، مساله ۸۷۲ و عروۃ الوثقی، فی مکان المصلی، مساله ۱۲ د) حق امام و فقرا: اگر با عین پولی که خمس و زکات آن را نداده، ملکی بخرد، تصرف او در آن ملک، حرام و نمازش هم در آن باطل است و همچنین است اگر به ذمه بخرد و در موقع خریدن قصدش این باشد که از مالی که خمس یا زکاتش را نداده، پولش را بدهد؛ مگر اینکه آن مقدار خمس یا زکات را به وجهی شرعی، مانند مصالحه با مجتهد به عهده گرفته باشد. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۷ مساله ۴ و توضیح المسائل، مساله ۸۷۳ ه) حق خود میت: اگر میت وصیت کرده باشد که ثلث مال او را به مصرفی برسانند، تا وقتی که ثلث را جدا نکنند، نمی شود در ملک او نماز بخواند. و) حق ورثه میت: اگر بعضی از ورثه میت، صغیر یا دیوانه یا غائب باشند، تصرف در ملک او حرام، و نماز در آن باطل است، ولی تصرفات جزئی که برای برداشتن میت معمول است، اشکال ندارد. توضیح المسائل، مساله ۸۷۷ ز) حق طلبکارهای میت: بدهکارهای میت، یا از قسم خمس و زکات است که تا به حال نمی داده، یا مدتی نداده و یا از قسم بدهیهای معمولی است، اگر از قسم خمس و زکات باشد، تصرف در ملک او حرام و نماز در آن باطل است، مگر آنکه بدهکاری او را داده یا قصد دادن آن را داشته باشند، به شرطی که مسامحه در دادن نمایند و اما اگر بدهیهای او غیر از خمس و زکات باشد، باز هم تصرف در ملک او حرام و نماز در آن باطل است؛ ولی تصرفات جزئی که برای برداشتن میت معمول است، اشکال ندارد و نیز اگر بدهکاری او کمتر از مالش باشد و ورثه هم تصمیم داشته باشند که بدهی او را بدهند و مسامحه هم نمی کنند و تصرفشان هم تصرفی نیست که موجب فروختن یا از بین بردن مال میت باشد، اشکال ندارد، ولی بنابر احتیاط مستحب، از ولی میت هم رضایت گرفته شود. عروۃ الوثقی، مکان المصلی، مساله ۱۴ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۷ مساله ۴ و توضیح المسائل، مساله ۸۷۵ و ۸۷۶ خلاصه بحث در این مکانها نمی توان نماز خواند: - مکانی که ملکش از دیگری است - مکانی که منافعش از دیگری است - مکانی که حق دیگری به آن تعلق گرفته: - حق رهن - حق سبق - حق شریک - حق امام و فقرا - حق خود میت - حق ورثه میت - حق طلبکارهای میت یادآوری ۱- نماز خواندن مواردی که شمرده شد، باطل است و این در صورتی است که از روی عمد در این مکانها نماز بخواند و اما اگر از روی جهل یا غفلت یا فراموشی در آن مکانها نماز بخواند، باطل نیست، مگر آنکه خودش آن مکان را غصب کرده باشد. عروۃ الوثقی، فی مکان المصلی و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۷ مساله ۲۱- در باطل بودن نماز در موارد غصبی یاد شده فرقی بین نماز واجب و مستحب نیست. عروۃ الوثقی، فی مکان المصلی. ۳- هرگاه خود مکان غصبی نباشد، ولی روی آن فرش غصبی انداخته و نماز بخواند، باز هم نماز باطل است و همچنین است عکس آن، یعنی اگر فرش مباحی را روی مکان غصبی بیندازند، باز نماز باطل است. عروۃ الوثقی، فی مکان المصلی، مساله ۴۱- ملائک در رضایت، رضایت باطنی است، بنابراین اگر صاحب ملک به زبان اجازه نماز خواندن بدهد، ولی انسان بداند که قلبا راضی نیست، نماز خواندن در ملک او باطل است و اگر اجازه نداده، ولی انسان یقین دارد که قلبا راضی است، نماز صحیح است؛ مانند: مسافرخانه ها و حمامها و... و خلاصه، اگر از ظاهر حال کسی اطمینان به رضایت او کشف شود، کفایت می کند و به احتمال خلاف، اعتنا نمی شود. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۸ مساله ۵ و توضیح المسائل، مساله ۸۷۴- در زیر سقف یا خیمه غصبی و یا در خانه ای که بعضی از دیوارهای آن غصبی است، نماز باطل نیست، اگر چه احتیاط در اجتناب است. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۷ مساله ۳

شرط دوم: مکان نماز گزار در حال اختیار بی حرکت باشد

نماز خواندن روی تشک و یا میزهایی که ثابت نمی ایستند، یا در داخل قطار و یا ماشین و کشتی، در حال اختیار و در حال حرکت، جایز نیست، مگر اینکه در قطار و یا ماشین و کشتی همان گونه که آنها حرکت می کنند ولی تکان نمی دهند، نماز بخواند، البته

با رعایت شروط دیگر، مثل اینکه در هنگام تکان خوردن بدن چیزی نخواند و هرگاه آنها از قبله منحرف شدند، به طرف قبله برگردد و اما حرکتی که به تبع حرکت قطار و ماشین و کشتی انسان حرکت می‌کند، اشکال ندارد و اما در حال اضطرار که مسلماً نماز خواندن بی اشکال است، ولی واجب است که مراعات قبله و استقرار را به قدر امکان بنماید. عروة الوثقی، فی مکان المصلی (الثانی) و مساله ۲۴ و تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۵۱ مساله ۱۵

شرط سوم: در جایی نماز خوانده شود که نمازگزار بتواند افعال نماز را درست به جا آورد

در جایی که سقف آن کوتاه است و درست نمی‌تواند بایستد و یا به اندازه ای کوچک است که جای رکوع و سجود ندارد، نماز خواندن باطل است و اگر ناچار شود که در چنین جایی نماز بخواند، باید به قدری که ممکن است، قیام و رکوع و سجود را به جا آورد. توضیح المسائل، (شرط سوم).

شرط چهارم: مکان نمازگزار پاک باشد

مکان نمازگزار اگر نجس است، باید به طوری تر نباشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد، ولی جایی که پیشانی را بر آن می‌گذارد، اگر نجس باشد، در صورتی که خشک هم باشد، نماز باطل است و احتیاط مستحب آن است که مکان نمازگزار اصلاً نجس نباشد. توضیح المسائل، (شرط چهارم).

شرط پنجم: مکان نمازگزار پست و بلند نباشد

جای پیشانی نمازگزار از جای زانوهای او بیش از چهار انگشت بسته پست تر یا بلندتر نباشد و احتیاط واجب آن است که از سرانگشتان پا هم، بیشتر از این پست تر و بلندتر نباشد. توضیح المسائل، (شرط پنجم). یادآوری ۱- بعضی از فقها درباره مکان نمازگزار، شرایط دیگری را هم متذکر شده‌اند که حضرت امام آنها را شرط نمی‌دانند که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود: الف) فرموده‌اند ایستادن در جایی که توقف در آنجا حرام است، نماز در آنجا باطل است و این حرام بودن توقف هم گاهی به خاطر صرف ایستادن روی آن مکان است، مانند ایستادن روی چیزی که آیات قرآن و یا اسم خداوند متعال و یا اسامی محترمه بر روی او نوشته شده و گاهی هم حرمت توقف به خاطر آن است که توقف در آن مکان برای او خطر جانی دارد، مانند: ایستادن در زیر سقف یا دیواری که احتمال خرابی دارد و یا ایستادن در جایی که در تیررس دشمن است (البته در غیرحال دفاع و وظیفه) ولی حضرت امام می‌فرمایند: ولو توقف حرام است، ولی نماز را باطل نمی‌کند. عروة الوثقی، مکان المصلی (الرابع والخامس). ب) فرموده‌اند شخص نمازگزار نباید مساوی یا جلوتر از قبر معصوم بایستد، مگر اینکه بین او و قبر معصوم حایل و مانعی باشد، ولی حضرت امام می‌فرمایند: هر چند این عمل سوء ادب است و احتیاط مستحب در دوری جستن از آن است، ولی نماز را باطل نمی‌کند، همچنین می‌فرمایند: حایل لازم نیست دیوار و یا چیز دیگر باشد بلکه داشتن فاصله زیادی که صدق وحدت مکان نکند، این سوء ادب را از میان می‌برد و اما ضریح و پارچه روی آن در حایل بودن کافی نیست. عروة الوثقی، مکان المصلی (السابع) و تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۴۹ مساله ۲.۹- نماز خواندن زن و مرد برابر هم یا مقدم بودن زن بر مرد کراهت دارد، منتها اگر هر دو با هم شروع کنند، نماز هر دو کراهت دارد و اگر با هم شروع نکنند، کراهت به نماز کسی که عقب تر شروع کرده تعلق می‌گیرد و در این مساله فرقی بین محرم و غیرمحرم و بالغ و نابالغ و حتی زن و شوهر و نماز واجب و مستحب نیست و این کراهت برداشته می‌شود به این که مرد جلوتر ایستاده، یا اگر برابری بین آنها حایل و مانعی باشد و یا بین آنها به اندازه ده ذراع دست (تقریباً پنج متر) فاصله باشد و البته باید توجه داشت که این در جایی است که هر دو نفر آنها مشغول نماز باشند و اما اگر یکی از آنها در حال نماز

خواندن نباشد کراهت ندارد. عروۃ الوثقی، مکان المصلی (العاشر) و مساله ۲۶، ۲۷، ۲۹-۳ بودن زن و مرد نامحرم در جای خلوت مکروه است و احتیاط شدید در ترک آن است و احتیاط در نماز نخواندن در آنجاست، لکن اگر خواند نمازش باطل نیست. توضیح المسائل، مساله ۸۸۹-۴ نماز خواندن در جایی که تار و مانند آن می نوازند، باطل نیست ولی گوش دادن به آنها حرام است. توضیح المسائل، مساله ۸۹۰-۵ اگر مکان نماز گزار به قدری گلی است که اگر بخواهد برای سجده و تشهد بنشیند، لباسها و بدنش آلوده می شود، در اینجا اگر مکان دیگری برای نماز ندارد، بایستی در همان جا نماز بخواند، ولی برای سجده و تشهد اشاره می نماید. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۵۰ مساله ۱۲

بعضی از مکانهایی که نماز خواندن در آنها مکروه است

در چند جا نماز خواندن مکروه است یعنی ثواب نماز را کم می کند: ۱- در حمام، ولو در رخت کن آن باشد؛ ۲- جاهای کثیف؛ ۳- خانه ای که در او چیز مست کننده ای مانند شراب باشد؛ ۴- در آشپزخانه و هر کجا که کوره آتش باشد؛ ۵- زمین نمکزار؛ ۶- هر زمینی که در آن عذاب بر کسی نازل شد؛ ۷- مقابل انسان؛ ۸- مقابل دری که باز است؛ ۹- در جاده و خیابان و کوچه، اگر برای کسانی که عبور می کنند زحمت نباشد و چنانچه زحمت باشد، حرام است، ولی نماز را باطل نمی کند؛ ۱۰- مقابل آتش و چراغ؛ ۱۱- مقابل چاه و چاله ای که محل بول باشد؛ ۱۲- روبه روی عکس و مجسمه چیزی که روح دارد، مگر آنکه روی آن پرده بکشد؛ ۱۳- در جایی که عکس باشد، اگر چه روبه روی نماز گزار نباشد؛ ۱۴- در اتاقی که جنب در آن باشد؛ ۱۵- مقابل قبر؛ ۱۶- روی قبر؛ ۱۷- بین دو قبر؛ ۱۸- در قبرستان؛ ۱۹- جایی که مقابل انسان چیزی باشد که حواس انسان را مشغول کند، مانند نوشته و یا نقاشی و... ۲۰- خانه ای که در آن سگ باشد (غیر از سگ شکاری). عروۃ الوثقی، فی الامکنۃ المکروهه و توضیح المسائل، مساله ۸۹۸ یادآوری کسی که می خواهد در محل عبور مردم یا جایی که روبه روی او کسی نشسته نماز بخواند؛ مستحب است که جلو خود چیزی بگذارد، و یا خطی بکشد که این کار اشاره به انقطاع از خلق و توجه به خالق است. عروۃ الوثقی، فی الامکنۃ المکروهه، مساله ۳

بعضی از مکانهایی نماز خواندن در آنها مستحب است

۱- مسجد: در شرع مقدس اسلام بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخواند و بهتر از همه مسجدها مسجد الحرام است و بعد از آن مسجد پیغمبر -صلی الله علیه وآله وسلم و بعد مسجد کوفه و بعد از آن مسجد بیت المقدس و بعد از مسجد بیت المقدس، مسجد جامع هر شهر و بعد از آن مسجد محله و بعد از آن مسجد بازار است؛ زیرا نماز در مسجد الحرام برابر با یک میلیون نماز و مسجد النبی ده هزار و مسجد کوفه و مسجد الاقصی (بیت المقدس) هزار نماز و مسجد جامع صد نماز و مسجد محله ۲۵ نماز و مسجد بازار دوازده نماز است و مستحب است انسان در خانه خود جایگاهی را برای نماز اختصاص بدهد که البته این مکان حکم مسجد را ندارد و اما برای زنها نماز خواندن در خانه -بلکه در صندوقخانه و اتاق عقب بهتر است، ولی اگر بتواند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کند، بهتر است در مسجد نماز بخواند. عروۃ الوثقی، فی الامکنۃ المکروهه، مساله ۴ و توضیح المسائل، مساله ۸۹۴

۲- حرم امامان -علیهم السلام و بلکه نماز در حرم امامان -علیهم السلام از نماز در مساجد برتر است و در روایت است که نماز در حرم حضرت امیر المؤمنین -علیه السلام برابر دویست هزار نماز است. توضیح المسائل، مساله ۸۹۵-۳ در حرم انبیا -علیهم السلام و جایگاه اولیا و صلحا و علما و عباد، نماز خواندن مستحب است و حتی در خانه آنها هم نماز خواندن مستحب است. عروۃ الوثقی، فی الامکنۃ المستحبه، مساله ۴۵- مستحب است که انسان نمازهای خود را در جاهای متعدد بخواند، تا روز قیامت شاهدی بیشتری داشته باشد. عروۃ الوثقی، فی الامکنۃ المستحبه، مساله ۶

احکام مساجد

در اسلام برای مسجد احکامی از قبیل وجوب و استحباب و حرمت و کراهت بیان شده است که ذیلاً آنها را متذکر می شویم:

احکام وجوبی تظهير مسجد از نجاست واجب است و حرم امامان -علیهم السلام هم همین حکم را دارد، منتها در مورد آنها می فرمایند اگر بی احترامی محسوب می شود، تظهير واجب است والا بنابر احتیاط مستحب تظهير نمایند. توضیح المسائل، مساله ۹۰۰، ۹۰۴ و اگر جایی از مسجد نجس شود که تظهير آن بدون کندن یا خراب کردن ممکن نیست، باید آنجا را بکنند یا اگر خرابی زیادی لازم نمی آید، خراب نمایند و پر کردن جایی که کنده اند و ساختن جایی که خراب کرده اند واجب نیست، ولی اگر آن کس که نجس کرده، بکند یا خراب کند، در صورت امکان باید پر کرده و یا تعمیر نماید. توضیح المسائل، مساله ۹۰۲ و اما کسی که خود نمی تواند تظهير کند، اعلان به دیگری در صورتی که نجس کردن بی احترامی به مسجد باشد، واجب است.

احکام استحبابی

۱- ساختن مسجد مستحب است توضیح المسائل، مسئله ۹۱۱ قال رسول الله -صلی الله علیه وآله وسلم: من بنى مسجداً فی الدنيا اعطاه الله بكل شبر منه - او قال بكل ذراع منه مسيره اربعین الف عام مدینه من ذهب وفضة ودر و یاقوت و زمرد و لؤلؤ و سائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۸۶ پیامبر اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم- فرموده اند: هر کس در دنیا مسجدی بسازد، خداوند متعال به هر وجب آن -یا فرمود به هر ذراع آن - شهری به اندازه چهل هزار سال راه رفتن از طلا و نقره و مروارید و یاقوت زمرد و زبرجد و لؤلؤ به او عنایت می فرماید. قال ابو عبد الله -علیه السلام-: من بنى مسجداً بنى الله له بیتاً فی الجنة و سائل الشیعة، ج ۳ ص ۴۸۵ امام صادق -علیه السلام- می فرماید: هر کس مسجدی بسازد خداوند برای او خانه ای در بهشت خواهد ساخت. قال رسول الله -صلی الله علیه وآله وسلم: ان مما يلحق المؤمن من عمله وحسناته بعد موته علماً نشره وولداً صالحاً تركه و مصحفاً ورثه او مسجداً بناه بحار الانوار، ج ۸۰ ص ۳۸۰ پیامبر اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم- فرموده اند: به درستی و تحقیق از آنچه به مؤمن بعد از مردنش ملحق می شود از اعمال و خوینها، علم و دانشی است که به وسیله او منتشر شده و فرزند صالحی است که از او باقی مانده و کتاب و نوشته ای که بعد از خود می گذارد یا مسجدی است که بنا نموده است. نهج الفصاحه، حدیث ۹۰۰۶ قال رسول الله -صلی الله علیه وآله وسلم: من بنى مسجداً و لو مثل مفحص قطاة بنى الله له بیتاً فی الجنة نهج الفصاحه، حدیث ۲۷۹۵ پیامبر اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم- می فرمایند: هر کس مسجدی بسازد ولو به اندازه جایی که شتر مرغ در آنجا تخم می گذارد، خداوند خانه ای در بهشت برای او می سازد. ۲- تعمیر مسجدی که نزدیک به خرابی می باشد، مستحب است و اگر مسجد طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشد، می توانند آن را خراب کنند و دوباره بسازند، بلکه می توانند مسجدی را که خراب نشده برای احتیاج مردم خراب کنند و بزرگتر بسازند. توضیح المسائل، مساله ۹۱۱ عن علی ((علیه السلام)) قال: ان المسجد ليشكو الخراب الى ربه وانه ليتشبه من عماره اذا غاب عنه ثم قدم كما يتشبه احدكم بغائبه اذا قدم علیه بحار الانوار، ج ۸۰ ص ۳۸۰ از علی -علیه السلام- نقل شده که فرموده اند: هر آینه مسجد به پروردگارش از خرابی خود شکایت می کند و به درستی که مسجد، از تعمیر کنندگانش وقتی که به آنجا می روند و بر می گردند، خوشحال می شود همان گونه که یکی از شما وقتی عزیزش بر می گردد، احساس خوشحالی می کند. ساختن مسجد و تعمیر آن از هر کس پذیرفته نیست: وما كان للمشرکین ان يعمرؤا مساجد الله ... توبه (۹) آیه ۱۷ مشرکان را نرسد که مساجد خدا را تعمیر کنند. جعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله و اليوم الآخر و جاهد فی سبیل الله لا یستون عند الله و الله لا یهدی القوم الظالمین. توبه (۹) آیه ۱۹ آیا رتبه سقاییت و آب دادن به حاجیان و تعمیر کردن مسجد الحرام را بامقام آن کس که به خدا و به روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده چگون علی -علیه السلام- ج یکسان می شمیرد؟

هرگز جاین دوج نزد خدا یکسان نخواهند بود و خداوند ظالمان را هرگز هدایت نخواهد کرد. ۳- خدمت کردن به مسجد (نظافت، روشن کردن چراغ و...) توضیح المسائل، مساله ۹۱۲ قال رسول الله -صلی الله علیه وآله وسلم: من قم مسجدا كتب الله له عتق رقبة ومن اخرج منه ما یقذی عینا كتب الله له کفلین من رحمة وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۱۱ پیامبر گرامی اسلام می فرماید: هر کس مسجدی را تمیز کند، خداوند برای او ثواب آزاد کردن بنده ای می نویسد و هر کس به اندازه خاشاکی که در چشم بیفتد، آشغالی را از مسجد خارج کند، خداوند متعال رحمت خودش را بر او دو برابر قرار می دهد. قال رسول الله -صلی الله علیه وآله وسلم: من اسرج فی مسجد من مساجد الله سراجا لم تزل الملائكة وحمله العرش یستغفرون له مادام فی ذلك المسجد ضوء من ذلك السراج وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۱۳ پیامبر اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: هر کس چراغی را در مسجدی از مساجد خداوند روشن کند، تا وقتی که نوری از آن چراغ در آن مسجد باقی است، ملائکه و حاملان عرش خداوند برای او طلب مغفرت می نمایند. ۴- احیای مساجد و رونق دادن به آنها. عروة الوثقی، فی الامکنه المستحبه، مساله ۸ عن ابی عبد الله -علیه السلام- قال: ثلاثة یشکون الی الله عزوجل: مسجد خراب لا یصلی فیہ اهله وعالم بین جهال ومصحف معلق قد وقع علیه الغبار لا یقرء فیہ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۴ امام صادق -علیه السلام- می فرمایند: سه چیزند که به خداوند متعال شکایت می کنند: مسجدی که خراب باشد و کسی در آن نماز نخواند و دانشمندی که بین افراد ناآگاه قرار گرفته باشد -یعنی از او هم استفاده نشود و قرآنی که روی آن را غبار گرفته و خوانده نمی شود. ۵- زیاد رفت و آمد کردن به مسجد. عروة الوثقی، فی الامکنه المستحبه، مساله ۹ قال علی -علیه السلام: الجلوس فی الجامع خیر لی من الجلوس فی الجنة فیها رضی نفسی والجامع فیہ رضی ربی وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۲ حضرت علی -علیه السلام- می فرماید: نشستن در مسجد جامع بهتر است برای من، از نشستن در بهشت؛ زیرا نشستن در بهشت مراخشد می سازد، ولی نشستن در مسجد جامع مورد رضایت خداوند. عن رسول الله -صلی الله علیه وآله وسلم- قال: من مشی الی مسجد من مساجد الله فله بكل خطوة خطاها حتی یرجع الی منزله عشر حسنات ومحی عنه عشر سیئات ورفع له عشر درجات)). وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۳ پیامبر اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم- می فرماید: هر کس به طرف مسجدی از مساجد خداوند برود، خداوند برای هر قدمی که بر می دارد تا به منزلش برگردد، ده حسنه برای او نوشته و ده سیئه را از او محو می کند و ده درجه به مقامش می افزاید. عن ابی عبد الله -علیه السلام- قال: من مشی الی المسجد لم یضع رجله علی رطب ولا یابس الا سبحت له الی الارضین. بحار الانوار، ج ۸۱ ص ۱۳ امام صادق صادق -علیه السلام- می فرماید: هر کس به طرف مسجدی برود، پایش را روی هیچ تر و خشکی نمی گذارد، مگر آنکه تا اعماق زمین برای او استغفار می کند. قال رسول الله -صلی الله علیه وآله وسلم: بشر المشائین فی ظلم اللیل الی المساجد بالنور التام يوم القیمة نهج الفصاحه، حدیث ۱۰۹۰ پیامبر اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم- می فرماید: بشارت بده به افرادی که زیاد در تاریکی شب به سوی مساجد می روند، به اینکه در روز قیامت با نور تمام محشور می گردند. ۶- جلوتر از همه رفتن پس از همه بیرون آمدن. توضیح المسائل، مساله ۹۱۲ قال امیر المؤمنین -علیه السلام: جاء اعرابی الی النبی -صلی الله علیه وآله وسلم- فساله عن شر بقاع الارض وخیر بقاع الارض فقال له رسول الله -صلی الله علیه وآله وسلم- شر بقاع الارض الاسواق (الی ان قال) وخیر البقاع المساجد واحبهم الی الله اولهم دخولا و آخرهم خروجا منها وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۴ امیر المؤمنین -علیه السلام- می فرماید: شخص عربی نزد پیامبر -صلی الله علیه وآله وسلم- آمد و از حضرتش درباره بدترین و بهترین جاهای زمین سؤال کرد؟ پس حضرت فرمودند: بدترین مکانهای روی زمین بازارها است جچون اکثرا در آنها از خداوند غفلت ورزیده و گول شیطان را می خورند و بدترین مکانهای روی زمین مساجدند و از همه مردم محبوب تر نزد خداوند، کسی است که از همه زودتر وارد مسجد شده و از همه دیرتر خارج گردد. یا اباذر طوبی لاصحاب الاولیة يوم القیمة یحملونها فیسبقون الناس الی الجنة الا هم السابقون الی المساجد بالاسحار و غیرها بحار الانوار، ج ۸۰ ص ۳۶۹ پیامبر گرامی اسلام -صلی الله علیه وآله وسلم- به ابوذر فرمودند: خوشا به حال صاحبان پرچمها که روز قیامت آنها را حمل می کنند و به سوی بهشت از دیگران سبقت می گیرند، آگاه

باشید که آنها کسانی هستند که در سحرگاهان و غیر سحرگاهان به طرف مسجدها سبقت می گرفته اند. ۷- با طهارت وارد شدن . عروه الوثقی ، فی بعض احکام المسجد، ص ۳۶۹-۸ برای رفتن به مسجد، خود را خوشبو نموده و لباسهای پاکیزه و قیمتی بپوشد. توضیح المسائل ، مساله ۹۱۲-۹ قبل از ورود کفشها را واریسی نمودن . توضیح المسائل ، مساله ۹۱۲-۱۰ در هنگام ورود، ابتدا پای راست را داخل گذاردن ، با گفتن صلوات و در وقت خروج به عکس ، با گفتن صلوات . توضیح المسائل ، مساله ۹۱۲ وسائل الشیعه ، ج ۳، ص ۵۱۷-۱۱ بعد از ورود دو رکعت نماز تحیت خواندن ، ولی اگر نماز واجب یا مستحبی دیگری بخواند، کافی است . توضیح المسائل ، مساله ۹۱۳

احکام حرام

۱- زینت کردن مسجد:

بنابر احتیاط واجب ، مسجد را نباید به طلا زینت نمایند و همچنین نباید صورت چیزهایی که مثل انسان و حیوان ، روح دارد، در مسجد نقش کنند و نقاشی چیزهایی که روح ندارد، مثل گل و بوته ، مکروه است . توضیح المسائل ، مساله ۹۰۸

۲- فروختن یا از بین بردن مسجد و یا لوازم آن .

اگر مسجد خراب هم بشود، نمی توانند آن را بفروشند یا داخل ملک و جاده نمایند و همچنین فروختن در و پنجره و چیزهای دیگر مسجد حرام است و اگر مسجد خراب شود، باید اینها را صرف تعمیر همان مسجد کنند و چنانچه به درد آن مسجد نخورد، باید در مسجد دیگر مصرف شود، ولی اگر به درد مسجدهای دیگر هم نخورد، می توانند آن را بفروشند و پول آن را اگر ممکن است صرف تعمیر همان مسجد، و گرنه صرف تعمیر مسجد دیگر نمایند. توضیح المسائل ، مساله ۹۰۹، ۹۱۰

۳- نجس کردن مسجد.

نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است و هر کس بفهمد که نجس شده ، باید فوراً نجاست آن را بر طرف کند و احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند و اگر نجس شود، نجاستش را بر طرف نمایند، مگر آنکه واقف آن را جزء مسجد قرار نداده باشد. توضیح المسائل ، مساله ۹۰۰ و همچنین نجس کردن حرام امامان - علیهم السلام حرام است . توضیح المسائل ، مساله ۹۰۴

۴- بیرون بردن سنگریزه های آن .

بنابر احتیاط واجب ، جایز نیست که سنگریزه های داخل مسجد را بیرون ببرند و اگر بیرون برده شود، بایستی اگر امکان دارد، به همان مسجد و الا به مسجد دیگر برگردانند، ولی بیرون بردن خاکروبه و مانند آن اشکال ندارد. عروه الوثقی ، فی بعض احکام المساجد (الرابع).

۵- دفن میت در مسجد:

دفن کردن میت در مسجد جایز نیست ، هرچند ضرری به مسلمانان نزده و مزاحمتی برای نمازگزاران نداشته باشد. تحریرالوسیله ، ج ۱، ص ۸۹ مساله ۸

بردن عین نجس، مانند خون و یا چیزی که نجس شده - اگر بی احترامی به مسجد باشد حرام است. توضیح المسائل، مساله ۹۰۶

اگر مسجد را برای روضه خوانی چادر بزنند و فرش کنند و سیاهی بکوبند و اسباب چای در آن ببرند، در صورتی که این کارها به مسجد ضرر نرساند و مانع نماز خواندن نشود، اشکال ندارد. توضیح المسائل، مساله ۹۰۷ احکام مکروه ۱- نقاشی کردن چیزهایی که روح ندارد، مانند گل و بوته، مکروه است. توضیح المسائل، مساله ۹۰۸ ۲- خوابیدن در مسجد اگر ناچار نباشد، مکروه است. توضیح المسائل، مساله ۹۱۴ قال الصادق -علیه السلام: ان المساکین کانوا یبیتون فی المسجد علی عهد رسول -صلی الله علیه وآله وسلم بحارالانوار، ج ۸۰ ص ۳۵۷ امام صادق -علیه السلام می فرماید: به درستی که مساکین شبها در زمان پیامبر -صلی الله علیه وآله وسلم در مسجد می خوابیدند. ۳- صحبت کردن راجع به کارهای دنیا. توضیح المسائل، مساله ۹۱۴ ۴- خواندن شعری که نصیحت و مانند آن نباشد. توضیح المسائل، مساله ۹۱۴ عن ابی عبدالله -علیه السلام قال: ان امیر المؤمنین -علیه السلام رای قاضا فی المسجد فضربه بالدره وطرده وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۱۵. امام صادق -علیه السلام می فرماید: امیرالمؤمنین شخصی را دیدند که در مسجد برای مردم قصه می گفت، پس او را با شلاق زد و از مسجد بیرون کرد. ۵- انداختن آب دهان و بینی و اخلاط سینه در مسجد. توضیح المسائل، مساله ۹۱۴ قال علی -علیه السلام: من وقر المسجد من نخامته لقی الله يوم القيامة ضاحكا قد اعطى كتابه بيمينه وان المسجد لیتلو عند النخامة کتلوی احدکم بالخیزران اذا وقع به بحار، ج ۸۰ ص ۳۸۱ حضرت علی -علیه السلام می فرماید: هر کس مسجد را احترام کند از اینکه آب دهان یا بینی خود را در آن بیندازد، خداوند را با خشنودی در قیامت ملاقات کرده و کتابش به دست راستش داده می شود و به درستی که مسجد به خود می پیچد، وقتی کسی آب بینی یا دهانش را در آن بیندازد، مانند به خود پیچیدن یکی از شما، وقتی تازیانه به او زده می شود. قال رسول الله -صلی الله علیه وآله وسلم: من رد ريقه تعظيما لحق المسجد جعل الله ريقه صحه فی بدنه وعوفي من بلوی فی جسده بحار، ج ۸۱ ص ۱۳ هر کس آب دهانش را به خاطر احترام مسجد فرو برد، خداوند آن آب دهان را وسیله سلامت بدن و عافیت از بلاهای جسمی قرار می دهد. ۶- طلب کردن گمشده سمع النبی -صلی الله علیه وآله وسلم رجلا ینشد ضالاه فی المسجد فقال قولوا له لا راد الله علیک فانها لغير هذا بنیت وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۰۸ پیامبر -صلی الله علیه وآله وسلم شنیدند که شخصی گمشده ای را در مسجد اعلان می کرد، حضرت فرمودند: به او بگویند که خداوند گمشده ات را به تو برنگرداند؛ زیرا مسجد برای غیر این کار ساخته شده است. ۷- بلند کردن صدا، مگر برای اذان و مانند آن. توضیح المسائل، مساله ۹۱۴ ۸- خرید و فروش. توضیح المسائل، مساله ۹۱۴ ۹- داخل شدن کسی که سیر و پیاز و مانند اینها خورده، به طوری که بوی آن موجب آزار دیگران می شود و یا با پای عرق کرده به مسجد وارد شدن. توضیح المسائل، مساله ۹۱۵ عن علی -علیه السلام قال: من اكل شیئا من المؤمن ذیات ریحها فلا یقربن المسجد وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۰۳ حضرت علی -علیه السلام می فرماید: هر کس چیزی بخورد که بوی او مردم را اذیت می کند، نباید به مسجد نزدیک شود. ۱۰- راه دادن بچه و دیوانه به مسجد. توضیح المسائل، مساله ۹۱۵ قال المجلسی -ره: لاخلاف فی کراهه تمکین المجانین والصبيان لدخول المساجد وربما یقید الصبی بمن لا یوثق به اما من علم منه ما یقتضی الوثوق به لمحافظة علی التتره من النجاسات واداء الصلوات فانه لایکره تمکینه بل یتحب تمرینه ولاباس به بحار، ج ۸۰ ص ۳۴۹ مرحوم مجلسی می فرماید: خلافا نیست در اینکه دیوانه ها و بچه ها را نباید در مسجد جای داد، ولی چه بسا که بچه ای که اینجا گفته شده بچه ای باشد که مورد اعتماد نیست، اما بچه ای که مواظب طهارت و نجاست و ادای نماز است، نه تنها کراهت ندارد، بلکه مستحب است که برای تمرین دادن او، وی را به مسجد

ببرند. ۱۱- اجرا کردن حد در مسجد. عروۃ الوثقی، فی بعض احکام المسجد. ۱۲- مشغول شدن به صنعت. توضیح المسائل، مساله ۹۱۴-۱۳. راه محل عبور قراردادن مساجد، مگر اینکه دو رکعت نماز بخواند. عروۃ الوثقی، فی بعض احکام المسجد. ۱۴- مسجد را محل قضاوت و مرافعه قراردادن. عروۃ الوثقی، فی بعض احکام المسجد. نقش مسجد در اسلام مسجد مکانی برای بحث آزاد ۱- کان ابوالحسن -علیه السلام یامر محمد بن حکیم ان یجالس اهل المدینة فی مسجد رسول الله وان یکلمهم ویخاصمهم بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۳۷ حضرت موسی بن جعفر -علیه السلام به شخصی به نام محمد بن حکیم -که یکی از اصحاب دانشمند آن حضرت بودند می فرمودند که در مسجد پیامبر بنشیند و با کسانی که جدر مسائل دینی ج اشکالاتی دارند، به بحث و مناظره پردازد.... مسجد، مرکز پیدا کردن دوست خوب ۱- قال امیرالمؤمنین -علیه السلام: من اختلف الی المسجد اصاب احدی الثمان ... اخا مستفادا فی الله بحار، ج ۸۰ ص ۳۵۱ حضرت امیرالمؤمنین -علیه السلام می فرمایند: هر کس به مسجد رفت و آمد کند حداقل یکی از هشت چیز نصیبش می شود: دوستی خوب و خدایی ... مسجد مرکز هدایت قال امیرالمؤمنین -علیه السلام: من اختلف الی المسجد اصاب احدی الثمان ... کلمه ترده عن ردی او یسمع کلمه تدله علی هدی بحار، ج ۸۰، ص ۳۵۱ حضرت علی -علیه السلام می فرمایند: هر کس به مسجد رفت و آمد کند حداقل ج یکی از هشت چیز نصیبش می شود... جمله ای که او را از بدبختی نجات بخشد یا کلمه ای که راه مستقیم را به او نشان دهد. مسجد جایگاهی برای خودسازی قال امیرالمؤمنین -علیه السلام: من اختلف الی المسجد اصاب احدی الثمان ... او یتربک دنیا خشیة او حیاء بحار، ج ۸۰ ص ۳۵۱ حضرت علی -علیه السلام می فرماید: هر کس به مسجد رفت و آمد کند حداقل ج یکی از هشت چیز نصیبش می شود. یا خودش را از دنیا و پستیها نجات می دهد، چه از ترس خدا و چه به خاطر خجالت کشیدن از مردم مسجد ضرار قال امیرالمؤمنین -علیه السلام: ان بالکوفه مساجد مبارکه و مساجد ملعونه بحار، ج ۸۰ ص ۳۶۰ حضرت علی -علیه السلام می فرماید: بدرستی که در شهر کوفه مسجدهای پربرکتی است و مسجدهایی هم هستند که مورد لعن خداوند قرار دارند....

مقدمات رکنی و غیر رکنی (توجهی و غیر توجهی)

از این شش مقدمه ای که برای نماز ذکر شد، بعضی مقدمات رکنی و بعضی غیر رکنی هستند و اما مقدمات رکنی آن مقدماتی هستند که چه شخص بداند یا نداند (توجه داشته باشد یا نه) بایستی آنها را دارا باشد و آنها عبارتند از: الف - طهارت داشتن (وضو، غسل و تیمم) که چه عمدا و چه سهوا بدون وضو نماز خوانده باشد، نماز باطل است. ب - داخل شدن وقت، که چه عمدا و چه سهوا قبل از وقت نماز بخواند، نمازش باطل است. عروۃ الوثقی، فی الخلل الواقع فی الصلوة، مساله ۶ ج - غصبی نبودن مکان نماز گزار، در صورتی که خودش غصب کرده باشد، که چه عمدا در آنجا نماز بخواند و چه سهوا و از روی فراموشی، نمازش باطل است. عروۃ الوثقی، مکان المصلی و تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۴۷ د - رو به قبله بودن، که اگر نمازش را طوری بخواند که به طرف راست یا چپ قبله یا پشت به قبله باشد و در وسعت وقت بفهمد، چه در وسط نماز بفهمد، چه بعد از نماز، بایستی نمازش را دوباره بخواند (البته اگر در وسط نماز باشد آن را رها کرده و دوباره می خواند) و اما اگر در تنگی وقت باشد، به طرف قبله برمی گردد و اگر بعد از وقت فهمیده، بنا بر احتیاط مستحب قضا می نماید. عروۃ الوثقی، فی الخلل الواقع فی الصلوة، مساله ۳ و اما مقدمات غیر رکنی آنهایی هستند که اگر سهوا ترک شده باشند، نماز صحیح است و آنها عبارتند از: الف - پوشش و رعایت تمام شرایط آن، که اگر سهوا ترک شده باشد نماز صحیح است عروۃ الوثقی، فی الخلل الواقع فی الصلوة، مساله ۸. ب - اگر در شرایط مکان نماز گزار سهوا تخلف شود، نماز صحیح است، مگر در صورت غصب، که اگر خودش غصب کرده باشد، نماز باطل است. عروۃ الوثقی، فی الخلل الواقع فی الصلوة، مساله ۹ و تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۴۷ مساله ۱ ج - ازاله نجاست از بدن، که اگر سهوا ندانسته با بدن نجس نماز خوانده، نمازش صحیح است، به خلاف جایی که می دانسته و فراموش کرده،

که در این صورت باطل است . توضیح المسائل ، مساله ۸۰۲

پی نوشتها

۱) لیس علی الاعمی حرج ولا- علی الاعرج حرج ولا- علی المریض حرج ولا علی انفسکم ان تاكلوا من بیوتکم او بیوت ابائکم او بیوت امهاتکم او بیوت اخوانکم او بیوت اعمامکم او بیوت عماتکم او بیوت اخوالکم او بیوت خالاتکم او ما ملکتم مفاتحه او صدیقکم لیس علیکم جناح ان تاكلوا جمیعا او اشتاتا... درباره معنی ((لیس علی الاعمی حرج ولا...)) چند احتمال در تفسیر مجمع البیان ذکر شده است : الف) یعنی در هم غذا شدن شما با افراد کور و لنگ و مریض ، حرجی نیست ؛ زیرا مردم از هم غذا شدن با آنها ناراحت بودند و می گفتند: شخص لنگ چون نمی تواند درست بنشیند، شاید نتواند مانند ما غذا بخورد و یا شخص مریض ممکن است اشتیهای خوبی نداشته باشد و... ب) مسلمانان وقتی که به جنگ می رفتند، کلید منزل خود را به بعضی از آنها داده و می گفتند در استفاده مجازید، ولی اینهامی گفتند: چون خودشان نیستند، درست نیست ، خداوند این حرج را از آنها برداشت . ج) بر شخص کور و لنگ و مریض حرجی نیست از اینکه نتوانسته اند به جبهه بروند و با این معنا جمله ((ولا علی انفسکم)) جمله مستانفه و ابتدای کلام می شود. جمله ((من بیوتکم)) یعنی از خانه های زنهای یا فرزندانان ، که خانه فرزند را در این آیه به خانه خود انسان نسبت داده ، چون از پیامبر اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم نقل شده که فرموده اند: ((انت ومالک لاییک)) یعنی تو و آنچه داری از آن پدرت هستی . درباره جمله ((ان تاكلوا جمیعا او اشتاتا)) احتمالاتی داده شده که یکی از آنها این است که عادت بعضی این بود که تنها غذا نمی خوردند و تا کسی نمی یافتند که با آنها غذا بخورد، لب به غذا نمی زدند، خداوند متعال این سختی را از آنها برداشته و می فرماید: اگر تنها غذا بخورید گناه نیست . (تفسیر مجمع البیان ، ج ۴ ، ص ۱۵۵) ۲) آدرس شرایط پوشش : ۱- طلاباف نبودن . ر.ک : عروه ، لباس مصلی مساله ۲۲- ابریشم خالص نبودن . ر.ک : عروه ، لباس مصلی مساله ۳۲- غصبی نبودن مگر اینکه خودش غصب کرده باشد. ر.ک : تحریرالوسیله ، ج ۱ ، ص ۱۴۳-۴ از اجزای مردار. ر.ک : عروه ، لباس مصلی ، مساله ۱۲-۵ از اجزای حیوان حرام گوشت . ر.ک : عروه ، لباس مصلی ، مساله ۱

فصل چهارم : پوشش

مقدار پوشش

۱- مرد از مرد، و زن از زن ، باید فقط عورتین خود را بپوشانند. ۲- مرد باید از زن عورتین خود را بپوشاند، به استثنای زن و شوهر و اما پوشیدن بقیه بدن بر مرد لازم نیست ولو بر زنهای نگاه کردن حرام است ، ولی اگر زن در نگاه کردن تعمد داشته باشد، بعضی از مراجع پوشیدن را بر مرد لازم دانسته اند (از باب کمک نکردن بر گناه) ، ولی حضرت امام آن را لازم نمی دانند. ۳- بر زن واجب است که عورتین خود را از محارم خود بپوشاند، ولی احتیاط مستحب آن است که از ناف تا زانو را هم بپوشاند، مگر از شوهر. ۴- پوشیدن لازم نیست . ۵- پوشیدن بدن - غیر از صورت و دستها از پسر بچه ممیز، به خصوص پسر بچه ای که نزدیک ایام بلوغ اوست ، واجب است . ۶- پوشیدن بدن - غیر از صورت و دستها - واجب است و اما صورت و دستها را هم اگر متوجه شود که با قصد ریه و تلذذ نگاه می کند، پوشیدنش واجب است . ۷- در این صورت پوشیدن تمام بدن ، حتی صورت و دستها لازم است . ۸ - باید در حال نماز حتما عورتین خود را بپوشاند -ولو کسی هم نباشد ولی بهتر است که از ناف تا زانو را هم بپوشاند. ۹- در غیر حال نماز، در هنگامی که در معرض دید نامحرم قرار می گرفت ، لازم بود تمام بدنش را بپوشاند، الا دو مورد: یکی دستها تا مچ و یکی هم صورت به اندازه ای که در وضو، شستن آن واجب بود و اما در حال نماز، اگر در معرض دید نامحرم باشد، باز هم همین

حکم را دارد (یعنی فقط صورت و دستها را تا میچ می تواند باز بگذارد) و اما اگر زن در جایی نماز می خواند که در معرض دید نامحرم نیست - حتی در اتاق تاریک و در بسته باید تمام بدن خود را بپوشاند، مگر سه مورد را که می تواند آنها را بپوشاند: الف) صورت به اندازه ای که در وضو واجب است؛ ب) دستها تا میچ؛ ج) کف پاها و روی پاها تا میچ. البته باید توجه داشت که در این موارد استثنا شده، باید مقدار کمتری را باز بگذارد که یقین کند به وظیفه خود عمل کرده است و باز گذاشتن در این موارد تا زمانی است که با قصد ریه و تلذذ به او نگاه نشود و الا- از باب کمک نکردن به گناه، پوشیدن این موارد هم لازم است. عروۃ الوثقی، فی الستر والساتر، مساله ۵ و باب النکاح، مساله ۵۱ سؤال: می گویند: مگر خداوند به زنها نامحرم است که گفته می شود زن، حتی در اتاق تاریک و در بسته هم باشد، باید این چنین خود را بپوشاند؟ جواب: اولاً: فلسفه همه احکام الهی برای ما روشن نیست. ثانیاً: شاید حکمت این حکم یکی از دو چیز باشد یا به خاطر این باشد که این حالت زن بهترین حالت او در پیشگاه خداوند متعال است و یا این حکم بهترین تمرین برای حجاب زن باشد، که زنی که در پنج نوبت در جایی که نامحرمی نیست، این چنین خود را بپوشاند، مسلماً در جایی که نامحرم هست، بهتر خود را خواهد پوشاند یادآوری ۱- زن باید در حال نماز، گردن خود را بپوشاند و همچنین بنا بر احتیاط واجب، باید آن مقداری که بعد از بستن روسری بر سر، از زیر گلو و چانه دیده می شود، بپوشاند. عروۃ الوثقی، فی الستر والساتر، مساله ۶۲- در واجب بودن پوشش و شرط بودنش برای صحت نماز، فرقی بین نمازهای واجب و مستحب نیست، بلکه در توابع نماز هم واجب است مانند قضای اجزای فراموش شده نماز و بنابر احتیاط واجب در سجده سهو؛ بلی در نماز میت و سجده واجب قرآن و سجده شکر واجب نیست عروۃ الوثقی، فی الستر والساتر، مساله ۹۳- اگر در بین نماز به علت وزش باد یا غفلت، عورتش پیدا شود و بعد از لحظاتی متوجه شود، در اینجا اگر فوری می شود خود را پوشید، باید بپوشاند و نمازش صحیح است و حضرت امام می فرمایند: شایسته است احتیاطاً این نماز را تمام کند و دوباره بخواند و اگر پوشیدن آن در وسط نماز زمان زیادی طول می کشد، در این صورت آن را بپوشاند و بنابر احتیاط واجب نماز را تمام کرده و دوباره بخواند. عروۃ الوثقی، فی الستر والساتر، مساله ۱۱۴- بر دختر بچه ای که بالغ نشده است، پوشیدن سر و گردن و مو واجب نیست. تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۱۴۲ مساله ۵.

چه بپوشیم؟

لباسی را که انسان می خواهد بپوشد، چه در نماز و چه در غیر نماز، دارای شرایطی است که رعایت کردن آنها موجب خشنودی پروردگار متعال و سعادت ابدی است و چون بعضی از شرایط لباس در غیر حال نماز با حال نماز فرق دارند ما مطالب مربوط به هر کدام را جدای از هم نقل می نمایم.

شرایط لباس در غیر حال نماز

اگر انسان بخواهد در غیر حال نماز لباس بپوشد، باید لباس او دارای شرایطی باشد که ذیلاً بدانها اشاره می شود: ۱- غصبی نباشد: بنابراین اگر لباسی را بخرد و پولش را ندهد یا بنا نداشته باشد بدهد - ولوبه آن شخص قول داده باشد و یا با عین پولی که خمس به آن تعلق گرفته است، بخرد و یا در هنگام خریدن تصمیم داشته باشد از آن پول بدهد، در تمام این موارد چنین لباسی غصبی است و یا حکم لباس غصبی را دارد. عروۃ الوثقی، شرائط لباس المصلی، مساله ۸، ۲۹- بنابر احتیاط واجب، نباید مرد لباس زنانه و زن لباس مردانه بپوشد. توضیح المسائل، مساله ۸۴۶ توضیح مراد از لباسی که در اینجا مطرح است، لباسهای مخصوص به مرد و لباسهای مخصوص به زن است و اما لباسهای مشترک بین زن و مرد اشکالی ندارد، بنابراین اگر زن بخواهد مثلاً در نمایشنامه ها و تئاترها لباس مخصوص به مرد و یا مرد بخواهد لباس مخصوص به زن را بپوشد، جایز نیست. ۳- بنابر احتیاط

واجب، باید انسان از پوشیدن لباس شهرت که پارچه یا دوخت آن برای کسی که می‌خواهد آن را بپوشد معمول نیست، خودداری کند توضیح المسائل، مساله ۸۴۵-۴- زن باید از پوشیدن لباسهایی که جلب توجه می‌کند، اجتناب نماید. س: حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست و آیا برای این منظور پوشیدن لباس بلند آزاد و شلوار و روسری کفایت می‌کند، یا خیر و اصولاً چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر افراد نامحرم باید رعایت شود؟ ج: واجب است تمام بدن زن، به جز قرص صورت و دستها تا مچ، از نامحرم پوشیده شود و لباس مذکور اگر مقدار واجب را بپوشاند، مانع ندارد، ولی پوشیدن چادر بهتر است و از لباسهایی که توجه نامحرم را جلب کند، باید اجتناب شود. ۳۸۰ استفتا از امام خمینی (ره). ۵- برای مرد پوشیدن لباسی که از ابریشم خالص است، جایز نیست، الا- در حال ضرورت، مانند بیماری و سرما و در حال جنگ و اما همراه داشتن آن، مثلاً گذاشتن در جیب مانعی ندارد. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۵ (الخامس). ۶- برای مرد پوشیدن لباس طلا باف حرام است و علاوه بر این زینت کردن مرد با طلا نیز حرام است، مانند آویختن زنجیر طلا به سینه و یا دست کردن انگشتر طلا، و همچنین بنابر احتیاط واجب از استعمال عینک طلا و طلا- کردن دندانهای جلو برای تزئین خودداری کنند. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۱۴ مساله ۱۴ و توضیح المسائل، مساله ۸۳۲ یادآوری الف) در حرام بودن زینت کردن با طلا برای مرد فرقی نمی‌کند که زینت ظاهر باشد و دیده شود و یا پنهان باشد. عروة الوثقی، شرائط لباس المصلی، مساله ۲۴ ب) پوشیدن طلای سفید (پلاتین) برای مردها جایز است. ۳۸۰ استفتا، از امام خمینی (ره) سؤال ۱۸۲.

مستحبات لباس در غیر حال نماز

۱- پوشیدن لباس سفید. روضه المتقین، ج ۷، ص ۶۲۱-۲ پوشیدن لباس تمیز. ۳- داشتن لباس خانه و لباس بیرون و پوشیدن هر کدام در جای خود و یا لباس کار و غیر لباس کار.

شرایط لباس نمازگزار

لباس نمازگزار شش شرط دارد: ۱- اگر نمازگزار مرد است، لباسش طلاباف نباشد. ۲- اگر نمازگزار مرد است، لباس او از ابریشم خالص نباشد. ۳- از اجزای حیوانات حرام گوشت نباشد. ۴- از اجزای مردار نباشد. ۵- غصبی نباشد. ۶- پاک باشد (مگر در شش مورد که می‌شود با لباس نجس نماز خواند). که از این شش شرط لباس نمازگزار، دو شرط اول مخصوص مردان است و در چهار شرط آخر زن و مرد شریکند که مطالب هر کدام را مطابق نظر حضرت امام، مشروحاً بیان می‌کنیم: شرط اول: ((اگر نمازگزار مرد است، لباسش طلاباف نباشد و همچنین خود را به زیورآلاتی که از طلا ساخته شده، زینت نکرده باشد.)) پوشیدن لباس زرباف برای مرد حرام، و نماز با آن هم باطل است؛ ولی همراه داشتن آن، (مثلاً گذاشتن در جیب) مانعی ندارد و اما برای زن چه در نماز و چه در غیر نماز اشکالی ندارد. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۵ مساله ۱۴ و توضیح المسائل، مساله ۸۳۱ یادآوری ۱- زینت کردن به طلا، مثل آویختن زنجیر طلا- به سینه، و انگشتر طلا- به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا- برای مرد حرام و نمازخواندن با آنها هم باطل است و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا- و طلا کردن دندانهای جلو برای تزئین خودداری شود، ولی زینت کردن طلا- برای زنهار در نماز و در غیر نماز اشکالی ندارد. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۵ مساله ۱۴ و توضیح المسائل، مساله ۸۳۳-۲ در حرام بودن زینت کردن به طلا برای مرد فرقی نمی‌کند که زینت ظاهر باشد و دیده شود و یا پنهان باشد. عروة الوثقی، شرائط لباس المصلی، مساله ۲۴-۳ در مواردی که نماز خواندن با طلا باطل است، اگر نمی‌دانسته یا می‌دانسته و فراموش کرده که پوشش طلا دارد و با آن نماز خوانده، نمازش صحیح است. عروة الوثقی، شرائط لباس المصلی، مساله ۲۲-۴ پوشیدن طلای سفید (پلاتین) برای مردها جایز و نماز خواندن با آن هم اشکالی ندارد. ۳۸۰ استفتاء از امام خمینی (ره)

(، مساله ۱۷۳ شرط دوم: ((اگر نماز گزار مرد است، لباسش از ابریشم خالص نباشد)). پوشیدن لباس ابریشمی خالص - به خلاف مخلوط در نماز و غیر نماز، برای مردها حرام است و نماز را هم باطل می کند، چه بتوان با آن ستر عورت کرد، یا نشود، مانند: آستر لباس و عرقچین و بند شلوار و... مگر در حال ضرورت، مانند: مریضی و سرما و در حال جنگ، و اما همراه داشتن آن، مثل در جیب گذاردن مانعی ندارد و اما برای زن چه در نماز و چه در غیر نماز اشکالی ندارد. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۵ (الخامس)، توضیح المسائل، مساله ۸۳۵، ۸۳۷ یادآوری اگر نداند لباسش از ابریشم خالص است و یا فراموش کرده باشد و در آن نماز بخواند، نمازش صحیح است. عروۃ الوثقی، شرائط لباس المصلی، مساله ۳۲ شرط سوم: ((لباس نماز گزار غصبی نباشد)). لباس نماز گزار باید غصبی نباشد و اگر کسی عمدا با لباس غصبی نماز بخواند - ولو لباسی که یک نخ و یا دگمه یا چیز دیگر آن غصبی باشد باید بنا بر احتیاط واجب نمازش را دوباره بخواند، چه می دانسته نماز خواندن در لباس غصبی باطل است و چه نمی دانسته؛ ولی اگر نداند یا فراموش کرده باشد که لباس او غصبی است و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است، مگر آنکه خودش آن لباس را غصب کرده باشد، که در این صورت بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۳ و توضیح المسائل، مساله ۷۱۷، ۸۱۶، ۸۱۵ اگر در وسط نماز بفهمد لباسش غصبی است اگر نداند یا فراموش کرده باشد که لباسش غصبی است و در بین نماز یادش بیاید، چنانچه چیز دیگری که عورت او را پوشانده و می تواند فوراً یا بدون اینکه موالات نماز به هم بخورد، لباس غصبی را بیرون آورد، باید آن را بیرون آورد و نمازش صحیح است و اگر چیز دیگری عورت او را نپوشانده یا نمی تواند لباس غصبی را فوراً بیرون آورد، یا اگر بیرون آورد موالات نماز بهم می خورد، در صورتی که به مقدار یک رکعت هم وقت داشته باشد باید نماز را بشکند و با لباس غیر غصبی نماز بخواند و اگر به این مقدار وقت ندارد، باید در حال نماز، لباس را بیرون آورد و به دستور نماز برهنگان که بعداً گفته می شود، نماز بخواند؛ مگر اینکه به خاطر سرما و حفظ جاننش یا از ترس اینکه اگر بیرون آورد، دزد لباسها را می برد، لباس را بیرون نیاورد که در این صورتها می شود با همان لباس نماز خواند. توضیح المسائل، مساله ۸۱۸، ۸۱۹ یادآوری ۱- اگر با عین پولی که خمس آن را نداده، لباس بخرد، نماز خواندن با آن لباس باطل است و به احتیاط واجب همچنین است اگر به ذمه بخرد و در موقع معامله قصدش این باشد که از پولی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد. توضیح المسائل، مساله ۸۲۰ ۲- بعضی محمول غصبی (یعنی چیز غصبی که همراه نماز گزار است) را هم سبب بطلان نماز می دانند، ولی حضرت امام مبطل نمی دانند. عروۃ الوثقی، شرائط لباس المصلی (الثانی). ۳- هرگاه لباس را با آب غصبی تمیز کنند و خشک شود، برای نماز اشکالی ندارد و لو آن شخص، ضامن آن مقدار آب هست و همچنین اگر با صابون غصبی آن را بشویند و اثری از صابون غصبی در آن نباشد. عروۃ الوثقی، شرائط لباس المصلی، مساله ۳ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۴ مساله ۱۰ شرط چهارم: ((از اجزای حیوانات حرام گوشت نباشد)). لباس نماز گزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد و نه تنها لباس، بلکه چیزی از اجزای آنها هم، مانند: مو، عرق و آب دهان، نباید همراه نماز گزار باشد، چه از اجزایی باشند که روح داشته اند و چه از اجزایی باشند که روح نداشته اند چه آن حیوان زنده باشد یا مرده، و مرده اش هم چه تذکیه شده باشد - یعنی به دستور شرعی ذبح شده باشد و چه تذکیه نشده باشد، چه از حیواناتی باشد که خون جهنده دارند یا نه. عروۃ الوثقی، شرائط لباس المصلی (الرابع). یادآوری ۱- همراه بودن موم و عسل و خون پشه و مانند آن، از فضله های حیواناتی که گوشت ندارند، نماز را باطل نمی کنند. عروۃ الوثقی، شرائط لباس المصلی، مساله ۱۴ و توضیح المسائل، مساله ۸۲۶ ۲- همراه بودن مو و آب دهان و چیزهایی مانند آن از انسانها، نماز را باطل نمی کند. عروۃ الوثقی، شرائط لباس المصلی، مساله ۱۵ ۳- ظاهراً فرقی بین حیوانات حرام گوشت بالاصاله وبالعرض نیست، مانند حیوان حلال گوشتی که نجاست خوار شده (جلال) و یا انسانی با آن عمل شنیع انجام داده باشد؛ اگر چه این مساله خالی از اشکال نیست. عروۃ الوثقی، شرائط لباس المصلی، مساله ۱۸ ۴- در چیزی که شک دارد از اجزای حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، نماز خواندن مانعی ندارد و همچنین اگر شک کند که این شیء از اجزای حیوان است یا غیر حیوان

عروه الوثقی، شرائط لباس المصلی، مساله ۱۸-۵- اگر در چیزی از اجزای حیوان حرام گوشت نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد یا قبلا نمی دانسته و حالا فهمیده و یا قبلا می دانسته و فراموش کرده، که اگر قبلا نمی دانسته نمازش صحیح است و اما اگر فراموش کرده بوده، بنابر احتیاط واجب دوباره نمازش را با غیر آن لباس یا اجزا بخواند. عروه الوثقی، شرائط لباس المصلی، مساله ۱۹-۶- با پوست سنجاب و خز، نماز خواندن اشکالی ندارد. توضیح المسائل، مساله ۸۲۹ شرط پنجم: ((از اجزای مردار نباشد)) لباس نماز گزار باید از اجزای حیوان مرده ای که خون جهنده دارد -یعنی حیوانی که اگر رگش را ببرند، خون از آن جستن می کند نباشد، بلکه اگر از حیوان مرده ای که مانند ماهی و مار، خون جهنده ندارد، لباس تهیه کنند، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند و نه تنها اگر لباس نماز گزاری از مردار باشد، نمازش باطل است، بلکه حتی اگر چیزی از مردار، که دارای روح بوده، مانند: گوشت و پوست -ولو از مردار حلال گوشت همراه نماز گزار باشد، اگر چه لباس او هم نباشد، بنابر احتیاط واجب با آن نماز نخواند و اما چیزهایی از مردار حیوان حلال گوشت که دارای روح نیستند، مانند: پشم و مو -اگر چه به صورت لباس باشد نماز با آنها صحیح است. توضیح المسائل، مساله ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳ یادآوری ۱- گوشت و پیه و چرمی که در بازار مسلمانان فروخته می شود، پاک است و همچنین است اگر یکی از اینها در دست مسلمان باشد، ولی اگر بداند آن مسلمان از کافر گرفته -و رسیدگی نکرده که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه نجس می باشد و اما اگر مسلمانی است که احتمال تفحص کردن را می دهیم که هر چند از کافر خریده، ولی تفحص کرده که در آنجا شرایط تذکیه رعایت شده و آن مسلمان هم برای این خریده که در موارد تذکیه شده استفاده کند، در این صورت پاک است و می شود با آن نماز بخواند. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۴ (الثالث) و توضیح المسائل، مساله ۹۵-۲- اگر در چیزی نماز بخواند و بعد بفهمد که از مردار بوده، نمازش صحیح است و اما اگر می دانسته که مردار است و با آن به خاطر فراموشی، نماز خوانده، در این صورت اگر از مرداری است که خون جهنده داشته، باید اگر در وقت است، نماز را اعاده، و اگر وقت گذشته آن را قضا نماید و اما اگر از مرداری است که خون جهنده نداشته، اعاده و قضا لازم نیست. عروه الوثقی، شرائط لباس المصلی، مساله ۱۲ شرط ششم: ((لباس نماز گزار باید پاک باشد مگر در شش مورد خاص که استثنا شده است)). اگر کسی عمدا با لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است، چه می دانسته که نماز خواندن با لباس نجس باطل است یا نمی دانسته و همچنین چه می دانسته فلان شیء از نظر اسلام نجس است یا نه و همچنین اگر می دانسته لباسش نجس است و فراموش کرده بود و بعد از مدتی یادش بیاید که لباسش که نجس بوده، پاکش نکرده است، آنچه با آن لباس نماز خوانده باطل است، ولی اگر قبلانمی دانسته که لباسش نجس است و بعد از نجاستش مطلع شده، اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است، هر چند احتیاط مستحب آن است که اگر وقت دارد، دوباره بخواند و اما اگر در بین نماز بفهمد، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید. توضیح المسائل، مساله ۷۹۹، ۸۰۳

توجه به نجاست لباس در بین نماز

اگر کسی در بین نماز متوجه شود که لباسش نجس است، سه صورت دارد: - یا می داند که نجاست قبل از نماز بوده؛ - یا می داند که ال آن پیدا شده و هنوز چیزی با آن نخوانده؛ - و یا نمی داند که از اول بوده یا حالا پیدا شده است. اگر بداند نجاست ال آن پیدا شده و هنوز هم با آن چیزی نخوانده یا شک دارد که از اول بوده یا ال آن پیدا شده، در اینجا دو صورت دارد: یا امکان در آوردن و یا عوض کردن و یا آب کشیدنش در همان موقع هست یا نیست، اگر باشد که لباس را در آورده یا آب می کشد و نمازش صحیح است و اما اگر امکان در آوردن یا آب کشیدن نباشد، یا وقت وسعت دارد یا وقت تنگ است - و در آوردن و یا آب کشیدن هم امکان ندارد - در اینجا باید لباسها را بیرون آورده و به دستور برهنگان نماز بخواند و اما اگر طوری است که می بیند اگر لباس را در آورد، نماز به هم می خورد یا به واسطه سرما و گرما و مانند آن نمی تواند لباس را در آورد، باید با همان حال

، با لباس نجس نماز بخواند و نمازش صحیح است. توضیح المسائل، مساله ۸۰۴ و ۸۰۵ عروۃ الوثقی، فی الخلل الواقع فی الصلوۃ، مساله ۷ و اما اگر بداند که نجاست از اول بوده، ولی او اطلاع نداشته در اینجا هم دو صورت دارد: یا وقت وسعت دارد و یا وقت تنگ است، اگر وقت وسعت داد، باید نماز را رها کرده با لباس پاک نماز بخواند، چون حتی اگر برایش این امکان باشد که بدون قطع نماز، نجاست را به وسیله شستن یا در آوردن یا تعویض لباس از خود دور کند، باز هم فایده ای ندارد؛ زیرا در آن صورت فقط نیمه دوم نمازش را درست کرده، حال آنکه نیمه اول را با لباس نجس خوانده است و اگر وقت تنگ است باید لباسها را بیرون آورده و به دستور نماز برهنگان نماز بخواند، البته بعدا هم بنابر احتیاط واجب این نماز را قضا نماید. کسی که در بین نماز متوجه شود لباسش نجس است ۱- باید آن نماز را رها کرده و دوباره با لباس پاک بخواند. ۲- باید لباس ها را درآورده و به دستور نماز برهنگان نماز بخواند و بنابر احتیاط واجب بعدا آن را قضا نماید. ۳- باید آن را رها کرده و دوباره با لباس پاک نماز بخواند. ۴- احکام مانند صورت دوم است (که می داند نجاست ال آن پیدا شده است). یادآوری به مسائل ۸۰۷ و ۸۰۱ و ۸۱۳ و ۸۴۷ توضیح المسائل مراجعه شود.

مواردی که می شود با لباس نجس نماز خواند

اشاره

در شش مورد می شود با لباس نجس نماز خواند که احکام هر کدام مشروحا بیان می شود.

اول: خون قروح و جروح (زخم)

خون قروح و جروح در لباس تا وقتی که زخمش خوب نشده، بخشیده است، چه کم باشد و چه زیاد، به شرطی که: ۱- عوض کردن لباس یا شستن آن نجاست، برای نوع مردم یا برای او مشقت داشته باشد، پس میزان در بخشیده بودن خون قروح و جروح، یکی از دو چیز است: یا باید مشقت نوعیه داشته باشد که اگر مشقت نوعیه داشته باشد، بخشیده است، ولو برای خود اوسخت نباشد، و یا مشقت داشتن و سخت بودن برای خود فرد است ولو برای نوع مردم مشقت نداشته باشد و اگر چنین نباشد، باید بنابر احتیاط واجب، خون را شسته، یا لباس را عوض نماید. ۲- زخمش جزئی و سطحی نباشد که زود خوب شود و الا باید خون را پاک کرده یا لباس را عوض نماید. ۳- باید اگر امکان دارد، روی زخم را محکم ببندد که بیشتر از حد متعارف را آلوده نکند. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۱۲ مساله ۱ و عروۃ الوثقی، احکام نجاسات (فیما یعفی عنه فی الصلاة) (الاول). یادآوری ۱- همان گونه که خون قروح و جروح با شرایطش بخشیده است، همچنین چرکی که با آن خارج می شود و دوابی که روی آن گذاشته اند و نجس شده است و همچنین آن مقدار عرقی که به آن متصل است، بخشیده می باشد، اما رطوباتی که از خارج به آن می رسد و به اطراف سرایت می کند، بخشیده نیست. عروۃ الوثقی، احکام نجاسات (فیما یعفی عنه فی الصلاة)، مساله ۱ و ۲- هرگاه دستش در مقام معالجه کردن، به خون قروح و جروح بخورد، یا زخمش طوری باشد که عرفا نباید اطرافش را آلوده می کرده ولی آلوده کرده باشد، این خون هم بخشیده نیست. عروۃ الوثقی، احکام نجاسات (فیما یعفی عنه فی الصلاة)، مساله ۲ و ۳- خون بواسیر (چه دانه هایش در داخل و چه در خارج باشد) و همچنین خون هر زخم داخلی -چه قروح باشد و چه جروح بخشیده است. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۲۴ مساله ۱ و ۴- هرگاه در عضوی از اعضای بدن زخمهای متعددی باشد، دو صورت دارد: یا زخمها نزدیک همدیگرند و یا از هم فاصله دارند، اگر نزدیک هم باشند، همه در حکم یک زخمند و اگر بعضی از آنها خوب شوند، شستن آن مقدار لازم نیست تا اینکه همه شان خوب شوند و اما اگر با فاصله از هم باشند، هر کدام حکم خودشان را دارند. عروۃ الوثقی،

احکام نجاسات (فیما یعفی عنه فی الصلاة)، مساله ۷ و توضیح المسائل، مساله ۸۵۴-۵- خون بینی جزء خون جروح به حساب نمی آید و لذا از جهت این خون بخشیده نیست، و اگر کمتر از درهم باشد حکم آن در بحث بعدی مطرح می شود. عروۃ الوثقی، احکام نجاسات (فیما یعفی عنه فی الصلاة)، مساله ۶۴-۶- اگر جایی از بدن یا لباس، که با زخم فاصله دارد، به رطوبت زخم نجس شود، جایز نیست با آن نماز بخواند؛ ولی اگر مقداری از بدن یا لباس، که معمولاً به رطوبت زخم آلوده می شود، به رطوبت آن نجس شود، نماز خواندن با آن مانعی ندارد. توضیح المسائل، مساله ۷۸۵۱-۷- بر کسی که خون قروح و جروح در لباسش هست، مستحب است روزی یک بار آن لباس را شستشو دهد. عروۃ الوثقی، احکام نجاسات (فیما یعفی عنه فی الصلاة)، مساله ۵

دوم: خون کمتر از درهم

خون کمتر از درهم اگر در لباس نماز گزار باشد، بخشیده است، چه از خود انسان باشد و چه از شخص دیگر، البته با چند شرط: ۱- از خونهای سه گانه زنها (حیض، نفاس و استحاضه) نباشد، که اگر یک ذره از آنها در لباس زن باشد، نمازش باطل است؛ البته نسبت به خون استحاضه، حضرت امام احتیاط واجب دارند. ۲- خون خالص باشد که اگر رطوبتی از خارج به آن برسد و در آن مستهلک نشود و یا مجموع به اندازه درهم یا بیشتر شود، بخشیده نیست و همچنین اگر چرک یا دارویی همراه خون باشد. و حضرت امام می فرمایند: بنابر احتیاط مستحب، از خون نجس العین و مردار اجتناب شود و از خون حیوانات حرام گوشت نیز، اجتناب نیکوست. عروۃ الوثقی، احکام نجاسات (فیما یعفی عنه فی الصلاة) الثانی و مساله ۲ یادآوری ۱- مراد از درهم، سطح درهم است، نه وزن آن و سطح درهم را، بعضی به اندازه گودی کف دست و بعضی به اندازه بند انگشت شست و عده ای به اندازه بند انگشت میانی و بعضی به اندازه بند انگشت سبابه گفته اند؛ ولی حضرت امام نظر آخر را اختیار کرده و می فرمایند: از سطح بند انگشت سبابه کمتر باشد و در رساله فارسی (مساله ۸۴۸) فرموده اند: تقریباً به اندازه یک اشرفی و به تعبیر یکی از فقها از پشت ناخن شست کمتر باشد. عروۃ الوثقی، احکام نجاسات (فیما یعفی عنه فی الصلاة) الثانی. ۲- اگر خون از لباس به طرف دیگرش سرایت کند: یا آن قسمت دو تا پارچه است مانند آستر و رویه، یا یکی است، اگر یکی باشد که حکم یک خون را دارد و هر طرف که سطحش وسیع تر است آن طرف حساب می شود، مگر اینکه پارچه ضخیم باشد که بهتر است احتیاط شود؛ البته این در صورتی بود که خون به یک طرف بریزد و اما اگر خون به هر دو طرف بریزد، دو خون است، ولو در یک نقطه از دو طرف ریخته است، و اما اگر پارچه دو تا باشد، حکم دوتا خون را دارد و باید هر کدام جداگانه حساب شوند، که اگر مجموعشان از درهم کمتر باشد، آن وقت اشکالی ندارد. توضیح المسائل، مساله ۸۵۶ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۲۴ مساله ۲ و عروۃ الوثقی، احکام نجاسات (فیما یعفی عنه فی الصلاة)، مساله ۳۱-۳- اگر در مقدار خون شک کند که کمتر از درهم است یا به اندازه درهم، بنا بگذار که کمتر است، مگر آنکه قبلاً به اندازه درهم بوده و حالا نمی داند کمتر شده یا نه و همچنین اگر می داند که کمتر از درهم است، ولی شک دارد که آیا از خونهای استثنا شده است یا نه، در این صورت هم بخشیده است. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۵ مساله ۴۳-۴- اگر بدن یا لباس خونی نشود، ولی به واسطه رسیدن به خون نجس شود، اگر چه مقداری که نجس شده، کمتر از درهم باشد، نمی توان با آن نماز خواند. عروۃ الوثقی، احکام نجاسات (فیما یعفی عنه فی الصلاة)، مساله ۴ و توضیح المسائل، مساله ۸۵۹-۵- اگر اصل خون کمتر از درهم از بین برود، ولی جایش باقی بماند، هنوز حکم بخشیدگی باقی است. عروۃ الوثقی، احکام نجاسات (فیما یعفی عنه فی الصلاة)، مساله ۶- خون کمتر از درمی که غلیظ است، بخشیده است، هر چند که اگر رقیق بود به اندازه درهم یا بیشتر می شد. عروۃ الوثقی، احکام نجاسات (فیما یعفی عنه فی الصلاة)، مساله ۷

سوم: چیزهایی که به خاطر کوچکی نمی شود از آنها به عنوان پوشش واجب استفاده کرد

بعضی از اشیایی که ممکن است همراه انسان باشد، به شکلی است که نمی توان با آنها عورتین را پوشانید، حالا یا از لوازم پوشاکی انسان است، مثل: کلاه و عرقچین و جوراب و... که به دلیل کوچکی خود قادر به پوشانیدن عورتین نیستند و یا از سری اشیایی است که مانند ساعت و انگشتر و امثال اینها به خاطر شکل خاص ساختمانی خود نمی توانند عورتین را بپوشانند، ولی احتمال فراوان دارد که هر یک از این چیزها همراه شخص باشد؛ به این گونه چیزها که قادر به پوشانیدن عورتین نیستند، در اصطلاح می گویند چیزهایی که نماز با آنها تمام نمی شود و اگر در حال نماز نجس باشند، نماز صحیح است، به شرطی که: ۱- از اجزای مردار نباشد؛ ۲- از اجزای نجس العین نباشد؛ و اما مانند عمامه -در صورتی که پیچیده شده باشد نه دوخته شده به هم اگر نجس باشد، نماز باطل است؛ چون با آن می توان ستر عورت کرد. عروۃ الوثقی، احکام نجاسات (فیما یعفی عنه فی الصلاة)، الثالث.

چهارم: با محمول متنجس

اگر همراه نماز گزار چیز نجس شده ای باشد که نماز در آن تمام نمی شود -یعنی نمی شود با آن ستر عورت کرد مانند دستمال و چاقو و پول و...، اگر با آنها نماز خوانده شود، نماز صحیح است و اما اگر چیز نجسی همراه نماز گزار باشد که بشود با آن ستر عورت کرد، مثل اینکه لباسی را در جیب خود بگذارد، بنابر احتیاط واجب مبطل نماز است و اما حمل خود نجس در نماز، بنابر احتیاط واجب، نماز را باطل می کند، به خصوص مردار و اما اگر شیء نجس جزء باطن انسان حساب شود، نماز باطل نمی شود؛ مثل اینکه کسی از گوشت مرداری بخورد و یا خونی را به او تزریق نمایند. عروۃ الوثقی، احکام نجاسات (فیما یعفی عنه فی الصلاة)، الرابع و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۲۵

پنجم: لباس پرستار بچه

کسی که از بچه ای پرستاری می کند -چه مادرش باشد و چه کسی دیگر بچه هم پسر باشد یا دختر، با شرایطی می تواند با لباس نجس نماز بخواند، این شرایط عبارتند از: ۱- پرستار زن باشد؛ ۲- فقط لباس بخشیده شده است نه بدنش؛ ۳- بنابر احتیاط واجب، هر شبانه روز یک بار بشوید، آن هم قبل از اولین نمازی که نجس شده؛ ۴- نجاستش فقط بول او باشد؛ ۵- بیش از همین یک دست لباس را نداشته، یا اگر دارد، از آن هم استفاده می کند. که با این شرایط می تواند با آن لباس نجس نماز بخواند ولو بتواند به خریدن یا اجاره کردن یا عاریه کردن لباس تهیه کند. عروۃ الوثقی، احکام نجاسات (فیما یعفی عنه فی الصلاة) الخامس و مساله

۱

ششم: در حالات اضطرار

در حال اضطرار و ناچاری می شود با لباس نجس نماز خواند و نه تنها با لباس نجس، بلکه با بعضی از لباسهای دیگری هم که مانع دارد، می شود نماز خواند و اختصاصی به باب نجاسات ندارد که ما برای بهتر روشن شدن به بعضی از موارد اضطرار اشاره می کنیم: عروۃ الوثقی، احکام نجاسات (فیما یعفی عنه فی الصلاة) السادس ۱- اگر در آخر وقت، در بین نماز لباسش نجس شود و امکان در آوردن و یا شستن هم نباشد، یا اینکه اگر بخواهد در آورد، نماز را به هم می زند یا موالات را از بین می برد و یا اینکه به واسطه سرما و حفظ جاننش نمی تواند لباس را در آورد، در این صورت با همان لباس نجس نماز می خواند و نمازش صحیح است. توضیح المسائل، مساله ۸۲۵، ۸۰۶- پوشیدن لباس غصبی و ابریشمی خالص و طلا باف و لباسی که از مردار تهیه شده، در حال ناچاری مانعی ندارد و نیز کسی که ناچار است لباس بپوشد و لباس دیگری غیر از اینها ندارد و تا آخر وقت هم ناچاری او از بین نمی رود، می تواند با این لباسها نماز بخواند، ولی اگر غیر از لباس غصبی و لباس ابریشمی خالص و لباسی که از مردار تهیه شده،

لباس دیگری ندارد و ناچار نیست لباس بپوشد، باید به دستوری که برای برهنگان گفته خواهد شد نماز بخواند، ولی حضرت امام درباره کسی که جز لباسی که از مردار تهیه شده لباس دیگری ندارد، می فرماید: علاوه بر نماز خواندن به دستور برهنگان، بنا بر احتیاط واجب در همان لباس هم همان نماز را دوباره بخواند. توضیح المسائل، مساله ۸۳۹، ۸۴۲ یادآوری ۱- به توضیح المسائل، مساله ۸۴۳ و ۷۹۶ مراجعه شود. ۲- در پوشش در غیر حال نماز، لازم نیست که از پوشش مخصوص و با کیفیت مخصوص استفاده شود، بلکه مراد پوشیدن و لو به وسیله دست یا گل و... باشد که کسی نتواند نگاه کند، اما در پوشش مورد نظر برای نماز می تواند حتی از گیاهان و برگ درختان و پنبه و پشم بافته نشده برای لباس استفاده کند، ولی از گل و یا دست و... نمی تواند استفاده نماید، ولو در حال اضطرار باشد و در حال اضطرار باید به دستور نماز برهنگان که گفته می شود، بدون پوشش نماز بخواند، ولی اگر گل وجود دارد، احتیاطا یک بار هم نماز را با پوشش به وسیله آن بخواند. عروۃ الوثقی، فی الستر و الساتر، مساله ۱۶ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۳ مساله ۳۷- دستور نماز برهنگان: کسی که می خواهد نماز بخواند، اگر برای پوشانیدن خود حتی برگ درخت و علف نداشته باشد و احتمال ندهد که تا آخر وقت چیزی پیدا می کند که خود را به آن پوشاند، در صورتی که نامحرم او را می بیند، باید نشسته نماز بخواند و عورت خود را با ران خود بپوشاند و اگر کسی او را نمی بیند، ایستاده نماز بخواند و جلو خود را با دست بپوشاند و در هر صورت رکوع و سجود را با اشاره انجام می دهد و برای سجود، سر را قدری پایین تر می آورد و در هنگامی که نشسته نماز می خواند، برای سجده مهر را بالا می آورد. عروۃ الوثقی، شرائط لباس المصلی، مساله ۴۳ و توضیح المسائل، مساله ۷۹۷

بعضی از چیزهایی که در لباس نمازگزار مستحب است

۱- پوشیدن لباس سفید؛ ۲- پوشیدن پاکیزه ترین لباسها؛ ۳- استعمال بوی خوش (در روایت آمده است: جاجرج نمازی که با بوی خوش خوانده شود هفتاد برابر نماز معمولی است)؛ ۴- دست کردن انگشتر عقیق؛ ۵- پوشیدن عمامه با تحت الحنک؛ ۶- پوشیدن پاها (برای زنان)؛ ۷- آویختن گردنبند، در هنگام نماز (برای زنان). عروۃ الوثقی، شرائط لباس المصلی.

بعضی از چیزهایی که در لباس نمازگزار مکروه است

۱- پوشیدن لباس چرک؛ ۲- پوشیدن لباس تنگ؛ ۳- پوشیدن لباس سیاه (حتی برای زنها) به استثنای عمامه و عبا؛ بلکه بهتر است از هر نوع لباس رنگی اجتناب شود؛ ۴- پیراهن را در شلوار کردن؛ ۵- پوشیدن لباس فرد شرابخوار؛ ۶- پوشیدن لباس کسی که از نجاست پرهیز نمی کند؛ ۷- پوشیدن لباسی که نقش صورت دارد؛ ۸- لباسهایی که موجب تکبر می شود؛ ۹- نماز خواندن در لباسهای کوچک نجسی که نمی توان با آنها ستر عورت کرد، مانند: عرقچین و جوراب و...؛ ۱۰- باز بودن تکه های لباس؛ ۱۱- دست کردن انگشتر که نقش صورت دارد؛ ۱۲- همراه داشتن درهمی که نقش صورت دارد. عروۃ الوثقی، شرائط لباس المصلی.

خلاصه مطالب

بدن نمازگزار هم باید مانند لباس نمازگزار پاک باشد و اگر شخص عمدا با بدن نجس نماز بخواند، نمازش باطل است، الا در سه مورد: ۱- خون قروح و جروح؛ ۲- خون کمتر از درهم؛ ۳- در حال اضطرار؛ که در این سه مورد با شرایطی که در بحث لباس نمازگزار گفته شده است، می توان با بدن نجس نماز خواند و اما اگر نمی دانسته بدنش نجس است و نماز خوانده: اگر بعد از نماز یادش بیاید، نمازش صحیح است و اما اگر قبلا می دانسته و فراموش کرده بود، نمازش باطل است و اما اگر در وسط نماز بفهمد، بدنش نجس است، صورتهای مختلفی دارد که مباحث آن در بخش قبلی مشروحا گذشت. والسلام علی من اتبع الهدی

پی نوشتها

(۱) برای اطلاعات بیشتر ر.ک : محمد محمدی اشتهاردی ، پوشش زن در اسلام . ۲) در این زمینه به روایاتی در کتاب روضه المتقین ، ج ۷ ، ص ۶۱۷ ۶۲۰ ۶۲۱ مراجعه شود.